

۴۰۹

کایهان

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح‌زاده

جمعه ۸ تا ۱۴ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۲ خورشیدی

سال سی و نهم - شماره ۱۸۷۵

۱۴۰۲ اعتصاب اعتراض



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما ، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- https://t.me/kayhan_london

P.O. Box 435, Old Brompton Road 2, London, SW7 3DQ

Tel: +(44)-(0)20 3633 3684
Fax: +(44)-(0)20 3633 3685

e-mail: ads@kayhan.london

www.kayhan.london

سال سی و نهم

کیهان شماره ۱۸۷۵ (۴۰۹)

جمعه ۸ تا ۱۴ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲

۲۸ آوریل تا ۴ مه ۲۰۲۳



مژده به هم‌میمنائی که خواستار کتاب **سقوط بهشت** بودند می‌توانند چاپ دوم این کتاب را از کیهان خریداری نمایند

نسخه دیجیتال کتاب نیز به‌زودی در دسترس خواهد بود

سقوط بهشت

خاندان پهلوی و روزهای پایانی ایران پادشاهی

اندرو اسکات کوپر ترجمه رضا تقی زاده



آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:

www.kayhan.london

روابط عمومی:

info@kayhan.london

آگهی و تبلیغات:

ads@kayhan.london

سردبیری:

editorial@kayhan.london



وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

www.kayhanlife.com

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقه‌مندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk

Super Hornuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD

Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA

Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN

UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE

Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

کیهان

* فهرست مطالب *

۴ سر مقاله - همبستگی ملی حامل آشتی ملی / ال‌ا‌هه بقراط

۴-۵ ۱۴۰۲ اعتصاب اعتراض / روشنگر آسترکی

۶ شاهزاده رضا پهلوی در دانشگاه حیفا: مردم ایران آماده جانفشانی و تغییر برای ... /

۷ وارث شاه ایران در رم پس از سفر تاریخی به اسرائیل ... /

۷ شاهزاده رضا پهلوی: تحریم سپاه پاسداران کافی نیست، باید تروریستی ... /

۸-۹ شاهزاده رضا پهلوی در پارلمان ایتالیا: تروریست اعلام کردن سپاه باعث ریزش ... /

۹ تصویب طرح دو حزبی «قانون مهسا» در کمیته امور خارجی مجلس نمایندگان ... /

۱۰ واکنش رسانه‌ها و مقامات حکومتی به سفر شاهزاده رضا پهلوی به اسرائیل ... /

۱۱ دست دادن یا ندادن، مسأله این است! ... (پایان) ... / احمد احرار

۱۲-۱۴ آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه (۱۰) ... / دکتر هوشنگ نهاوندی

۱۴-۱۵ افزایش تلاش برای سرکوب به بهانه «حجاب» ... /

۱۶-۱۷ گزارش «دیده بان حقوق بشر» از قتل و شکنجه سازمان یافته کودکان ... /

۱۷ جان باختن یک زن پس از درگیری بر سر حجاب اجباری در ماهان کرمان ... /

۱۸-۱۹ «لغت جن»! کتابگزاری درباره «قتل کسروی» ... / ال‌ا‌هه بقراط

۲۰-۲۱ اعتبار قرار دادهای جمهوری اسلامی با کشورهای دیگر ... / محمود مسائلی

۲۱ ناصر پاکدامن نویسنده ایرانی در پاریس درگذشت ... /

۲۲ فاکس نیوز: افزایش خروج دارایی‌های رژیم و ریزش در نیروهای مسلح ... /

۲۳-۲۴ رانندگان کامیون ایرانی در آمریکا و کانادا در باره شرایط ... / فیروزه نور دستروم

۲۴-۲۵ سختگویی وزارت خارجه آمریکا به یکابه کیهان لندن: بااروپاست که از ایزار ... /

۲۶ نشست‌های واقعی و مجازی برای «آزادی» و «نجات» ایران با حضور حامیان قاسم ... /

۲۷ تأیید حکم اعدام جمشید شادمهد در دیوان عالی کشور ... /

۲۸-۲۹ چه عواملی سعودی‌ها را به پای میز مذاکره با جمهوری اسلامی ... / نوید محبی

۲۹ روزنامه تلگراف: درخواست اسرائیل از چین برای مقابله با تهدید اتمی ... /

۳۰-۳۱ آمار رو به افزایش خودکشی در ایران ارتباط مستقیم با «شاخص فلاکت» ... /

۳۱ فروش بناهای تاریخی ایران: از کاخ ناصرالدین میرزا تا عمارت اربابی لبقوان! ... /

۳۲-۳۳ گزارش ویژه: آیا ایران آینده به سپاه نامتعارف و پاسداران جمهوری اسلامی ... /

۳۴-۳۵ تکانه‌دهنده: اجاره‌های چند میلیون تومانی برای اتاق و سوئیت‌های ... /

۳۵ تحریم چهار سردار سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به دلیل فرماندهی سرکوب‌ها ... /

۳۶-۳۷ اشتغال در بخش کشاورزی ایران منفی شد ... /

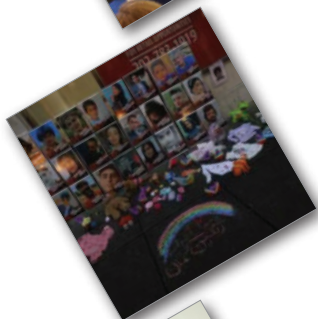
۳۷ پرسپولیس برنده صدمین دربی تهران؛ شعار تماشاگران علیه سپاه پاسداران و ... /

۳۸ پشت جلد - عکس هفته / انقلاب ملی زن زندگی آزادی

بازنشر

بازنشر

بازنشر



۱۴۰۲ اعتصاب اعتراض

همبستگی ملی حامل آشتی ملی

شعار «زن زندگی آزادی» نه تنها توجه جهان را به انقلاب ملی ایران جلب کرد بلکه برخی افراد جناحین نظام، از احمد خاتمی امام جمعه اصولگرای تهران تا محمد خاتمی «رئیس جمهور اصلاحات» را واداشت برای استمرار جمهوری اسلامی به رکاب سواری پرداخته و بازوهای تبلیغاتی و صادراتی پیدا و پنهان رژیم نیز به موج سواری بپردازند.

برای پیشگیری از تکرار خطاهای آزمون شده چه در روند انقلاب مشروعه و ارتجاعی ۵۷ و چه در طول حاکمیت پلانزاع فاشیسم مذهبی با فریب‌های امنیتی مانند «سازندگی» و «استحاله» در دوره علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی، «اصلاحات» در زمان محمد خاتمی، «اعتدال» در دو دولت حسن روحانی و «تحول» در دوره کنونی، می‌بایست همواره به تأمل و رصد روندها، ترفندها، جریان‌ها و همچنین افراد پرداخته می‌شد. نهایتاً نیز افراد منادی و حامل سیاست‌ها هستند.

تکمیل شعار «زن زندگی آزادی» با «مرد میهن آبادی» از سوی خود معترضان به این دلیل داهیهانه به نظرمی‌رسد که هم تأکیدی بر همبستگی ملی و سراسری در مقابل جداسازی‌های جنسیتی و قومی و مذهبی و عقیدتی است و هم انگشت نهادن بر دو موضوع مهمی است که جایی در تفکر جمهوری اسلامی و عملکرد آن نداشته و مقاماتش نمی‌توانند مدعی آن شوند چرا که از یکسو سیاست‌های ایران‌فروشی و بریز و پباش برای «محور مقاومت» و شبه‌نظامیان نیابتی، و از سوی دیگر واقعیات جامعه آشکارتر و کوبنده‌تر از آنست که بتوان ادعای این دو را داشت: میهن و آبادی!

اینکه در جریان جنبش‌های اجتماعی، صف‌بندی‌ها مشخص و روشن می‌شود، یک امر ناگزیرست و نباید آن را به مثابه اخلاص در همبستگی ملی و یا آشتی ملی دید! اتفاقاً روشن شدن صف‌ها سبب تشخیص اخلاص‌ها و موافق واقعی می‌شود!

جلب اعتماد مخاطبان توسط کسانی که نه تنها تا دیروز با استعمارطلبان جمهوری اسلامی بودند بلکه امروز نیز با آنها در یک صف قرار گرفته‌اند، آنهم پس از آنکه سال‌هاست مردم علیه کلیت نظام و جناحین آن شعار داده و جان بر سر آن می‌گذارند، نه تنها ممکن نیست بلکه از آنجا که این تحرکات در خدمت استمرار رژیم است، و این استمرار بر اساس چهار دهه تجربه عینی جز با حذف «دیگران» امکان ندارد، فضا را در خارج کشور و فضای مجازی بیش از پیش رادیکال می‌کند. اگرچه جامعه فارغ از هیاهوی مجازی راه خود را می‌رود اما تلویزیون‌های فارسی‌زبان می‌توانند تأثیرات مسموم و تفرقه‌افکنانه و مأیوس‌کننده بگذارند و این جز هدف جمهوری اسلامی نیست!

در این میان آن نیرویی پیروز خواهد بود که نبض تمایلات ملت را دریافته و برای سازماندهی نیروی خروشان آن تلاش کند؛ نه برای «تحول» جمهوری اسلامی به «جمهوری دوم» و یا به قدرت رسیدن «خود»! بلکه برای به پیروزی رساندن یک جنبش ملی و مدرن که هدفی جز تحقق دموکراسی و حقوق بشر برای تأمین آزادی و امنیت و رفاه همه ایرانیان ندارد.

هرگاه بخشی از «خارج کشور» این را فهمید، آنوقت می‌تواند نه بازیچه جمهوری اسلامی و دولت‌های خارجی بلکه پشتیبان «همبستگی برای آزادی» و حقوق ملت برای «نجات ایران» باشد.



● اعتصاب کارگران پیمانی صنعت نفت و پالایشگاه‌ها نمادی گویا از ناراضی‌ها و اعتراضات نیروی کار در ایران است.

برجسته در این بیانیه‌ها، تأکید بر عدم پاسخگویی جمهوری اسلامی به حقوق اقتصادی اصناف است. این مرزبندی با حکومت در قالب بیانیه‌هایی که نظام حاکم را نه تنها مشروع و پاسخگو نمی‌داند بلکه گویا راهکار مشکلات را در تغییر این ساختار ارزیابی می‌کند نکته بسیار مهمی است. در این بیانیه‌ها و پیام‌ها، سرنگونی استبداد و نشان دادن «خیابان» به عنوان راهکار موثر دیده می‌شود.

کارگران مستقل مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه در بیانیه‌ای در حمایت از اعتصابات کارگران صنعت نفت نوشته که «در ایران که توفانی انقلابی به راه افتاده است؛ کارگر تعیین‌کننده‌ترین عنصر اجتماعی است. ما کارگران در این روزهای سخت با فقر و سرکوب، هنوز اعتصاب و اعتراض می‌کنیم... در روز جهانی کارگر ۱۴۰۲ صف اندر صف، زن و مرد، خانواده و پیر و جوان، شاغل و بیکار، تولیدی و خدماتی، مثل کوه آتشفشان بخروشم برای نان، برای دستمزد جواب گوی زندگی امروز، برای آزادی، برای نفی هر نوع تبعیض و نابرابری.»

زرتشت احمدی راغب زندانی سیاسی در اوین و مأمور آتش‌نشانی که از پنج سال پیش با دخالت نهادهای امنیتی بیکار شده در پیامی در حمایت از اعتصابات کارگران پیمانی صنعت نفت گفته است: «امیدوارم این اعتصابات و همبستگی و همدلی‌ها سراسری و موجب برکناری مدیریت ناکارآمد و واژگونی استبداد گردد.»

شاهزاده رضا پهلوی که همزمان با هفته نخست اعتصابات صنعت نفت در ایران، در سفری دیپلماتیک در رم بسر می‌برد، در جمع ایرانیان مقیم این کشور گفت این اعتصابات گسترده از نتایج جنبش انقلابی اخیر است. وی با تأکید بر ضرورت فعال شدن صندوق‌های حمایت از اعتصابات گفت هرچند این اعتصابات «معیشتی» است اما قطعاً در این مقطع «تصافی» نیست.

در هفته‌ای که گذشت نخستین اعتصاب سراسری کارگران پیمانی صنعت نفت در سال جدید خورشیدی آغاز شد. همزمان کارگران صنایع فلزی از جمله مس و فولاد به این اعتصاب پیوستند. در گروه‌های دیگر اجتماعی نیز از جمله بازنشستگان و پرستاران در شهرهای مختلف ده‌ها تجمع اعتراضی برگزار کردند.

از روز جمعه اول اردیبهشت نخستین جرقه‌های یک اعتصاب بزرگ و سراسری در پالایشگاه آبادان زده شد که از روز شنبه دوم اردیبهشت بطور رسمی آغاز شد. این اعتصاب با فراخوانی از سوی «کمپین مرکزی نیروهای پروژه‌های نفت و گاز» و پیوستن «شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی» به آن آغاز شد. طی تنها پنج روز هزاران کارگر شاغل در بیش از ۹۰ شرکت پیمانکاری در بخش‌های مختلف صنعت نفت، گاز و پتروشیمی به اعتصابات سراسری اردیبهشت ۱۴۰۲ پیوستند.

اصلی‌ترین خواسته کارگران اعتصاب‌کننده صنعت نفت افزایش ۷۹ درصدی دستمزدها، ۱۰ روز استراحت در مقابل ۲۰ روز کار، بیمه، بهبود وضعیت ایاب و ذهاب، غذا، بهداشت و خوابگاه‌ها است.

همچنین صدها کارگر شاغل در صنایع فلزی کشور از جمله صنعت مس و فولاد نیز به این اعتصاب پیوستند و محل کار خود را ترک کردند. این اعتصاب همچنان در حال گسترش است و به گفته یک منبع آگاه به کیهان لندن کارگران صنعت نفت در حال حاضر برای اعتصاب تا آخر اردیبهشت‌ماه جاری تصمیم گرفته‌اند.

حقوق صنفی، زیرمجموعه‌ای از خواست سرنگونی
در حمایت از اعتصابات کارگران صنعت نفت، تا کنون چند بیانیه حمایتی از سوی تشکلهای کارگری، بازنشستگان و گروه‌های فعال دانشجویی صادر شده است. یکی از نکات

التهاب اعتراضات زیر پوست جامعه

اعتصاب کارگران پیمانی صنعت نفت و پالایشگاهها نماد گویایی از ناراضیتهای نیروی کار و اعتراضاتی است که در پی آن شکل گرفته؛ طی یک هفته گذشته همزمان با گسترش اعتصابات کارگران پیمانی، گروههای دیگر اجتماعی از بازنشستگان تا کادر درمان نیز اعتراضاتی را در شهرهای مختلف برگزار کردند.

بازنشستگان تامین اجتماعی خوزستان، پرستاران دانشگاه علوم پزشکی شیراز، پرستاران شاغل در شبکه درمان قزوین رانندگان کامیون حمل زباله در کازرون و مالباختگان شرکت سنگسازان نور از جمله گروههایی بودند که در نخستین هفته اردیبهشت تجمعات صنفی برگزار کردند.

همچنین بازنشستگان مخابرات ایران روز دوشنبه چهارم اردیبهشت در اعتراضی سراسری در بیش از شهر ایران به

میدان نبرد ۱۴۰۲ به سود مردم ایران است

سال جدید خورشیدی که در اقدامی بیسابقه در دوم فروردین با تجمع اعتراضی گسترده بازنشستگان شهر شوش آغاز شد و در هشتم فروردین، در حالی که تعطیلات نوروزی هنوز ادامه داشت، با تجمع سراسری آموزگاران در بیش از ۱۵ شهر کشور ادامه یافته و اکنون در نخستین هفته اردیبهشت به اعتصابات سراسری بیش از ۱۰۰ هزار کارگر پیمانی صنعت نفت رسیده، سال سختی را برای جمهوری اسلامی بشارت می‌دهد.

شورای عالی کار در ساعات پایانی اسفند، دستمزد ماهانه کارگران را برای سال جدید ۲۷ درصد افزایش داد. بر اساس این مصوبه، حداقل دستمزد ماهانه، کمتر از پنج میلیون و ۴۰۰ هزار تومان اعلام شده است. بر اساس این مصوبه، حداقل دستمزد ماهانه کارگران مشمول قانون کار، متاهل

نیابتی و غیررسمی حکومت در قالب آمران به معروف در خیابانها و اماکن عمومی که از اواخر فروردین با اجرای طرح «عفاف و حجاب» آغاز شده از جمله این عوامل است. در شرایطی که زنان و دختران با همراهی مردان یکی از بزرگترین نافرمانیهای مدنی در برابر این طرح را به نمایش گذاشته‌اند، مشخص است جمهوری اسلامی به هیچ شکل نخواهد توانست روند پوشش اختیاری را به عقب بازگرداند اما به بهانه این طرح هم تحقیر زنان و دختران و هم گسترش فضای امنیتی- پلیسی و کنترل فضای عمومی جامعه را پیش می‌برد.

یکی دیگر از عوامل موثر بر بروز اعتراضات سراسری، موضوع مسموم ساختنهای سازمانیافته دانش‌آموزان است که میلیونها کودک و نوجوان و خانواده‌های آنها را تحت تأثیر روانی قرار داده است. طی هفته‌های گذشته با مشخص



شدن نشانه‌هایی از دست داشتن نیروهای ایدئولوژیک حکومت در این حملات، خشم عمومی نسبت به جمهوری اسلامی و جنایت خاموشی که با حملات بیولوژیک علیه کودکان و نوجوانان در جریان است افزایش پیدا کرده بطوری که تا پیش از پایان سال تحصیلی در ماه آینده، موج گسترده دیگری از این حملات می‌تواند به تهدیدی جدی علیه جمهوری اسلامی تبدیل شود.

موضوعات کلان چون بحران آب و خشکسالی نیز که به ویژه کشاورزان را با زیان گسترده روبرو ساخته، مشکل تأمین انرژی برق در تابستان و کمبود بنزین، و افزایش تورم و گرانی نیز از دیگر عوامل تشدید کننده پتانسیل اعتراضی از سوی عموم مردم خواهد بود.

مقامات جمهوری اسلامی که از هشت ماه پیش با جنبش فراگیر ملی و انقلابی علیه خود روبرو شده‌اند، در این شرایط نیز اراده و توان حل دست‌کم بخشی از این مشکلات را با هدف به حاشیه امن بردن حکومت ندارند و در نتیجه نیرویهای امنیتی و سرکوب خود را بسیج کرده تا به هر شکلی از بروز اعتراضات بیشتر در رسته‌های شغلی مختلف جلوگیری کرده و همزمان اعتصاب کارکنان پیمانی صنعت نفت را در هم بکوبند. سرکوب همواره تنها راهکار نظام برای پاسخ به مشکلاتی بوده که در طول زمان انباشته شده‌اند و همین احتمال اعتصابات و اعتراضات گسترده در ۱۴۰۲ را بیش از پیش تقویت می‌کند.

روشنک آسترکی

و دارای فرزند، حدود هشت میلیون تومان است. این در شرایطی است که همین شورا سبد معیشت یک خانوار سه نفره را بیش از ۱۳ میلیون تومان برآورد کرده بود. کارشناسان اقتصادی البته رقم سبد معیشت برای یک خانوار در تهران را ماهانه ۳۲ میلیون تومان و در دیگر مناطق کشور بطور میانگین ۲۰ میلیون تومان برآورد کرده‌اند.

این مصوبه که بطور مستقیم درآمد حدود ۲۰ میلیون خانوار کارگری و بازنشسته تأمین اجتماعی در کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد، با اعتراضات بسیاری همراه بوده است. فعالان و تشکلهای مستقل کارگری و صنفی این مصوبه را علیه کارگران دانسته و خواستار تعیین ۱۸ تا ۲۰ میلیون تومان برای دستمزد سال جاری شده‌اند.

دیگر اقشار از جمله کارمندان دولت از آموزگار تا پرستار، و همچنین بازنشستگان دولت، کارکنان شهرداریها و حتی شاغلان در بخش خصوصی نیز با مصائب مختلف معیشتی و مشکلات مختلف ناشی از رکود تورمی سروکار دارند. مشکلات اقتصادی و تنگناهای معیشتی بیش از مطالبات سیاسی و اجتماعی می‌تواند انگیزه بروز اعتراضات سراسری در کشور را تقویت کند و جمهوری اسلامی در حالی که پاسخی به این مشکلات ندارد، بستر ظهور و بروز اعتراضاتی گسترده ازهمیشه در سال جدید خورشیدی را فراهم کرده است. در آنسو اما عوامل دیگری نیز در هفته‌ها و ماه‌های آینده می‌توانند به عنوان عامل محرک اعتراضات سراسری تبدیل شوند. تشدید فضای عمومی اجتماعی و جاسازی نیروهای

خیابان آمدند و خواستار افزایش دستمزد و دیگر مطالبات صنفی از جمله «اجرای آیین نامه ۸۹، کاهش سهم بیمه تکمیلی از ۵۰ به ۲۰ درصد سابق و پرداخت رفاهیات و سهم خواروبار خود» خود شدند.

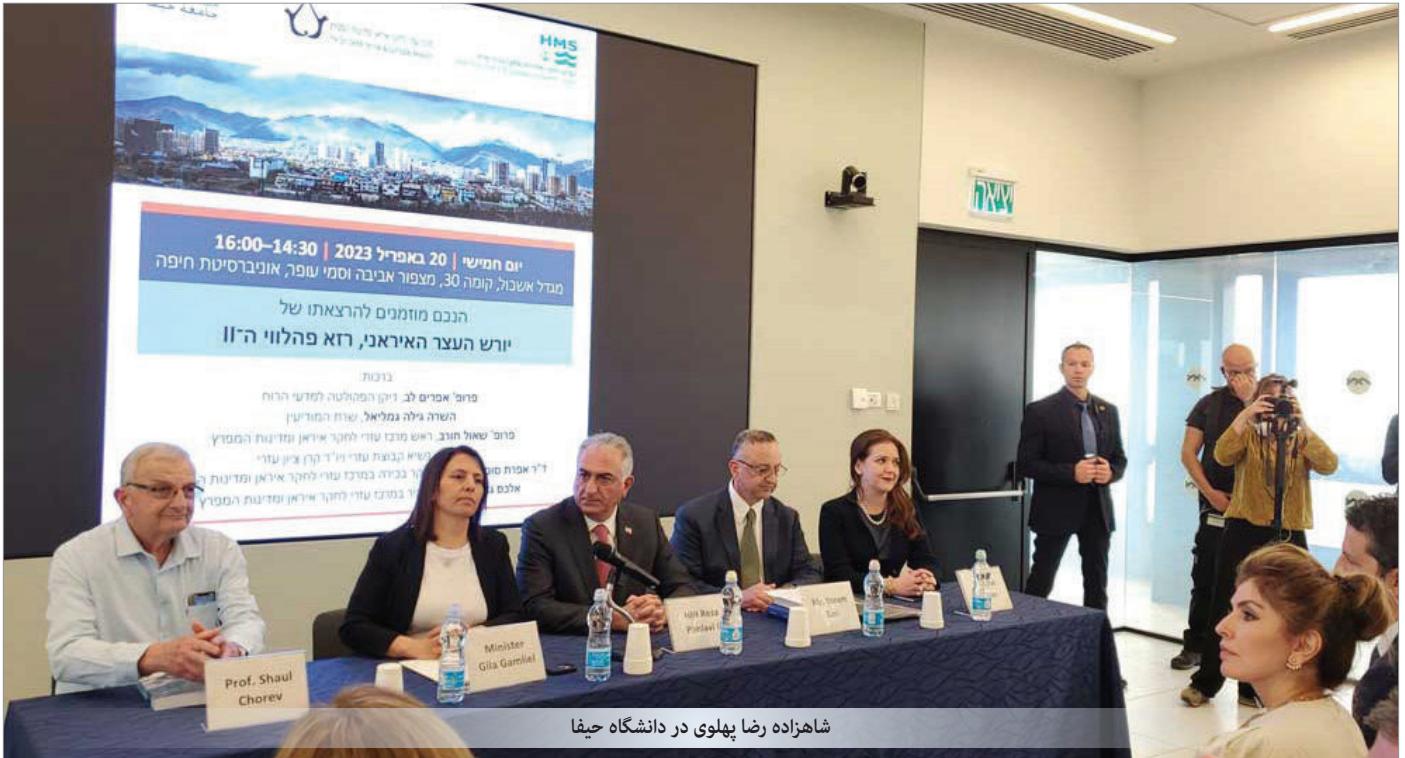
این اعتراضات هرچند برای حقوق صنفی و معیشتی است، اما بر بستر ناراضیتهای عمومی از کلیت ساختار سیاسی حاکم بر کشور شکل گرفته است. ساختاری که بیش از چهار دهه است نه تنها در توزیع منابع بلکه در توزیع عدالت اجتماعی در کشور نیز ناتوان و ناکارآمد بوده و تنها به سود «خودی»ها عمل کرده است.

ریشه عمیق ناراضیتهای و اعتراضات و همچنین خواسته اصلی گروههای صنفی که برای مسائل معیشتی به خیابان می‌آیند در شعارهای آنها نمایان است؛ شعارهایی که خواسته‌ای کلان را همسو با دیگر مردم معترض در ایران فریاد می‌زند و به ساختار ناکارآمد حکومت اشاره دارد.

برای نمونه در تجمعاتی که طی روزهای گذشته در شهرهای مختلف از سوی بازنشستگان و پرستاران و دیگر اصناف برگزار شده شعارهایی چون «مرگ بر این دولت مردم فریب»، «دشمن ما همینجاست، دروغ میگن آمریکاست» و «حجاب حجاب شعارشون دروغ افتخارشون» سر داده شد. اینکه بازنشسته‌ای که در اعتراض به ناچیز بودن دستمزد به خیابان آمده و «حجاب» را که این روزها ابزار سرکوب زنان و دختران شده را مورد تأکید قرار می‌دهد، نشانه‌ای از همبستگی اقشار مختلف جامعه علیه جمهوری اسلامی است.

شاهزاده رضا پهلوی در دانشگاه حیفا:

مردم ایران آماده جانفشانی و تغییر برای آزادی هستند فقط باید به آنان کمک کرد



شاهزاده رضا پهلوی در دانشگاه حیفا

وارد دوره انتقالی می‌شویم و باید با برنامه بلندمدت وارد دنیای آزاد شویم.»

وی در بخش دیگری از سخنانش هشدار داد: «من نمی‌گویم یک سال یا حتی یک ماه بلکه هر روزی که می‌گذرد فرصت ما از دست می‌رود. منابع طبیعی ما از دست می‌رود و این برای مردم گران تمام می‌شود. درخواستم برای اقدام همین الان است. پیام ما به شهروندان اسرائیل و همه جهان این است که با مردم ایران همبسته باشید به ما کمک کنید تا حمایت بیشتری از مردم ایران را به دست آوریم. به آنها ابزار مبارزه با رژیم شرور را بدهید. آنها آماده جانفشانی برای رسیدن به آزادی هستند.»

شاهزاده رضا پهلوی به همراه بانو یاسمین و شماری از همراهان در سفری از پیش اعلام نشده از روز دوشنبه ۲۸ فروردین عازم اسرائیل شدند. این سفر چهار روز به طول انجامید.

شرکت در مراسم «یادبود قربانیان هولوکاست»، حضور در اماکن مقدس یهودیان از جمله بازدید از «دیوار ندبه»، بازدید از اماکن متعلق به یهودیان و حضور در بین جامعه ایرانیان یهودی مقیم اسرائیل برنامه‌های شاهزاده پهلوی و همراهان وی در این سفر بود که برای همزیستی مسالمت‌آمیز ادیان، دادخواهی، اشتراکات فرهنگی و پیوندهای تاریخی میان مردم ایران و اسرائیل دربرگیرنده پیام‌های روشن بود.

گفتگوی دو جانبه با بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر و سایر مقامات ارشد اسرائیل از جمله گیلا گاملیل وزیر اطلاعات و اسحاق هرتزوک رئیس جمهوری اسرائیل و همچنین زاپی هانگی مشاور و رئیس ستاد امنیت ملی اسرائیل و ران درمر وزیر امور مسائل استراتژیک و سفیر پیشین این کشور در آمریکا از محورهای اصلی این سفر تاریخی بود.

خطاب به رهبران کشورهای غربی گفت: «کدام سمت تاریخ می‌ایستید؟ می‌خواهید سمت ما بایستید یا همچنان ساکت باقی بمانید؟ به قول مارتین لوتر کینگ ما حرف‌های دشمنانمان را از یاد می‌بریم اما سکوت دوستانمان را هرگز.» وی در ادامه عنوان کرد: «فلسفه من این است که بجای گذشته همیشه به آینده نگاه کنیم مگر به یک شرط آنهم برای فراموش نکردن گذشته چون بدون آن نخواهیم دانست که به کدام سمت می‌رویم. دنیای آینده باید نسبت به آنچه امروز هست متفاوت باشد. این آینده‌ای نیست که بخواهیم کودکان ما داشته باشند. اکنون زمان یک تغییر مهم و قاطع است. ما امروز با آگاهی از اینکه پیام‌های عمل نکردن‌مان در آینده چه خواهد بود اینجا هستیم. ما درباره هر پتانسیلی که امکان بالقوه شدن دارد صحبت می‌کنیم. نیازی نیست از ابتدایی‌ترین نقطه شروع کنیم. ایران به صورت طبیعی برای تغییر آماده است. مردم آماده تغییر هستند.»

شاهزاده رضا پهلوی، گیلا گاملیل وزیر اطلاعات، زاپی هانگی مشاور و رئیس ستاد امنیت ملی، ران درمر وزیر امور استراتژیک و سفیر پیشین اسرائیل در آمریکا / پنجشنبه ۳۱ فروردین ۱۴۰۲

شاهزاده پهلوی افزود: «مردم ایران تا کنون بدون هیچ حمایتی مقابل حکومت مقاومت کردند؛ حالا تصور کنید اگر از آنها حمایت شود چه کارهایی از آنها بر خواهد آمد. من همیشه با مردم حرف می‌زنم. با زندانیان سیاسی حرف می‌زنم. ملت ایران نمی‌گویند شما ما را آزاد کنید! آنها می‌گویند ما خودمان این کار را می‌کنیم و شما فقط حمایت کنید. به ما سرمایه و اینترنت بدهید تا رژیم را کنار بزنیم. آنها می‌گویند ما حمایت بین‌المللی نیاز داریم و به کسانی نیاز داریم که در رفتن رژیم کمک کنند. بعد از رفتن رژیم

● شاهزاده رضا پهلوی طی سخنانی در دانشگاه حیفا با اشاره به اینکه «در میانه یک برهه تاریخی برای تغییر بنیادین [در ایران] قرار داریم» خطاب به رهبران کشورهای غربی گفت: «کدام سمت تاریخ می‌ایستید؟ می‌خواهید سمت ما بایستید یا همچنان ساکت باقی بمانید؟ به قول مارتین لوتر کینگ ما حرف‌های دشمنانمان را از یاد می‌بریم اما سکوت دوستانمان را هرگز.»

● «مردم ایران تاکنون بدون هیچ حمایتی مقابل حکومت مقاومت کردند؛ حالا تصور کنید اگر از آنها حمایت شود چه کارهایی از آنها بر خواهد آمد. من همیشه با مردم حرف می‌زنم. با زندانیان سیاسی حرف می‌زنم. ملت ایران نمی‌گویند شما ما را آزاد کنید. آنها می‌گویند ما خودمان این کار را می‌کنیم و شما فقط حمایت کنید.»

● «من نمی‌گویم یک سال یا حتی یک ماه بلکه هر روزی که می‌گذرد فرصت ما از دست می‌رود. منابع طبیعی ما از دست می‌رود و این برای مردم گران تمام می‌شود.»

شاهزاده رضا پهلوی روز پنجشنبه ۲۰ آوریل (۳۱ فروردین) در چهارمین روز از سفر به اسرائیل در شهر حیفا از «باغ بهایی» (پارسیان) بازدید و در دانشگاه بین‌المللی حیفا با شماری از چهره‌های دانشگاهی دیدار و گفتگو کرد.

وی در بخشی از سخنرانی خود گفت: «اینجا در یک مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی هستیم که در آن هم تبادل افکار وجود دارد و هم داده‌ها سنجیده می‌شود و می‌تواند منتهی به برنامه‌ریزی شود اما در نهایت آنچه تفاوت ایجاد می‌کند مسئله تصمیم‌گیری و انتخاب است.»

شاهزاده رضا پهلوی با اشاره به اینکه «در میانه یک برهه تاریخی برای تغییر بنیادین [در ایران] قرار داریم»

شاهزاده رضا پهلوی: تحریم سپاه پاسداران کافی نیست، باید تروریستی اعلام شود



نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پس از برگزاری راهپیمایی حکومتی «۲۲ بهمن» حوالی میدان «آزادی» (شهید) ۲۲ بهمن ۱۴۰۱

بریتانیا، مقامات جمهوری اسلامی ناقض حقوق بشر یا اعمال سانسور در ایران را تحریم کرده است.

موضوع قرار گرفتن سپاه پاسداران چندین ماه است که در فهرست سازمان‌های تروریستی اتحادیه اروپا در بالاترین سطوح بین‌المللی مطرح است.

پیش از این یک «منبع آگاه از مسائل ایران در پارلمان اروپا» در گفتگو با کیهان لندن توضیح داده بود «دست‌کم دو مورد پرونده در مورد توطئه‌های تروریستی سپاه در آلمان و اتریش وجود دارد. پرونده‌های دیگری هم هست از جمله انتقال محموله‌های تسلیحاتی اما مسئله اینجاست که برخی کشورهای اروپایی تمایلی برای بازکردن این پرونده‌ها ندارند چون پشت پرده معتقدند حد و اندازه‌ی فعلی اعتراضات آنقدر نیست که اروپا درگیر چنین مسئله‌ای شود.»

مخالفان جمهوری اسلامی تلاش می‌کنند با فشار بر مقامات دولت‌های قدرتمند از جمله بریتانیا آنها را برای قرار دادن سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی ترغیب کنند. آمریکا می‌تواند در اتخاذ چنین تصمیمی شرکای راهبردی خود را تشویق کند. سپاه پاسداران نه تنها در پشتیبانی از تروریسم فعال است بلکه بازگیر اصلی سرکوب مردم ایران در اعتراضات مسالمت‌آمیز و گروگانگیری شهروندان خارجی به شمار می‌رود. در همین ارتباط، یک سخنگوی وزارت خارجه آمریکا به کیهان لندن گفته بود «ما متحدان و شرکایمان را تشویق می‌کنیم تا از هر ابزار مناسبی برای فشار علیه سپاه استفاده کنند اما تصمیم با کشورها یا اتحادیه اروپا است که بر اساس ابزار و اختیارات قانونی که در دست دارند در راستای منافع ملی خود اقدام کنند.»

در مورد تحریم یا قرار گرفتن سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی اختلاف نظر زیاد است. امیر طاهری روزنامه‌نگار می‌گوید «بریکاد قزاق یکبار مجلس ایران را به توپ بست اما مشروطه خواهان آن‌را منحل و یا تروریست اعلام نکردند. آنها فقط فرماندهان‌ها را عوض کردند و همان بریکاد قزاق بعدها به رهبری رضاخان به نجات مشروطه و ایران آمد.»

همزمان وحید بهشتی فعال سیاسی ساکن لندن از دو ماه پیش در مقابل دفتر نخست‌وزیر بریتانیا دست به اعتصاب غذا زده تا مقامات این کشور نسبت به قرارگرفتن سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی اقدام کنند.

● شاهزاده رضا پهلوی در آستانه سفر به ایتالیا در توییتی نوشت «تحریم‌های تازه علیه وابستگان سپاه پاسداران اقدامی مثبت است، اما ناکافی. اقدام ضروری و مؤثر، قرار دادن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی اتحادیه اروپا، انگلیس، کانادا و سایر کشورهای همسواست.»

● آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا در واکنش به تحریم‌های اخیر غرب علیه سپاه پاسداران گفته است «ما همچنان خود را متعهد به حمایت از مردم ایران می‌دانیم، زیرا آنها با سرکوب وحشیانه رژیم مواجه‌اند.»

شاهزاده رضا پهلوی در آستانه سفر به ایتالیا در توییتی بار دیگر بر ضرورت قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی از سوی اتحادیه اروپا تأکید کرد. در این توییت که سه‌شنبه پنجم اردیبهشت‌ماه یک روز پس از اعمال بسته تازه‌ای از تحریم‌های غرب علیه فرماندهان سپاه و چند نهاد مرتبط با آن منتشر شد، آمده است «تحریم‌های تازه علیه وابستگان سپاه پاسداران اقدامی مثبت است، اما ناکافی. اقدام ضروری و مؤثر، قرار دادن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی اتحادیه اروپا، انگلیس، کانادا و سایر کشورهای همسواست.»

وی در ادامه تأکید کرده «پیام من همچنان به بدنه سپاه و دیگر نهادهای نظامی و امنیتی و سیاسی و اداری کشور این است: راه خود را از رهبران جنایتکار جمهوری اسلامی جدا کنید و به انقلاب ملت ایران بپیوندید.»

بریتانیا، ایالات متحده و اتحادیه اروپا دوشنبه ۴ اردیبهشت چهار نفر از فرماندهان ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به دلیل نقض حقوق بشر در فهرست تحریم‌ها قرار دادند.

سپاه «سلمان» استان سیستان و بلوچستان، امان‌الله گشتاسبی معاون بازرسی نیروی زمینی سپاه، احمد خادم سیدالشهداء از فرماندهان نیروی زمینی سپاه، سلمان آدینه‌وند فرمانده یگان امداد پلیس تهران در نیروی انتظامی و محمد امین آقامیری دبیر جدید شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی را تحریم کرد. در واکنش به این تحریم‌ها آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا روز دوشنبه در توییتی نوشت «ما همچنان خود را متعهد به حمایت از مردم ایران می‌دانیم، زیرا آنها با سرکوب وحشیانه رژیم مواجه‌اند.» وی تأکید کرد آمریکا در اقدامی هماهنگ با

وارث شاه ایران در رم پس از سفر تاریخی به اسرائیل

● شاهزاده رضا پهلوی که بانو یاسمین نیز وی را در این سفر همراهی می‌کند، با هیأت‌هایی از نمایندگان و سناتورهای ایتالیا دیدار و گفتگو خواهد داشت؛ در برنامه «پورتا آ پورتا» شرکت می‌کند؛ با ایرانیان تبعیدی در ایتالیا دیدار خواهد کرد و به برخی گفتگوهای دیپلماتیک خواهد پرداخت.

● وی ۲۶ آوریل ساعت ۱۶ در کنفرانسی با عنوان «چشم‌انداز سکولار و دموکراتیک برای ایران فردا» با حضور روبرتو باگناسکو رهبر فراکسیون Forza Italia در کمیسیون امور دفاعی پارلمان شرکت خواهد کرد. ماریو فیلیپو برامبیلای دی کارپیانو مدیر بخش تاریخ روابط بین‌الملل در دانشگاه Unimeier و الساندرو برتولدی مدیر اجرایی انستیتو فریدمن‌گرداننده‌ی این نشست خواهند بود.

● در این سفر به شاهزاده رضا پهلوی نشان «شوالیه»، مدال شایستگی جمهوری ایتالیا، اهدا خواهد شد.

شاهزاده رضا پهلوی فرزند شاه ایران محمدرضا پهلوی که توسط انقلاب اسلامی سال ۱۹۷۹ از سلطنت خلع شد، روز چهارشنبه ۲۶ آوریل برای یک سفر دو روزه به رم وارد ایتالیا می‌شود. این اولین سفر رسمی وی به ایتالیا به همراه همسرش یاسمین است.

بر اساس بیانیه مطبوعاتی، هدف از این دیدار که توسط ماریوفیلیپو برامبیلای دی کارپیانو، که مدت‌ها با خانواده پهلوی نزدیک بوده، سازماندهی شده، به اشتراک گذاشتن دیدگاه شاهزاده در مورد یک ایران سکولار و دموکراتیک برای آینده است.

ولیعهد و همسرش پس از سفر تاریخی به اسرائیل که طی آن پیام صلح و دوستی بین دو کشور ایران و اسرائیل ابلاغ شد، حالا به ایتالیا سفر می‌کند. وی در این سفر با برخی نمایندگان و سناتورهای این کشور دیدار خواهد داشت و همچنین در برنامه «پورتا آ پورتا» شرکت می‌کند و در ۲۷ آوریل به گفتگو با جامعه ایرانیان مهاجر و تبعیدی در ایتالیا خواهد پرداخت.

پیش از آن، شاهزاده رضا پهلوی ۲۶ آوریل ساعت ۱۶ در کنفرانسی با عنوان «چشم‌انداز سکولار و دموکراتیک برای ایران فردا» با حضور روبرتو باگناسکو، رهبر فراکسیون Forza Italia در کمیسیون امور دفاعی پارلمان شرکت خواهد کرد. ماریو فیلیپو برامبیلای دی کارپیانو مدیر بخش تاریخ روابط بین‌الملل در دانشگاه Unimeier و الساندرو برتولدی مدیر اجرایی انستیتو فریدمن‌گرداننده‌ی این نشست خواهند بود.

شاهزاده رضا پهلوی بیش از ۴۳ سال است که برای دموکراسی در ایران، برای جدایی دین از حکومت، برای آزادی‌های فردی و حقوق بشر و برای همزیستی مسالمت‌آمیز با سایر ملل خاورمیانه تلاش می‌کند. وی همواره تکرار کرده است که مدعی هیچ نقش رسمی برای خود نیست و هدفش فقط هدایت ایران به سوی یک گذار دموکراتیک است تا همه شهروندان این کشور بتوانند در انتخاب نوع حکومت آینده با اختیار و رای آزادانه‌ی خود تصمیم بگیرند.

در این سفر به شاهزاده رضا پهلوی نشان «شوالیه»، مدال شایستگی جمهوری ایتالیا، اهدا خواهد شد.

*منبع: وبسایت نوا نیوز
*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

شاهزاده رضا پهلوی در پارلمان ایتالیا:

تروریست اعلام کردن سپاه باعث ریزش نیروها می‌شود؛ به اعضای رده پایین سپاه پاسداران باید فرصت نجات بدهیم



نشست خبری شاهزاده پهلوی در محل پارلمان ایتالیا / چهارشنبه ۲۶ آوریل ۲۰۲۳

داد: «نکاتی که در همه این ملاقات‌ها مطرح کردم این است که اگرچه اپوزیسیون در ایران بسیار متنوع است ولی با وجود اختلاف نظرها، در ایران هم باید کمیته‌های چند حزبی وجود داشته باشد و لزوماً یک حزب خاص نباشد.» بخشی از این کنفرانس در مورد «تحریم‌ها» بود که وی گفت: «تحریم‌ها در مقطعی باعث تضعیف قدرت سرکوب حکومت می‌شود اما باید در مقطع دیگری مؤلفه حمایت مستقیم از شهروندان نیز وجود داشته باشد. بنابراین خواستار قوانینی هستم که مقامات و دیپلمات‌های رژیم را محدود کند.»

شاهزاده رضا پهلوی همچنین گفت: «از نظر تاریخی هر جنبشی که بر اساس خشونت روی کار آمد به نظامی صلح‌آمیز منجر نشد. ما با کارشناسان قضایی در حال بررسی راه‌های کم‌خسارت برای دوره گذار هستیم. اما در اصل این مردم هستند که باید تصمیم بگیرند که هزینه تغییر چگونه باشد.» وی مانند همیشه درباره نقش خاندان پهلوی در حکومت آینده تکرار کرد: «وظیفه من نظارت فراجحای بر تغییر صلح‌آمیز است. بی‌طرفی من باعث شده جوانانی که پادشاهی‌خواه باشند یا نباشند به من اعتماد داشته باشند چون می‌دانند به دنبال شفاف‌ترین دوره گذارم. مأموریت من با همه‌پرسی قانون اساسی تمام می‌شود.»

● «این دیدارها برای اینست که به آنها بگویم سرمایه‌گذاری روی مردم ایران یعنی تضمین دموکراسی و آزادی در آینده و پایان دادن به تمام تهدیداتی که این نظام باعث و بانی آن است. از مسئله هسته‌ای گرفته تا تروریسم و رادیکالیسم مذهبی.»

شاهزاده رضا پهلوی که به دعوت بنیاد «میلتون فریدمن» به شهر رم پایتخت ایتالیا سفر کرده است روز چهارشنبه ۶ اردیبهشت به همراه شماری از نمایندگان پارلمان این کشور در نشستی با عنوان «چشم‌انداز سکولار و دموکراتیک برای ایران فردا» حضور یافت.

وی در این نشست گفت، «پیش از این کشورهای غربی بیشتر با مقامات حکومت گفتگو می‌کردند و به تازگی فرصت برای افرادی چون من فراهم شده که وضعیت ایران را منعکس کنیم.»

شاهزاده پهلوی افزود: «مردم ایران به دنیا اعلام کردند که ما با دست خالی مقابل رژیم ایستاده‌ایم و به ما کمک کنید که رژیم را شکست بدهیم. همیشه در سرنوشتی حکومت‌های استبدادی و آپارتاید مؤلفه حمایت خارجی وجود داشته است.»

در ادامه او با اشاره به تور اروپایی و شرکت در کنفرانس امنیتی مونیخ و همچنین دیدار با مقامات اسرائیل توضیح

● شاهزاده رضا پهلوی که به دعوت بنیاد «میلتون فریدمن» به شهر رم پایتخت ایتالیا سفر کرده است به همراه شماری از نمایندگان پارلمان این کشور در نشستی با عنوان «چشم‌انداز سکولار و دموکراتیک برای ایران فردا» حضور یافت.

● وی با اشاره به تور اروپایی خود و شرکت در کنفرانس امنیتی مونیخ و همچنین دیدار با مقامات اسرائیل توضیح داد: «نکاتی که در همه این ملاقات‌ها مطرح کردم اینست که اگرچه اپوزیسیون در ایران بسیار متنوع است ولی با وجود اختلاف نظرها، در ایران هم باید کمیته‌های چند حزبی وجود داشته باشد و لزوماً یک حزب خاص نباشد.»

● بخشی از صحبت‌های شاهزاده پهلوی مربوط به نیروهای مسلح ایران بود. وی بار دیگر با تأکید بر ضرورت تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گفت: «چنین اقدامی فراتر از ارزش‌های آن به معنای تضعیف توان سرکوب آن در داخل کشور و اقداماتش در منطقه و جهان است.»

● «در روند تغییر باید یک گزینه آشتی ملی را هم در نظر بگیریم و به اعضای رده پایین سپاه پاسداران باید فرصت نجات بدهیم. ما تجربه یعنی‌زدایی در ارتش عراق را داریم که باعث شد آنان به داعش بپیوندند.»

تصویب طرح دو حزبی «قانون مهسا» در کمیته امور خارجی مجلس نمایندگان آمریکا



جلسه بررسی «قانون مهسا» در کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا

بشر علیه مردم این کشور است و کنگره متعهد است که این رژیم را در قبال این جنایات پاسخگو کند.»

وی افزود: «قانون مهسا که من به حمایت از آن افتخار می‌کنم، دولت ایالات متحده را موظف می‌کند تا مقامات ارشد رژیم از جمله رهبر و رئیس جمهوری و نهادهای نزدیک به آنها را به دلیل نقششان در نقض حقوق بشر و تروریسم تحریم کند.»

جیم بنکس عضو کمیته نیروهای مسلح مجلس نمایندگان آمریکا در اواخر ماه ژانویه سال جاری طرح قانونی دو حزبی «مهسا» را برای تحریم خامنه‌ای، ابراهیم رئیسی و افراد و نهادهای نزدیک به آنها به دلیل نقض حقوق بشر و حمایت از تروریسم ارائه داد.

کتی منینگ نماینده دموکرات کنگره مشاهده «سرکوب‌های ظالمانه» رژیم جمهوری اسلامی و اعدام معترضان را مشمئزکننده خواند و گفت: «باید این پیام روشن را بفهرستیم که عوامل این اقدامات را پاسخگو و از مردم ایران حمایت خواهیم کرد.»

نتانیل مورن نماینده جمهوریخواه کنگره نیز با ابراز اینکه «از تأیید «قانون مهسا» بسیار هیجانزده هستم» به «صدای آمریکا» گفت: «ما می‌توانیم آشکار بگوییم باید از مردم ایران دفاع کنیم و با اطمینان بگوییم با ظلم و نقض حقوق بشر که در ایران علیه مردم جریان دارد مقابله می‌کنیم و می‌گوییم آمریکا قویاً مدافع آزادی در سراسر جهان است.»

در واکنش به تصویب این طرح شاهدخت نور پهلوی فرزند شاهزاده رضا پهلوی در یک استوری اینستاگرامی نوشت: «شاهد بودید که من مطالب زیادی از قانون مهسا به اشتراک می‌گذارم. امروز این قانون در کمیته سیاست خارجی به تصویب رسید. این موفقیت به خاطر تلاش زیاد خیلی از شماهایی هست که با اعضای کنگره تماس گرفتید.»

بر اساس اطلاعاتی که در وبسایت «اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران (نوفدی) منتشر شده، «قانون مهسا» مکانیسم‌های تحریمی جدیدی را معرفی می‌کند اما علاوه بر تقویت نقش نظارتی کنگره بر نحوه اجرای تحریم‌های سابق علیه جمهوری اسلامی، چارچوب روشنی برای اجرا و بررسی سالانه این تحریم‌ها ارائه می‌دهد.

● کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا طرح دو حزبی «قانون مهسا» را برای بررسی بیشتر و ارجاع آن به صحن مجلس نمایندگان، با اکثریت آرا تصویب کرد.

● بر اساس «قانون مهسا» رئیس جمهوری آمریکا باید در ۹۰ روز پس از تصویب نهایی و سپس به صورت سالانه، تعیین کند که افراد یا نهادها، شرایط لازم برای اعمال تحریم را دارند یا نه و اگر شامل تحریم نمی‌شوند توضیحات لازم را ارائه دهد.

● نتانیل مورن نماینده جمهوریخواه کنگره با ابراز اینکه «از تأیید «قانون مهسا» بسیار هیجانزده هستم» به «صدای آمریکا» گفت: «ما می‌توانیم آشکار بگوییم باید از مردم ایران دفاع کنیم و با اطمینان بگوییم با ظلم و نقض حقوق بشر که در ایران علیه مردم جریان دارد مقابله می‌کنیم و می‌گوییم آمریکا قویاً مدافع آزادی در سراسر جهان است.»

● در همین ارتباط شاهدخت نور پهلوی فرزند شاهزاده رضا پهلوی در یک استوری اینستاگرامی نوشت: «شاهد بودید که من مطالب زیادی از قانون مهسا به اشتراک می‌گذارم. امروز این قانون در کمیته سیاست خارجی به تصویب رسید. این موفقیت به خاطر تلاش زیاد خیلی از شماهایی هست که با اعضای کنگره تماس گرفتید.»

کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا روز چهارشنبه ۲۶ آوریل (۶ اردیبهشت) طرح «قانون مهسا» را برای بررسی بیشتر و ارجاع آن به صحن مجلس نمایندگان، با اکثریت آرا تصویب کرد.

در صورت تبدیل این طرح به قانون، دولت آمریکا باید علی خامنه‌ای، ابراهیم رئیسی و اطرافیان آنها را به دلیل «جنایات علیه حقوق بشر» تحریم کند.

بر اساس «قانون مهسا» رئیس جمهوری آمریکا باید در ۹۰ روز پس از تصویب و سپس به صورت سالانه، تعیین کند که افراد یا نهادها، شرایط لازم برای اعمال تحریم را دارند یا نه و اگر شامل تحریم نمی‌شوند توضیحات لازم را ارائه دهد.

در پی تصویب طرح «قانون مهسا» در کمیته امور خارجی مجلس نمایندگان آمریکا، مایکل مک کال رئیس این کمیته در بیانیه‌ای گفت: «رژیم ایران منتهم به نقض وحشیانه حقوق

نیروهای مسلح و عدم تکرار تجربه بعثی‌زدایی در شرایطی که موضوع قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی اروپا مطرح و با روند انقلاب ملی ایران شدت گرفته است، بخشی از صحبت‌های شاهزاده پهلوی مربوط به نیروهای مسلح ایران بود. وی بار دیگر با تأکید بر ضرورت تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گفت: «چنین اقدامی فراتر از ارزش نمادین آن به معنای تضعیف توان سرکوب آن در داخل کشور و اقداماتش در منطقه و جهان است.»

وی در ادامه توضیح داد: «در روند تغییر باید یک گزینه آشتی ملی را هم در نظر بگیریم و می‌بایست به اعضای رده پایین سپاه پاسداران فرصت نجات بدهیم. ما تجربه بعثی‌زدایی در ارتش عراق را داریم که باعث شد که آنان به داعش بپیوندند.»

وی در مجلس سنای ایتالیا با استفانیا کراسی رئیس کمیته روابط خارجی این مجلس دیدار و گفتگو کرد.

شاهزاده رضا پهلوی پیش از حضور در پارلمان ایتالیا در حالی که بانو یاسمین وی را همراهی می‌کرد، در جمع ایرانیان در میدان «مونت چیتوریو» رم سخنانی ایراد کرد و به برخی پرسش‌های حاضران پاسخ داد. وی با تأکید بر اهمیت هم‌صدایی گفت که حضور فعال ایرانیان خارج کشور در میدان به معترضان که در زندان بسر می‌برند یا در اعتراضات آسیب دیده‌اند و یا شهروندان و دانش‌آموزانی که اکنون در مدرسه‌ها هدف حملات گاز شیمیایی قرار می‌گیرند، جان می‌بخشد.

او با تأکید بر اینکه «باید دنیا را با خود همراه کنیم» گفت: «صدای شماست که کار مرا وقتی با مقامات کشورها صحبت می‌کنم، آسان‌تر می‌کند.»

وی در ادامه افزود: «دنیا صدای شما را می‌شنود. دنیایی که ۴۳ سال دولت‌هایش فقط با جمهوری اسلامی و نمایندگانش صحبت می‌کرد، امروز فهمیده باید صدای مردمی را بشنود که این نظام نماینده‌شان نیست.»

او همچنین با اشاره به سفرهای دیپلماتیک خود در ماه‌های اخیر از جمله مذاکرات برای «همکاری استراتژیک» با اسرائیل برای حل بحران آب را مثال زد و گفت که صحبت «با نمایندگان پارلمان‌ها و دولت‌ها» با هدف رساندن صدای ایرانیان به آنها صورت می‌گیرد.

شاهزاده پهلوی افزود: «این دیدارها برای اینست که به آنها بگوییم سرمایه‌گذاری روی مردم ایران یعنی تضمین دموکراسی و آزادی در آینده و پایان دادن به تمام تهدیداتی که این نظام باعث و بانی آنهاست. از مسئله هسته‌ای گرفته تا تروریسم و رادیکالیسم مذهبی.»

به گفته شاهزاده رضا پهلوی زمانی فرا می‌رسد که ایران «نظامی ملی و دلسوز خواهد داشت و به خاطر منافع مردم ایران کار خواهد کرد نه به خاطر مصلحت خودش... شما صدای آن آینده هستید. شما صدای ملتی هستید که ۴۳ سال قربانیان و زندانیان این نظام بوده‌اند.»

وی با تأکید بر اینکه در این چهار دهه «اهمیت سکولاریسم و جدایی دین از حکومت را درک کرده‌ایم» به آپارتاید جنسی و جنسیتی نیز اشاره کرد و گفت: «باید در فدای ایران حقوق تمام باورها چه مذهبی چه سیاسی رعایت شود و حکومت قانون ضامن حقوق بشر هر شهروند و باورهای او باشد.»

شاهزاده رضا پهلوی اعتصابات کارگری در ایران را از نتایج «انقلاب مهسا» دانست و با تأکید بر ضرورت راه‌اندازی «صندوق‌های حمایتی از اعتصابات» گفت هرچند این اعتصابات معیشتی است، اما قطعاً تصادفی شکل نگرفته‌اند.

واکنش رسانه‌ها و مقامات حکومتی به سفر شاهزاده رضا پهلوی به اسرائیل:

پیام ما به اسرائیل با موشک‌های مقاومت ارسال می‌شود نه با سفر رضا پهلوی!



از انقلاب هم که شاه با آنها رابطه داشت، در ایران منفور بود، امروز در همه جای دنیا منفور است.»
وی ادعا کرده «عموم ملت ایران شعار مرگ بر اسرائیل می‌دهد، آنوقت یک کسی می‌رود و از اسرائیل کمک می‌گیرد که به ایران بازگردد و خود این نشان می‌دهد که این انقلاب چه دشمنان ضعیفی دارد در فهم مسائل جهانی و مسائل سیاسی و مسائل داخل ایران. این نکته‌ای بود که حتماً باید دوستان در صحبت‌هایشان برای مردم تبیین کنند که بله این اپوزوسیون فرد شاخص، سطح فکرش انقدر نازل است.»

امام جمعه کنگان: پیام ملت ایران موشک است!

افزون بر این حجت‌الاسلام محمود محمودی امام جمعه شهر کنگان در استان بوشهر با اشاره به حملات موشکی گروه‌های نیابتی به اسرائیل با پشتیبانی سپاه گفت: «پیام ملت ایران به اسرائیل با موشک‌های مقاومت ارسال می‌شود نه با سفر رضا پهلوی.» وی عنوان کرد: «گروه‌های مقاومت درهای جهنم را به روی صهیونیست‌ها باز کردند.»
روزنامه «جوان» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی همچنین سفر شاهزاده به اسرائیل را «سفر لپو و لعبی» خواند و روزنامه «خراسان» نیز در مقاله‌ای نوشت «رضا پهلوی برخلاف پدرش که حداقل در ظاهر به مذهب شیعه پایبند بود و حتی به حرم رضوی می‌آمد، اینگونه به دیوار براق یهودیان متوسل شده است؟ شاید درک رضا پهلوی این است که با سفر به اسرائیل و کسب حمایت این رژیم می‌تواند زمینه‌ساز حمله خارجی علیه ایران شود، غافل از اینکه اسرائیل در درون خود شاهد بحران بزرگی است و سران این رژیم تا کنون بارها درباره خطر گسست و فروپاشی آن هشدار داده‌اند.»

این در حالیست که شاهزاده رضا پهلوی در پاسخ به پرسشی درباره استقبال از حمله نظامی اسرائیل به ایران مانند همیشه با صراحت و مانند همیشه تکرار کرد: «قطعا نه! این همواره خط قرمز من بوده و هر نوع مداخله نظامی برای من به عنوان یک ملی‌گرا مردود است و فکر می‌کنم بسیاری از ایرانیان با من در این زمینه هم‌نظر هستند.»

وسایت «دیده‌بان» نزدیک به اصلاح‌طلبان گفت «خانواده پهلوی از بدو روی کار آمدن‌شان، افراد پست و وابسته‌ای بودند و هستند. از پدر بزرگشان رضاشاه گرفته که نوچه و نوکر انگلیس‌ها بود و آنها روی کار آوردنش و بعد هم با وضعیت بسیار زنده پا به فرار گذاشت و در جزیره موریس به آن وضعیت افتاد که واقعاً آدم تأسف می‌خورد که در آن مقطع چنین کسانی بالاسر مردم ایران عزیز بودند.»
ی ادامه داد: «بعد هم که پسرش بر سرکار آمد سرش اول در آخور انگلیسی‌ها و بعد هم آمریکایی‌ها بود. آنچنان که دیدیم بعدش با گریه و زاری، آمریکایی‌ها برایش تصمیم گرفتند و گفتند باید بروی. با وجود آنکه پهلوی آنقدر به آمریکا سواری داده بود اما او را راه ندادند. این [رضا پهلوی] هم که جوجه و بچه است و فقط هیکل گنده کرده است.»
کوثری در ادامه مدعی شده «پهلوی‌ها نوچه اسرائیل بودند در جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل که کشورهای عربی و مسلمان رژیم اشغالگر سوخت را تحریم کردند، ولی پهلوی به آنها سوخت می‌داد با اینهمه نوکری که برای اسرائیل و آمریکا کردند، دیدیم که باز به چه وضعیتی درآمدند. حالا باز این آمده که با وجود آنکه بیش از ۶۰ سال از سنش گذشته، کوچک‌ترین مسائل سیاست را نمی‌داند و نمی‌تواند درست حرف بزند. این بدبختی یک انسان است که برود نوچه و نوکر کسانی دیگر شود.»

حداد عادل: اپوزیسیون ورشکسته است!

از سوی دیگر غلامعلی حداد عادل رئیس پیشین مجلس شورای اسلامی و پدرزن مجتبی خامنه‌ای پسر علی خامنه‌ای ۳۰ فروردین در یک سخنرانی با اشاره به سفر شاهزاده پهلوی به اسرائیل گفته «اپوزیسیون به درجه‌ای از ورشکستگی رسیده‌اند که کسی که فکر می‌کند می‌خواهند به ایران برگردانند می‌رود دست به دامن رژیم می‌مانند رژیم صهیونیستی می‌شود و از کسی مثل نتانیاها کمک می‌خواهد برای اینکه برگردد به ایران، یعنی شما ملاحظه کنید چقدر این خارج‌نشین‌هایی که به خودشان وعده بازگشت به ایران می‌دهند دچار محاسبه غلط هستند، یعنی اینها اگر ذره‌ای فکر داشتند، می‌فهمیدند اسرائیل قبل

● روزنامه «جوان» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در گزارشی نوشت «احتمالاً رضا پهلوی در سفر به تل‌آویو برای همبستگی با دشمن تاریخی جمهوری اسلامی برنامه‌ریزی کرده است.»

● سردار پاسدار اسماعیل کوثری عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی: «با وجود آنکه پهلوی آنقدر به آمریکا سواری داده بود اما او را راه ندادند. این هم که جوجه و بچه است و فقط هیکل گنده کرده است... پهلوی‌ها نوچه اسرائیل بودند.»

● غلامعلی حداد عادل پدرزن مجتبی خامنه‌ای پسر علی خامنه‌ای: «اپوزیسیون به درجه‌ای از ورشکستگی رسیده‌اند که کسی که فکر می‌کنند می‌خواهند به ایران برگردانند می‌رود دست به دامن رژیم مانند رژیم صهیونیستی می‌شود که آنقدر منفور است... او رفته از نتانیاها کمک خواسته که برگردد.»

● حجت‌الاسلام محمود محمودی امام جمعه شهر کنگان در استان بوشهر با اشاره به حملات موشکی گروه‌های نیابتی به اسرائیل با پشتیبانی سپاه گفت: «پیام ملت ایران به اسرائیل با موشک‌های مقاومت ارسال می‌شود نه با سفر رضا پهلوی.»

سفر چهار روزه شاهزاده رضا پهلوی و همراهانش به اسرائیل جمعه ۲۱ آوریل (اول اردیبهشت) به پایان رسید. گفتگوی دوجانبه با بنیامین نتانیاها نخست‌وزیر و سایر مقامات ارشد اسرائیل از جمله اسحاق هرتزوک رئیس جمهوری اسرائیل و گیلا گاملیل وزیر اطلاعات این کشور و همچنین زاپی هانگی مشاور امنیت ملی اسرائیل و همکارانش از محورهای سیاسی و امنیتی این سفر بود. این سفر با واکنش‌های زیادی در بین مقامات و رسانه‌های حکومتی ایران روبرو شد.

گیلا گاملیل نماینده دولت اسرائیل در میزبانی از شاهزاده پهلوی با انتشار تصویری از بدرقه او و بانو یاسمین پهلوی در فرودگاه «بن‌گوریون» در توییتری نوشت «شما نشانی از رهبری شجاع در نظر اسرائیل و جهان آزاد هستید... با هم مقابل محور شرارت ایستاده‌ایم و این سرآغاز راه است.»

بدرقه شاهزاده رضا پهلوی و بانو یاسمین پهلوی توسط گیلا گاملیل وزیر اطلاعات اسرائیل / اول اردیبهشت ۱۴۰۱ نخستین واکنش از سوی مقامات جمهوری اسلامی از سوی سخنگوی وزارت خارجه بود که در پاسخ به پرسشی درباره این سفر گفت «نه خودش، نه اصل سفرش، و نه جایی که می‌خواهد به آنجا سفر کند، ارزشی ندارد که من از این تریبون درباره آن اعلام موضع‌گیری کنم!» اما روزنامه «جوان» وابسته به سپاه پاسداران در گزارشی نوشت «احتمالاً رضا پهلوی در سفر به تل‌آویو برای همبستگی با دشمن تاریخی جمهوری اسلامی برنامه‌ریزی کرده است.»
دیگر واکنش‌های مقامات حکومت و رسانه‌های وابسته به سفر شاهزاده پهلوی نیز در حجم زیاد و اغلب با تهدید و توهین همراه بود.

اسماعیل کوثری: رضا پهلوی جوجه است!

سردار پاسدار محمد اسماعیل کوثری عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی در اظهاراتی توهین‌آمیز به

مناطق سنی‌نشین و موعظه اخوت و همزیستی بین اهل تشیع و اهل تسنن از تریبونهای دولتی است. برادری اما مشروط است به برابری. مگر می‌شود در دنیای امروز، مردم مملکت را بعضاً للبعض قرار داد و به قول جرج آرول به آنها گفت ما همه با هم برابریم اما بعضی‌ها برابرترند، و آنگاه از مردم نابرابرتر توقع برادری داشت؟

حکومت موجود، زن و مرد را از برابری محروم و به تبعیض در حقوق محکوم کرده و با آنکه به مشکلات فرهنگی و اجتماعی ناشی از این نابرابری آگاه است نمی‌تواند از آن درگذرد چون پایش در زنجیر شریعت و فقه است. چنین حکومتی چگونه می‌تواند مبشر برادری و برابری شیعه و سنی باشد؟

ایران کشوری است متشکل از اقوام و مذاهب مختلف. حفظ این موازیک به صورت یکپارچه، نخستین و مهمترین وظیفه حکومت مرکزی است و چنین کاری از یک قدرت تبعیض‌گرا، قدرتی متمرکز در دست روحانیون و متکی به یک حوزه مذهبی برمی‌آید.

مذهب رسمی در ایران، به موجب قانون اساسی منبعث از انقلاب مشروطیت، شیعه اثنی‌عشری بود اما این، از برابری حقوق همه افراد ملت، از هر قوم و مذهب، نمی‌کاست چون حکومت، حکومت مشروطه بود و نه مشروعه. حکومتی که آیت‌الله خمینی بنیان نهاد همان است که شیخ فضل‌الله نوری و مشروعه‌طلبان می‌خواستند. در انقلاب مشروطه آنها ناکام شدند و در انقلاب سال ۵۷ هدفشان تحقق یافت. حکومت شرعی، آن هم در انحصار طبقه‌ای از روحانیون و تابع یک دکترین خاص مذهبی، مشکلاتش در ذات خودش نهفته است. وقتی رئیس جمهوری مملکت، صبح و شام تکرار می‌کند که ما می‌خواهیم مملکت را امام زمانی کنیم ناگزیر این سؤال پیش می‌آید که امام زمانی کردن مملکت یعنی چه؟

نه آقای دکتر احمدی‌نژاد، نه استاد و مراد و مرشد او آیت‌الله مصباح یزدی و نه مدرسان حوزه و دیگر فقیهان و مجتهدان هیچکدام برای این سؤال جواب روشنی ندارند. هیچ رساله‌ای تا کنون درباره مملکت امام زمانی و راه و رسم اداره کردن آن در دوران غیبت نوشته نشده است. فقهای بزرگ درباره تکالیف شرعی خودشان در دوران غیبت، اختلاف دارند، بعضی‌شان نماز جمعه را جایز نمی‌دانند، بعضی دیگر جایز می‌دانند تا چه رسد به مسائل اجرایی و اداره مملکت.

این سلسله مقالات را به مناسبت غوغایی که دست دادن یا به قولی دست ندادن حجت‌الاسلام والمسلمین آقای سید محمد خاتمی با خاتمه در سفر ایتالیا به دنبال آورد، آغاز کردم. آن را با اشاره به این سخن آقای خاتمی خاتمه می‌دهم که اخیراً در مقام رئیس مؤسسه گفت و گوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها فرموده‌اند «مشکل پاره‌ای از روشنفکران جامعه ما این است که تصور کرده‌اند نسخه و الگویی که در غرب اتفاق افتاده است (بخوانید: عبور از حاکمیت مذهبی به حاکمیت سکولار) در کشوری مثل ایران غیرقابل پیاده شدن است و این امکان ندارد. همچنان که یک گیاه گرمسیری را نمی‌توان در یک منطقه سردسیر به عمل آورد».

مرحوم شیخ فضل‌الله نوری نیز همین را می‌گفت. منتها با بیان فقیهانه: «ای خداپرستان، این شورای ملی، و حریت و آزادی، و مساوات و برابری، و اساس قانون مشروطه لباسی است به قامت فرنگستان دوخته، حریت و مساوات و برابری جزو قانون مجعوله و موضوعات مفروضه آنهاست. دیگر شرع و شریعتی به وضع اسلام و اسلامیان قائل و قابل نیستند!»

پایان

باز نشر

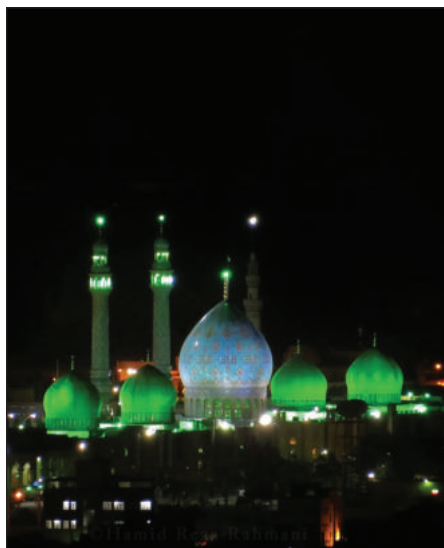
دست دادن یا ندادن مسأله این است! (۱۲)

و غیر در دوزخند!

(کیهان لندن شماره ۱۱۶۳-۱۱۷۴)

تیر تا مهر ۱۳۸۶

احمد احرار



دیگران را مبدع و منحرف و مستحق آتش جهنم می‌شمارد. واعظی از فرقه شیخیه بر منبر می‌گفت بنی‌آدم بر دو تیره‌اند: معتقد به وجود خالق و غیر. غیر همه در دوزخند. معتقدان به وجود خالق، خود بر دو دسته‌اند: پیروان ادیان آسمانی و غیر. غیر همه در دوزخند.

اما پیروان ادیان آسمانی باز بر دو گروهند: مسلمین و غیر. غیر همه در دوزخند. اما شیعه بر دو فرقه‌اند: معتقدان به مذهب جعفری و غیر. غیر همه در دوزخند. اما جعفری‌ها بر دو مردمند: اخباری و اصولی. جز اصولی‌ها همه در دوزخند. اصولی‌ها بر مشرب‌های مختلفند. جز شیخیه همه در دوزخند.

اما شیخیه، مؤمن دارد و غیر مؤمن. جز مؤمنین متقین شیخیه همه در دوزخند. و این دسته آخری چه اندکند، چه اندک، کالکبریت‌الاحمر (مانند سیمرغ و کیمیا).

بعد از وقایع عراق و لبنان، که شیعه و سنی را به جان هم انداخته و امن و امان از همگان بریده و خطر گسست جغرافیایی را در پی گسست مذهبی و فرقه‌ای پدید آورده است، رهبران حکومت مذهبی ایران همین خطر را بالای سر مملکت حس می‌کنند. راهی که برای مقابله با خطر در پیش گرفته‌اند افزودن بر مراقبتهای پلیسی و امنیتی در

... به همین مراسم نیمه شعبان نگاه کنید. مردم ایران به صورت خودجوش برای عید نیمه شعبان سرمایه‌گذاری می‌کنند. چراغانی‌ها، پذیرایی‌ها و برپایی جشنها در نیمه شعبان بی‌نظیر است. اما از این همه آمادگی و این فضای مهیا واقعاً چه استفاده‌ای برای رشد معنویت و بالا بردن سطح فکر و فرهنگ دینی مردم صورت می‌گیرد؟ ای کاش جواب این بود که هیچ!

متأسفانه جواب واقعی این است که نه تنها مردم را از زلال معنویت و معارف دینی سیراب نمی‌کنیم بلکه تا آنجا که ممکن است خرافات و مطالب سطحی و تحریف شده به آنها تحویل می‌دهیم. عناصر بی‌سواد میدان‌دار جشن شده‌اند و مردم مشتاق را از نظر فکری، سطحی بار می‌آورند... ترویج سطحی‌نگری و دامن زدن به عوام‌زدگی، به‌ویژه در معارف دینی، علاوه بر آن که نتایج تلاشهای دیگر را بر باد می‌دهد جامعه را دچار خطر سست‌اعتقادی و سپس بی‌اعتقادی به مبانی دینی می‌کند...

وقتی ما مسجد جمکران را تا آنجا از نظر تقدس بالا می‌بریم که از مساجدی مثل مسجدالحرام، مسجدالنبی، مسجد قبا، مسجدالاقصی، مسجدکوفه و مسجد سهله نیز با فضیلت‌تر جلوه می‌کند و بر مشاهد مشرفه نیز تقدم می‌یابد و اعلام می‌کنیم که حدود سه میلیون نفر در شب و روز نیمه شعبان به زیارت این مسجد آمده‌اند و با تبلیغات بی‌سابقه، خیل مردم تشنه معنویت را از نقاط مختلف کشور به جمکران می‌کشانیم و سخنان مداحانی را که به مردم وعده می‌دهند در اینجا امام زمان علیه‌اسلام را زیارت خواهند کرد و از اینجا حاجت‌روا خواهند گشت و البته می‌دانیم نه زیارتی در کار است و نه اتفاقی خواهد افتاد. انتظار داریم در درازمدت این مردم مقدر به این تبلیغات معتقد بمانند و پایه‌های فکری آنها دچار لرزش و پوکی نشود. مسجدهی که بر اساس یک خواب ساخته شده حد اکثر این است که مثل سایر مساجد محترم است اما بر چه مبنایی این همه تبلیغات و معجزه و کرامات برای آن می‌سازیم و به خورد خلق‌الله می‌دهیم؟ برای آشنایی با عواقب این کارها به پرونده افرادی که با سوء استفاده از عوام‌زدگی مردم، خود را رابط امام زمان یا ملاقات‌کننده با امام زمان و یا حتی خود امام زمان معرفی کرده‌اند و چه اعتقادات دینی را از بین برده‌اند و چه خانواده‌ها را متلاشی کرده‌اند و چه وهن‌ها که برای دین به‌وجود آورده‌اند مراجعه کنید و نسبت به خطر عوام‌زدگی هشیار باشید.

آنچه که خواندید بخشی از سرمقاله مستدل و محکم روزنامه «جمهوری اسلامی» است. آفرین بر این قلم، مرحبا بر این استدلال و نتیجه‌گیری. جانا سخن از زبان همه کسانی می‌گویی که به عاقبت اوضاع کنونی می‌اندیشند و نگران آتند. مملکت از یک سو و دین از سوی دیگر بازپچه قرار گرفته است. افسوس که شما نمی‌توانید بیش از این پیش بروید و اساس بازی را در معرض نقد و بازیگران اصلی را در جایگاه اتهام قرار دهید.

آتش به جان شمع فتد کاین بنا نهاد

اینها همه از ثمرات و برکات اختلاط دین و سیاست، به‌ویژه برقراری حکومت مذهبی است. حکومت دینی در هر زمان و هر جا که برقرار شده، رواج خرافات و موهومات از تبعات ناگزیر آن بوده است. حاکمان، مشروعیت خود را از جانب خدا قلمداد می‌کنند و پای خدا را به مناقشات و منازعات اهل زمین می‌کشاند. این منازعات، به چندپارگی دین و پیدایش مذاهب می‌انجامد. از درون مذاهب فرقه‌های مختلف سر برمی‌آورند و هر فرقه، خود را حقیقت مطلق و

اعلام حکومت نظامی و حادثه میدان ژاله

گزارش آن دسیسه که با همکاری مارکسیستهای اسلامی و گروههای فلسطینی صورت گرفت منتشر نشد زیرا نخست وزیر فی خواست فراگرد «آشتی ملی» مختل شود!

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از آذر ۱۳۸۳ تا شهریور ۱۳۸۴ - از شماره ۱۰۳۳ تا ۱۰۷۱)

بازنش

آخرین روزها
پایان سلطنت و
درگذشت شاه
(۱۰)

دکتر هوشنگ نهاوندی



اساس رویدادها و حوادث واقعی زندگی انسانها نوشته می‌شود. برای نوشتن این کتاب، نویسنده از کمکهای بی دریغ و سخاوتمندانه اردشیر زاهدی، دکتر اصلاان افشار، شجاع‌الدین شفا، پروفیسور عباس صفویان و دکتر داریوش شیروانی بهره‌مند بوده است. این شخصیتها که در ماههای آخر سلطنت محمدرضا شاه ماس روزانه با او داشتند، اطلاعات، خاطرها و به‌یادمانده‌های خود را در اختیار نویسنده قرار داده‌اند. نویسنده ضمناً از دکتر هادی هدایتی، دکتر کاظم ودیعی و بیژن خلیلی مدیر شرکت کتاب سپاسگزاری کرده است. کتاب «آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه» دارای ۱۵ فصل است و با یک پی‌نوشت کوتاه و احساسی به‌پایان می‌رسد. کیهان بخشهایی از این کتاب را با موافقت نویسنده و ناشر، از این شماره به‌چاپ می‌رساند.

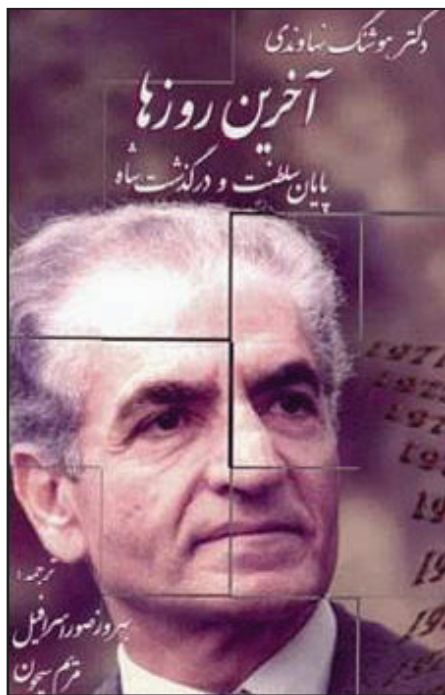
از آن بود که چندی بعد او را چون کثافتی از آن شغل برکنار و وادار به خودتبعیدی در آمریکا کنند. گویا بعدها می‌گفته که بسیار از این که همچون قاب‌دستمالی به وسیله رژیم اسلامی و سرکوبگر، مورد استفاده قرار گرفته و شاید بی آن که بخواهد، بر آن همه جنایت وحشتناک سرپوش گذاشته، ناراحت است. افسوسهایی بیهوده و دیرهنگام...

در همان روز پنجشنبه، اواخر بعد از ظهر، میان سه تا پنج هزار طرفدار آیت‌الله خمینی در میدان ژاله در شرق پایتخت گردآمدند. برای نخستین بار از این گروه فریاد «مرگ بر شاه» به گوشها رسید. تظاهرکنندگان اعلام کردند که فردا، باز گرد خواهند آمد.

اعلام حکومت نظامی

شب هنگام «شورای امنیت ملی» که ریاستش با نخست‌وزیر بود، تشکیل شد و تصمیم گرفت به دولت پیشنهاد کند از صبح روز بعد در تهران حکومت نظامی اعلام کند. تمام وزیران از همه جا فرا خوانده شدند تا در جلسه فوق‌العاده هیأت دولت شرکت کنند. من و همسر در میهمانی سفیر ژاپن و خانم «ایکاو» بودیم که به‌وسیله تلفن اتومبیل دولتی‌ام از من خواستند فوراً به نخست‌وزیری بروم. جلسه حدود ساعت هفت شب آغاز شد. اکثر وزرا و فرماندهان عالی‌رتبه ارتش هم حضور داشتند. تنی چند از اعضای دولت، به‌خاطر تعطیلات طولانی آخر هفته، خارج از شهر بودند. ولی آنان نیز با اندکی تأخیر وارد شدند. به‌محض گشایش اجلاس، آقای شریف امامی نطقی در مورد رویدادهایی که در طول روز رخ داده بود، در مورد تظاهراتی که صبح و بعد از ظهر انجام شده و کوچک، اما خشن بوده است، ایراد کرد. نوع شعارها را پنهان نکرد و به‌سادگی افزود: «خاطر اعلیحضرت مکدر شده». سپس توضیح داد پیش‌بینی می‌شود فردا نیز تظاهرات بزرگی، باز هم در میدان ژاله برپا شود. و دقیقاً گفت: هدف تظاهرکنندگان که شورشگران حرفه‌ای رهبری‌شان می‌کنند و به‌آنان دستور می‌دهند، ساختمان مجلس است که کمتر از دو کیلومتر با میدان ژاله فاصله دارد. می‌خواهند

سر کلاس می‌رفت و هیچگاه کار تدریس را رها نکرد و به‌مدد همین سوابق دانشگاهی بود که پس از مهاجرت به فرانسه ۱۷ سال به‌عنوان استاد در دانشگاه پاریس تدریس کرد. نهاوندی در سالهای ۱۳۵۰ گروه بررسی مسایل ایران را بنیان گذاشت به امید آنکه پیشنهادات این گروه راهگشای اصلاحاتی در ساختار آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ایران شود. نهاوندی برای جمع‌آوری مطالب کتاب پانصد صفحه‌ای خود، مختصری از حافظه معروفش و مقدار زیادی از یادداشتهای روزانه یا شبانه‌اش سود جسته است. کتاب از آغاز تا پایان، سرشار است از حوادث پرهیجان و اخبار دست اول که بیشتر اوقات نویسنده شخصاً درگیر آن بوده است و به همین دلیل محتوای کتاب شبیه رمانهای جذابی است که بر



دهند تا به مردم تضمین بدهد که حقوقشان از هر گونه تعدی حکومت مصون خواهد بود...
دکتر سنجابی استاد ممتاز حقوق اداری و رئیس پیشین دانشکده حقوق، خود را در آن مقام می‌دید و می‌پنداشت این، بازگشتی شایسته برای وی به زندگی اجتماعی، و گونه‌ای اعاده حیثیت سیاسی برایش خواهد بود. چند روز بعد، هنگامی که سخنان او را به شاه بازگفتم، اوضاع به‌کلی دیگرگون شده و تعادل قوا بر هم خورده بود. کریم سنجابی پس از مدتی آزروری بسیار برای رسیدن به ریاست جمهوری لائیک و دموکراتیک، خود را در «نوفل لو شاتو» به پای خمینی انداخت، خویشتن را انکار کرد، و سپس اندکی بعد، خمینی او را به وزارت خارجه رژیم اسلامی برگزید. و همه آنها پیش

ترجمه فارسی کتاب «آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه» نوشته دکتر هوشنگ نهاوندی از سوی شرکت کتاب در لس‌آنجلس منتشر شده است.
پهروز صوراسرافیل و مریم سیحون مترجمان این کتاب، به‌خوبی از عهده برگرداندن آن از زبان فرانسه به فارسی برآمده‌اند.
دکتر نهاوندی در دوران سلطنت محمدرضا شاه پهلوی وزارت آبادانی و مسکن و علوم و آموزش عالی و ریاست دانشگاههای پهلوی و تهران را به‌عهده داشت. وی مدتی نیز رئیس دفتر علیاحضرت شهبانو و چندی رئیس هیأت مدیره انجمن آثار ملی بود. اما در تمام این سالها وی بیشتر با محافل روشنفکری، علمی و دانشگاهی نشست و برخاست داشت تا با دولتیان. نهاوندی در دوران ریاستش بر دانشگاههای پهلوی و تهران هفته‌ای چند ساعت

آن روز عید مذهبی از نظر اجتماعی و معاشرت، روز پر ازدحامی بود. جشنها می‌گرفتند و عروسها برپا بود. بعد از ظهر، با همسر به مراسم عقد ازدواج دختر همکار و دوستم دکتر داود کاظمی استاد دانشگاه تهران و رئیس پیشین دانشگاه اهواز - که در نظر داشتم او را به‌عنوان معاون وزیر برگزینم - رفتم. او، برادر باقر کاظمی وزیر پیشین امور خارجه در دولت مصدق بود. داود کاظمی به هواداری از اندیشه‌های ملی‌گرایانه «شیر پیر» شهرت داشت که البته مانع از پیشرفت چشمگیری او نشده بود. چند تن از اعضای برجسته «جبهه ملی» در میان مدعوین بودند و در ازدحام و سر و صدای میهمانی، درباره وضع سیاسی مملکت گفتگو می‌کردند. همگی از تظاهرات خیابان «کوروش کبیر» سخن می‌گفتند و نظم و آرامش آن را به یکدیگر تریک می‌گفتند. اعضای «جبهه ملی» از گستردگی تظاهرات به‌خاطر دیدار شهبانو از بیمارستان دکتر اقبال بسیار شگفت‌زده شده بودند و مدتی دراز از من پیرامون جزئیات آن پرسشهایی می‌کردند. بسیاری از آنان متحیر بودند که رادیو دولتی در خبرهای اول بعد از ظهرش فقط اشاره کوتاهی به این بازدید کرده و هیچ اشاره‌ای به جمعیتی که گردآمده بودند، نکرده است. گفتگوها، دوستانه و بدون هیچ تنش بود.

آنان که چند روز بعد، با مشاهده ضعف و عقب‌نشینی حکومت، تغییر جهت دادند، به تندروی گراییدند، همه باورهای لائیک خود را فراموش کردند و به‌یاری توصیه‌های آمریکا زیر پرچم خمینی گردآمدند، در آن روز هنوز با احترام درباره شاه سخن می‌گفتند. کریم سنجابی همکارم که به‌ریاست جبهه ملی رسیده بود در خلال سه سال پیش از آن، چندین بار از من خواسته بود نشانه‌های تمایل وی به نزدیک شدن به شاه و انجام خدماتی به او را به‌عرض پادشاه برسانم. در آن روز مدتی دراز به من توضیح داد که بنیانگذاری یک «شورای عالی دولتی» به شکل آنچه در فرانسه وجود دارد، در ایران ضروری است. و گفت: «این را به اعلیحضرت پیشنهاد کنید، و اگر چنین نهادی به‌وجود آید، تأثیر به‌سزایی بر افکار عمومی خواهد داشت. البته به‌شرطی که در رأس آن، فردی مستقل و کارآموده را قرار

رویارویی با چنین اوضاعی آماده و آموزش دیده نبود. مأموریت آن، دفاع از میهن در برابر دشمن اجنبی و حفظ تمامیت ارضی مملکت بود.

فرماندهان ارتش در آن روز شوم، اشتباه بزرگی در برآورد وضع کردند. آنان قطعاً می‌پنداشتند چند صد سرباز وظیفه که از سوی افسرانی که برای عملیات ضد شورش آموزش ندیده بودند، فرمان می‌بردند، برای بازگرداندن آرامش بسنده است. حتی یکان ضد شورش پلیس کشور را که به تازگی ایجاد شده بود، فراخواندند، چه رسد به واحدهای برگزیده ارتش، کوماندهای چترباز یا مثلاً نیروهای ویژه. سربازان، بنا بر دستوراتی که دریافت کرده بودند، چند رگبار هوایی شلیک کردند. اما هنگامی که مشاهده کردند شورشیان مسلح‌اند و به آنان تیراندازی می‌کنند، و هم‌زمانشان مرده یا زخمی در کنارشان افتاده‌اند، به‌روی تظاهرکنندگان آتش گشودند. این فاجعه‌ای بزرگ و دهشتناک بود. مطبوعات بین‌المللی نوشتند: «جمعه سیاه»، و نشریات مخالفان آن را «جمعه سرخ» نام نهادند. سپس از هزاران کشته از تظاهرکنندگان سخن به میان آمد.



دو هفته بعد، بر اساس شواهد، جوازهای دفن پزشکی قانونی و با سرشماری دقیق، بیان آن روز به‌دست آمد: ۱۲۱ کشته از تظاهرکنندگان و ۷۰ تن از مأمورین و نظامیان. جمعاً ۱۹۱ قربانی که در این شمار، زخمیان مرده در بیمارستان نیز به‌حساب آمده بود. رقمی بزرگ...



صحنه‌ای از درگیری‌های میدان ژاله

بسیاری از وزیران، از جمله خود من، پیشنهاد کردیم که گزارش کامل آن فاجعه منتشر شود. این کار بیش از هر چیز باعث می‌شد بتوانیم نشان دهیم ارقامی که نتیجه شایعات است و نوشته‌های چند نشریه خارجی، که آنها را روز به‌روز بیشتر می‌کند، اشتباه است. آن گزارش نشان می‌داد که از سوی شورشیان به‌سوی نیروهای انتظامی تیراندازی شده، چون قربانیان آنان با گلوله کشته شده بودند همچنین ثابت می‌کرد در میان تظاهرکنندگان شمار زیادی فلسطینی که چند هفته پیش از آن، با گذرنامه‌های جعلی به تهران آمده بودند، دیده می‌شده است. آن از چه پژوهش‌های گلوله‌شناسی و کالبدشکافیها نشان می‌داد، به نظر نمی‌رسید بسیاری از کشته‌شدگان در صف تظاهرکنندگان



نظامی آغاز شده و در بسیاری از محلات، جمعیت مشغول راهپیمایی بود. زیرا ساعت تظاهرات هشت صبح تعیین شده بود.

آیا منوچهر آزمون عمداً دستور خبرسانی را دیر به رادیو – تلویزیون ابلاغ نکرده بود؟ بسیاری این گونه می‌پندارند. نقش این وزیر که چند ماه بعد به دستور خمینی اعدام شد، پس از آن جلسه هیأت دولت، پر ضد و نقیض بود. من، فقط یک بار پس از آن که چند روز بعد از وزارت استعفا دادم، او را دیدم و ماجرا را پرسیدم. به من اطمینان داد که به مسؤولان رادیو – تلویزیون تلفن کرده و دستورات نخست وزیر را ابلاغ کرده است. البته این هم بود که او از رئیس سازمان رادیو – تلویزیون متنفر بود و شاید می‌خواست بار مسؤولیت را بر دوش وی بگذارد.

شاید هم رادیو – تلویزیون از انجام دستور خودداری کرده بود، یا در اجرایش خرابکاری کرده بودند. بعدها شاه در قاهره به من گفت بی آن که دلیل قاطعی داشته باشد، چنین می‌پندارد. این نیز حقیقت داشت که او از عملکرد سازمان رادیو – تلویزیون، به‌ویژه از رئیس آن سازمان، به دلایلی دیگر ناخشنود بود. به‌گونه‌ای که در کتابش به این موضوع اشاره کرد و من نیز در جای مناسب به شرح آن خواهم پرداخت.

با همه تحقیقاتی که در مورد این مقطع اساسی از رویدادها کرده‌ام، به هیچ نتیجه قاطعی نرسیده‌ام: بی شک همه چیز در هم ریخته بود و نتایج گسترده ناگواری به‌بار آورد.

آنجایا را بگیرند و اعلام دولت انقلابی و جمهوری کنند. این اطلاعات که در ابتدا باورنکردنی بود، از سوی رؤسای ساواک و شهربانی کل کشور و رئیس رکن دو ستاد ارتش تأیید شد. رؤسای ساواک و شهربانی به‌عنوان اعضای مقامی شورای امنیت ملی و رئیس رکن دو، از آنجا که رئیس ستاد کل نیروهای مسلح را همراهی می‌کرد، در جلسه حضور داشتند.

در نتیجه، نخست وزیر به هیأت دولت پیشنهاد کرد اعلام حکومت نظامی کند. یکی از آن میان گفت: درست است که وضعیت اضطراری است، ولی دولت هنوز به مجلسین معرفی نشده و رأی اعتماد نگرفته است. آیا چنین دولتی می‌تواند حکومت نظامی برقرار کند؟

پس از بحث کوتاهی، به این نتیجه رسیدیم که قانون اساسی این کار را ممنوع نکرده و هر دولتی که در برابر خطری حتمی قرار گیرد، نه تنها می‌تواند، بلکه وظیفه دارد دست به اقدام مناسب بزند.

اعلام حکومت نظامی برای فردای آن روز، با رأی اکثریت تصویب شد. هیأت دولت حتی تصمیم گرفت در چندین شهر بزرگ دیگر نیز حکومت نظامی برقرار کند. تیمسار غلامعلی اویسی، فرمانده نیروی زمینی ارتش، به فرمانداری نظامی پایتخت منصوب شد. نخست وزیر، چند لحظه از جلسه خارج شد و از تالار کوچک چسبیده به محل تشکیل هیأت دولت، با کاخ سلطنتی تماس گرفت، تصمیمات گرفته شده را به‌اطلاع پادشاه رساند و اجازه او را برای انتخاب اویسی کسب کرد.

به‌گفته اردشیر زاهدی سفیر ایران در واشنگتن که در آن موقع موقتاً به تهران آمده بود و در کاخ با اعلیحضرتین شام می‌خورد، گویا شاه مدتی دراز تردید کرد تا بالاخره موافقت خود را اعلام نمود. او گمان می‌کرد که این اقدام، اندکی خام است.

حدود ساعت ده شب، جلسه داشت به‌پایان می‌رسید که تیمسار غلامرضا ازهراری، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح تقاضای سخن گفتن کرد:

«ارتش بدون شک وظیفه خود را انجام خواهد داد. من فقط می‌خواستم به‌استحضار برسانم که اکنون پنجشنبه است، یعنی تعطیل است و اکثر سربازان و درجه‌داران و افسران در تعطیلات آخر هفته به‌سر می‌برند. تا فردا شب یا شاید شنبه صبح، در شهر فقط یکانهای ذخیره که فقط برای مواقع اضطراری پیش‌بینی شده‌اند، حضور دارند و فکر نمی‌کنم و بیم از آن دارم که با اینها، نتوانیم تظاهراتی به این اهمیت را درست مهار کنیم. برقراری حکومت نظامی، نیاز به سه یا چهار روز آماده کردن نیروها دارد. ولی چون چنین زمانی نداریم، عاجلاً درخواست می‌کنم اعلام حکومت نظامی را به ساعت ۶ صبح جمعه موکول کنید و جریان فوراً به‌اطلاع مردم برسد.»

ظاهراً کاری بسیار آسان بود. برنامه‌های سه کانال تلویزیونی حدود نیمه شب به‌پایان می‌رسید و رادیو دولتی، بیست و چهار ساعته بود. نخست وزیر فوراً این درخواست را اجرا کرد و منوچهر آزمون وزیر مشاور را مأمور کرد به رادیو – تلویزیون دستور دهد فوراً برنامه‌های عادی‌شان را قطع کنند، خبر اعلام حکومت نظامی را پخش نمایند، و هر نیم ساعت یک بار هم آن را تکرار کنند.

حکومت نظامی، گردهمایی بیش از پنج نفر را ممنوع می‌کرد. مطمئناً اگر خبر به‌موقع به گوش مردم می‌رسید، شاید شمار تظاهرکنندگان کمتر می‌شد و قربانیان غیر نظامی و ارتشی کاهش می‌یافت. اما نه تنها برنامه‌های عادی رادیو – تلویزیون قطع نشد، بلکه خبر برای نخستین بار ساعت شش صبح پخش شد. یعنی درست زمانی که حکومت

واقع‌ه میدان ژاله

از هفت صبح جمعه ۸ سپتامبر، کامیونها و اتومبیل‌های مجهز به بلندگوی ارتش که اطلاعات خود را از ناظران سرنشین هلی‌کوپترهایی که در آسمان منطقه پرواز می‌کردند دریافت می‌داشتند، سر چهارراهها مستقر شدند. به تظاهرکنندگان که شمارشان حد اکثر سی هزار تن بود، دستور داده شد که پراکنده شوند. اما جمعیت که توسط ملاحی که آشکار نبود که هستند و در آنجا چه می‌کنند، تحریک شده بودند و گروه‌های آموزش دیده شورشگر، اداره‌شان می‌کردند، پیش آمدند. اخطارها موجب شد که جمعیت در چند نقطه بایستند، ولی نظم، به‌زودی برهم خورد. ارتش ایران برخلاف بسیاری از ارتش‌های دیگر، برای

توسط نیروی انتظامی کشته یا زخمی شده باشند؛ زیرا گلوله‌ها از آن گونه نبود که ارتش استفاده می‌کرد و این نشان می‌داد که دسته‌هایی مسلح، به تظاهرکنندگان شلیک کرده‌اند. این تیراندازان حرفه‌ای برگزیده که از جاهای دیگر آمده بودند، بر نام ساختمانها و پشت پنجره‌های آپارتمانهایی که سر راه تظاهرکنندگان بودند، موضع گرفته بودند.

در ژوئیه ۱۹۸۰، اندکی پس از ورودم به فرانسه، یکی از همکاران پیشینم در وزارت آبادانی و مسکن، که در سال ۱۹۷۸ از فعالان جنبش انقلابی بود، اما به‌زودی پس از سنجش هدفها و ویژگیهای آن جریان، همانند بسیاری دیگر رهایش ساخته بود، شهادت شخصی و باورنکردنیش را از ماجراهای آن روز با من در میان نهاد:

پنجره‌های آپارتمان مسکونی او مشرف به محل گذر تظاهرکنندگان بود. او را به‌وسیله یک گروه مارکسیست اسلامی با فلسطینیان مرتبط کرده بودند. در آن روز دو فلسطینی مسلح را نزد فرستادند. آن دو پشت پنجره‌ها قرار گرفتند و از آنجا نه فقط سربازان، بلکه تظاهرکنندگان را نیز هدف قرار دادند. شلیک می‌کردند بدون آن که نشانه‌گیری کنند. فقط می‌خواستند خون به‌پا کنند و وضعی ترمیم‌ناپذیر به‌وجود آورند. به‌گفته او، چند تن دیگر از تیراندازان نیز از جاهای دیگر همین کار را کرده بودند.

چند روز پس از «جمعه سیاه»، شخصی به‌نام «نصیری» که به او آیت‌الله «علامه نوری» می‌گفتند، دستگیر شد. در خانه او چندین گذرنامه کشورهای عربی، مقادیر هنگفتی پول و اسنادی که آشکارا چگونگی طرح‌ریزی آن توطئه را فاش می‌کرد، به‌دست آمد. ماجرا دسیسه‌ای تمام‌عیار بود. چندتایی از آن اسناد در روزنامه‌ها چاپ شد، سپس آن شخص را آزاد کردند. مطبوعات نیز دیگر سکوت اختیار نمودند و کسی از علامه نوری سخنی نگفت تا آن که پس از پیروزی انقلاب، باز به‌سان قهرمانی نمایان شد. او به‌مناسبت بیستمین سال آن رویداد، در روزنامه‌های دولتی تهران، با افتخار از نقش خود در ماجراهای آن روز شوم سخن گفت. گزارش، هرگز چاپ نشد. بعضی از سران ارتش از این که اقرار کنند هفتاد تن از مردانشان را با آن وضع کشته‌اند، ناراحت بودند. بر ماجرای علامه نوری به‌دستور نخست‌وزیر سرپوش نهاده شد، زیرا او همچنان غرق در توهماتش می‌گفت نمی‌خواهد مخالفان ناراحت شوند و یا فراگرد آشتی ملی مختل گردد. به‌راستی چه فرصت گرانبهایی از دست رفت.

محمدرضا پهلوی پس از آن روز شوم، از نظر روانی متلاشی شد و در اندوهی ژرف فرو رفت. ناگهان به‌گونه‌ای تکان‌دهنده دریافت - یا دست کم دچار این تردید شد - که برگزیدن شریف امامی اشتباه محض بوده است. و همچنین آگاه شد که با مدیریت بسیار بدی با بحران برخورد شده است. با این حال، حتی نمی‌توانست عقب‌نشینی کند، زیرا دولت حتی هنوز به مجلسین معرفی نشده بود. بنابراین عملاً مسؤولیت همه چیز را برعهده گرفت و کوشید و اتمود کند که مهار اوضاع را در دست دارد. به‌ویژه چیزی که باعث فرو ریختن و به‌راستی موجب انهدام روانی‌اش شد، آن بود که درک نمی‌کرد چه عاملی موجب شده گروهی از هموطنانش فریاد بزنند «مرگ بر شاه». از ساعت هشت بعد از ظهر آن روز و فردایش، به هر کس او را می‌دید، تکرار می‌کرد: «مگر من به آنها چه کرده بودم... مگر من به آنها چه کرده بودم؟»

ایران، یا دست کم تصویری که او از ایران داشت، بزرگی آن،

نیرومندی‌اش، و اراده و تصمیمش بر آن که کشورش نقشی پر اهمیت در دنیا ایفا کند، سالها تنها مسأله جدی برای او بود. ایران، تنها عشق راستین زندگیش بود. ایران رؤیای همه لحظه‌ها و دل‌بستگی بزرگش بود. ناگهان احساس کرد به او خیانت شده است. همانند «دوگل» در سال ۱۹۶۸. ولی برخلاف تنها رئیس جمهوری همزمان خود که برای او احترامی راستین و ستایشی ژرف قائل بود، نتوانست دوباره برپا ایستد و سررشته کارها را به دست گیرد، و غرق شد. بیماری او که در آن زمان همه از آن بی‌خبر بودند، به از هم گسستنش یاری کرد. در آن ساعات فاجعه‌بار، رؤیای بزرگ او در هم شکست و به عشق بی‌پایانش خیانت شد.

شاه غمگین

از ۹ سپتامبر (۱۷ شهریور) هر کسی می‌کوشید درسی از آن رویداد بگیرد. شاه که از گسترش ابعاد لطمه‌ای که به‌بار آمده بود، شمار قربانیان، و نفرتی که برخی از او آشکار ساخته بودند عمیقاً اندوهگین بود، اندک اندک در حالتی تسلیم‌گونه فرو رفت. انگار رویدادها دیگر به او مربوط نمی‌شد. اگر واکنشی نشان می‌داد، بسیار دیر هنگام و بی‌ارتباط با واقعیات بود و گاه شگفت‌انگیز به نظر می‌رسید. بازی را باخته بود.

فرماندهی ارتش به بازنگری خود پرداخت و «رویدادهای میدان ژاله» را تجزیه و تحلیل کرد. آنان به این نتیجه رسیدند که باید خود را با شرایط تازه، یعنی طغیانی که یک گروه کوچک حرفه‌ای ره‌بری می‌کنند، تطبیق دهند. برخی از نظامیان وضع را با انقلاب اکتبر روسیه مانند می‌دیدند که همین گونه بود، اما بعدها آن را قیام خلق نمایانند. شرایط و رویدادها را مورد بررسی و کنکاش قرار دادند.

تیمسار علی نشاط فرمانده گارد شاهنشاهی پس‌فردای آن روز به من گفت: «آنچه روی داده بسیار هولناک است. اگر یکانهایی مناسبتر با وضعیت فرستاده بودند و اگر شرایط، از پیش، بهتر ارزیابی شده بود، می‌شد خسارتها را محدود کرد. اما فقط یک لحظه تصور کنید اگر تظاهرکنندگان، بهارستان را که مکان تاریخی مجلس و محلی سرشار از خاطرات و نمادهاست، تسخیر می‌کردند، چه می‌شد؟ البته حکومت انقلابی آنان، بی‌تردید فقط یک شوخی تلقی می‌شد، ولی ارتش ناگزیر می‌شد به آنجا حمله کند و بهارستان ناچار خسارت می‌دید. در خانه ملت (کاخ بهارستان را چنین می‌خواندند) خونریزی می‌شد و هرگز نمی‌توانستیم این لکه را بزداییم.»

اشتباه نمی‌کرد. ارتشیان دریافته بودند. روش رویارویی باید دگرگون می‌شد.

از صبح روز ۹ سپتامبر، نخست‌وزیر، بدون شك با تأیید ضمنی شاه، که او را رها کرده بود که هرچه می‌خواهد بکند، به تشکیلات حکومت نظامی دستور داد دیگر در برابر تظاهرکنندگان، واکنشی نشان ندهد. از آن پس دیگر هیچ یک از مقررات حکومت نظامی اجرا نمی‌شد. کامیونهای سربازان، بی حرکت سر چند چهارراه و در کنار میدانها، فقط برای دادن اطمینان خاطر به مردم، ایستاده بودند. شریف امامی، سپس دستوراتی را که صادر کرده بود، به‌اطلاع سرکردگان تندرو و مخالفان رساند؛ آن هم فقط برای نمایش حسن نیت خود. با این کار بی‌معنا، که در هیأت وزیران تصویب نشده بود، و در نتیجه هیچکس هم اهمیتی به آن نداد، او خود را از همه برگهای برنده‌ای که داشت محروم کرد و به حد موجودی مطلقاً ضعیف، فرود آورد. می‌گویند سفیران آمریکا و انگلیس صمیمانه به او تبریک گفته بودند. من این را کاملاً باور می‌کنم.

(ادامه دارد)

افزایش تلاش برای سرکوب به بهانه «حجاب»؛ تشکیل قرارگاهی با همکاری سپاه پاسداران برای مبارزه با «بی‌حجابی»!

● پلمب قلّه‌ای واحدهای صنفی در شهرهای مختلف ادامه دارد و نیروهای انتظامی و «نیابتی» جمهوری اسلامی نیز همچنان به اسم «امر به معروف» برخورد‌های خشن کلامی و فیزیکی علیه زنان را ادامه می‌دهند.

● هر روز زنان بیشتری در ایران با برداشتن حجاب اجباری و بدون پوشش مورد نظر جمهوری اسلامی در اماکن عمومی و خیابان‌ها حاضر شده و بزرگترین نافرمانی مدنی سال‌های اخیر در ایران را پیش می‌برند.

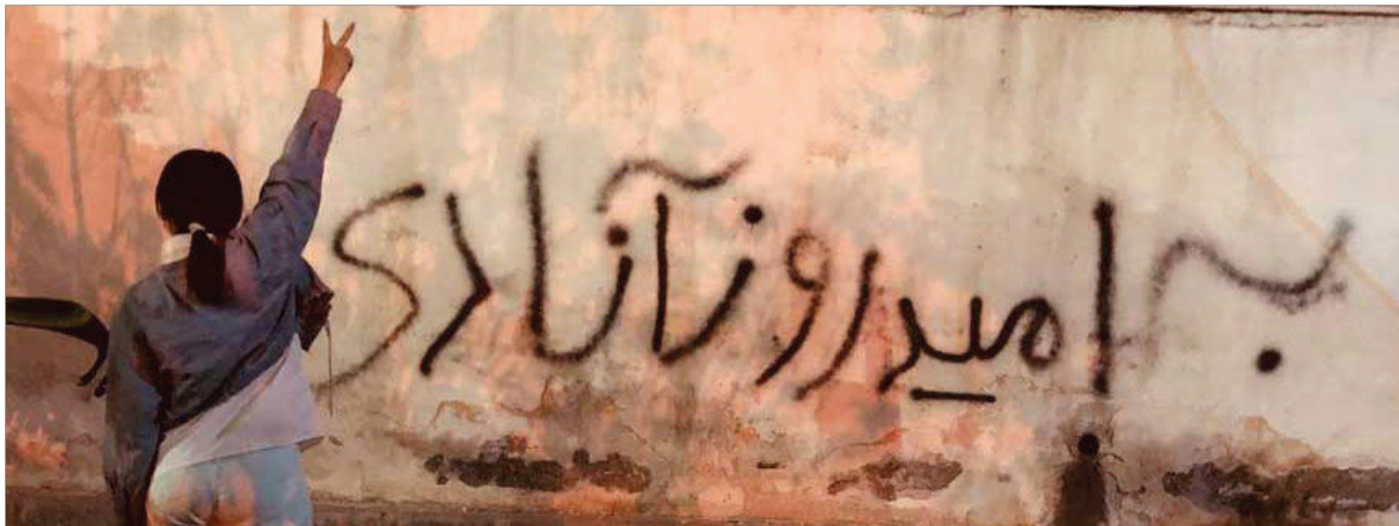
● دادستان استان اصفهان از امضای تفاهم‌نامه‌ی سه‌جانبه میان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دادگستری و ستاد امر به معروف و نهی از منکر این استان برای برخورد با «کشف حجاب» خبر داد.

محدود ساختن فضای اجتماعی و سرکوب زنان و دختران به بهانه «حجاب» از سوی جمهوری اسلامی ادامه دارد. ده‌ها واحد صنفی طی روزهای گذشته در استان‌های مختلف پلمب شدند و تفاهم‌نامه سه‌جانبه در اصفهان برای تشکیل «تیم‌های برخورد با کشف حجاب» تشکیل شده است.

در ادامه برخورد‌های سرکوب‌گرانه به بهانه «مبارزه با بی‌حجابی» از سوی جمهوری اسلامی، پلمب قلّه‌ای واحدهای صنفی در شهرهای مختلف ادامه دارد. نیروهای انتظامی و «نیابتی» جمهوری اسلامی نیز همچنان به اسم «امر به معروف» برخورد‌های خشن کلامی و فیزیکی علیه زنان را ادامه می‌دهند.

بر اساس گزارش‌ها طی روز شنبه دوم اردیبهشت‌ماه ۲۶ واحد صنفی فقط در شهرستان جهرم در استان فارس پلمب شدند. همچنین یک مرکز مشاوره و روانشناسی در شهر رشت نیز به خاطر «عدم رعایت» حجاب اجباری پلمب شد. دلیل پلمب این مرکز مشاوره و روانشناختی «برگزاری کارگاه‌های آموزشی مختلط» عنوان شده و علی‌حیدرخواه رئیس اداره نظارت بر اماکن عمومی فرماندهی انتظامی گیلان گفت که این مرکز روانشناختی با برگزاری کلاس مختلط سبب «عدم رعایت شئون اسلامی و ترویج بی‌حجابی» شده است.

رئیس اداره نظارت بر اماکن عمومی فرماندهی انتظامی گیلان افزود که در پی انتشار ویدئویی در فضای مجازی مبنی بر برپایی مراسم مختلط در این مرکز روانشناختی، علاوه بر «پلمپ آتی این مرکز به دلیل عدم رعایت شئون اسلامی و ترویج بی‌حجابی»، متصدی ۴۴ ساله آن نیز بازداشت شد و با تشکیل پرونده در اختیار مرجع قضایی قرار گرفت.



مسکونی و حتی مجتمع‌های تجاری و اداری عده‌ای در صد برمی‌آیند که بی‌حجابی یا بدحجابی را به نهادهای قضایی و انتظامی گزارش کنند و طبیعتاً افرادی که رفتارهایشان گزارش شده نیز در صد اعتراض برمی‌آیند و امکان زیست مسالمت‌آمیز و متعارف برای مردم از بین می‌رود.»

محمدرضا جوادی یگانه نیز از جمله جامعه‌شناسان حکومتی است که نسبت به اجرای این طرح هشدار داده و گفته که «آنچه تا کنون انجام می‌شد، دستگیری کم‌حجابان و ارشادشان و تعهد گرفتن از آنها بود. اما در سیاست‌های جدید، که هنوز جزئیات آن اعلام نشده ولی احتمالاً از گفته‌های پراکنده و پرحرفی‌های نابهنگام می‌توان آن را حدس زد، بی‌حجابی را با زیان اقتصادی همراه می‌کنند.»

به عقیده محمدرضا جوادی یگانه «تجربه تاریخی پیوند زدن پوشش زنان با منافع اقتصادی خود زنان و شوهرانشان، چه در کشف حجاب دوره پهلوی اول و چه در سیاست‌های استخدامی چند دهه اخیر، نشان از احتمال موفقیت کوتاه‌مدت آن دارد.»

این جامعه‌شناس گفته است «برخی می‌گویند دوربین اینقدر نیست که بتواند ماجرای حجاب را یکسره کند. اما مسئله بر سر احتمال است. هر کسی در هر لحظه احتمال دارد مجازات شود، چه خودش چه همسرش و چه مغازه‌ای که از آن خرید می‌کند. اعمال این سیاست، به هر اندازه که باشد هم منجر به ترس و هم منتهی به تحقیر و خشم خواهد شد.»

اینهمه در حالیست که محمد مهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد دولت سیزدهم در یک سخنرانی در جمع «فعالان حوزه حجاب و عفاف» گفت که «در حوزه حجاب و عفاف حداقل اقدامات سلبی در کنار اقدامات گسترده ایجابی الزامی است، زیرا نمی‌توان با دسیسه‌ها و توطئه‌های پیچیده امنیتی دشمن، تنها با نگاه فرهنگی مقابله کرد.»

طرح جدید جمهوری اسلامی با عنوان «حجاب و عفاف» پیش از آغاز سال جدید خورشیدی از سوی نمایندگان مجلس شورای اسلامی و با مشورت دستگاه‌ها انتظامی و قضایی تدوین شد. بر اساس این طرح، زنان «بی‌حجاب» یا «بدحجاب» از جمله به انواع مجازات‌های نقدی و غیرنقدی از جمله ضبط گواهینامه و پاسپورت و جریمه نقدی ۵۰۰ هزار تا ۳ میلیون تومان محکوم می‌شوند.

و گفت: «بدیهی است که در برابر هر اقدام ضدقانونی، حاکمیت مکلف است تا با قدرت برخورد کند.»

او در ادامه با اشاره به اصول ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی گفت که هیچ شهروندی را نباید «به نام دین، مذهب و سلیقه از خدمات مختلف محروم کرد، اما کسی که ضدقانون عمل کند، حق اجتماعی خود را از دست می‌دهد.»

امام جمعه مشهد و پدرزن ابراهیم رئیسی در ادامه با اشاره به انتقادهای گسترده حقوقدانان مبنی بر غیرقانونی بودن محروم کردن زنان از حقوق اجتماعی به دلیل رعایت نکردن حجاب اجباری گفت: «بی‌حجاب به خاطر یک تصمیم سلیقه‌ای از خدمات اجتماعی محروم نمی‌شود بلکه به دلیل تخطی خود از قانون است که جریمه خواهد شد.»

نصیر حسینی امام جمعه شهر یاسوج نیز حجاب را «قانون خدا» نامید و مخالفان آن را کسانی خواند که روی موضوع شیطانی بی‌حجابی پافشاری می‌کنند. او گفت: «بی‌حجابی و ولنگاری موجب خواری و ذلت است دشمن پشت این ولنگاری است همه ما باید مراقب باشیم. دشمن می‌داند که در سایه حجاب و حیا انسان به خدا نزدیک شده و انسجام امت اسلامی حفظ می‌شود.»

در روزهای گذشته برخی حقوقدانان شیوه برخورد‌های سرکوبگرانه با شهروندان به بهانه حجاب از جمله تشویق شهروندان به آدم‌فروشی و خرچینی و جاسوسی علیه زنان و دختران بی‌حجاب را با قوانین جمهوری اسلامی مغایر ارزیابی کردند.

محسن برهانی دکترای حقوق جرم‌شناسی و که در حوزه علمیه قم تحصیل کرده، در پاسخ به اظهارات امام جمعه مشهد سلب بخشی از حقوق اجتماعی را نیازمند قانون خواند. او در توثیقی نوشت «قانون مجازات اسلامی بی‌حجاب‌ها را از حقوق اجتماعی محروم نمی‌کند.»

محمدرضا فقیهی حقوقدان و وکیل دادگستری در گفتگو با روزنامه «هم‌میهن» گفته که «شهروندان، گماشته یا ضابط نیروی انتظامی نیستند و اساساً چنین شائبی ندارند که بخواهند رفتار یا پوشش ساکنان یک مجتمع را به نهادهای قضایی گزارش دهند. اگر چنین موضوعی را به رسمیت بشناسیم، تنش شدیدی در مناسبات و روابط مردم ایجاد کرده‌ایم.»

به گفته فقیهی «در این صورت هر روز در مجتمع‌های

خسرو رزمجویی فرمانده انتظامی جهرم نیز گفته که پلمب ۲۶ واحد صنفی این شهرستان به دلیل فعالیت غیرمجاز و عدم رعایت شئونات و ضوابط قانونی صورت گرفته و همزمان به ۱۵۸ مورد از اصناف دیگر نیز تذکر و از ۶۳ مورد آنها تعهد گرفته شد.

وبسایت روزنامه شرق روز جمعه اول اردیبهشت از پلمب یک رستوران در منطقه ونک تهران خبر داد و نوشت که این رستوران متعلق به امیر قلعه‌نویی سرمربی تیم ملی فوتبال ایران است که در حال حاضر به شخص دیگری اجاره داده شده است.

دادستان استان اصفهان نیز از امضای تفاهم‌نامه‌ی سه‌جانبه میان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دادگستری و ستاد امر به معروف و نهی از منکر این استان برای برخورد با «کشف حجاب» خبر داده است.

محمد موسویان دادستان اصفهان توضیح داده که «بر اساس این تفاهم‌نامه تیم‌های برخورد با هنجارشکنان کشف حجاب در اماکن عمومی تشکیل می‌شود.»

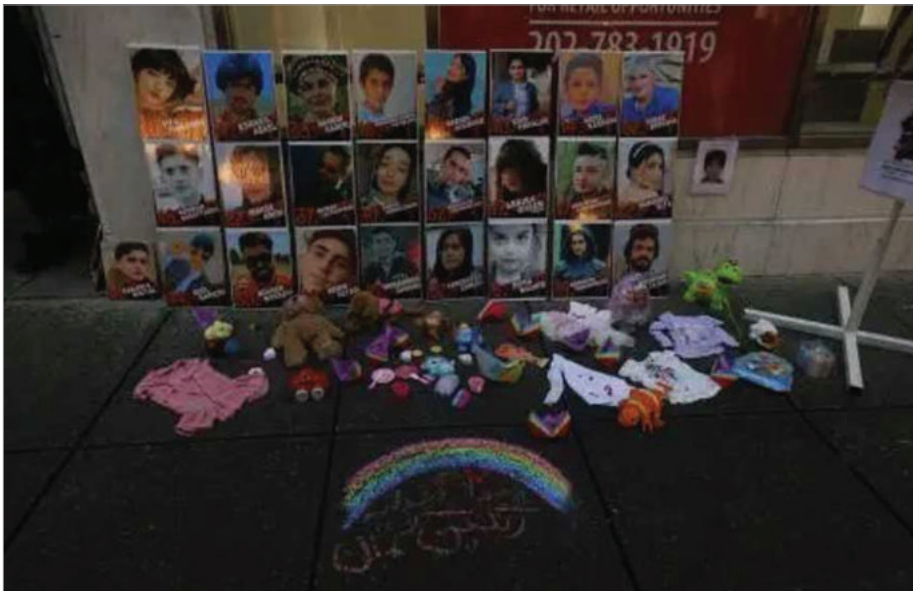
این مقام قضایی در ادامه هشدار داده که با «واحدهای صنفی هم که شئونات اسلامی را رعایت نکنند، چه متصدیان کشف حجاب کنند و چه خدمات به کشف حجاب‌کننده بدهند برخوردی جدی خواهد شد.»

فرمانده نیروی انتظامی استان اصفهان گفته است: «از همه گروه‌های مردمی، بسیج و آحاد مردم می‌خواهیم با توجه به وضعیت موجود به صورت گروهی در خصوص مبارزه با هنجارشکنی‌ها در جامعه ما را یاری کنند.»

تمامی فشارها در حالیست که هر روز زنان بیشتری در ایران با برداشتن حجاب اجباری و بدون پوشش مورد نظر جمهوری اسلامی در اماکن عمومی و خیابان‌ها حاضر شده و بزرگترین نافرمانی مدنی سال‌های اخیر در ایران را پیش می‌برند. مقامات حکومتی نیز در اظهارات تهدیدآمیز همچنان تلاش دارند تشدید برخوردهای سرکوبگرانه به بهانه حجاب ادامه پیدا کند. جواد کریمی قدوسی نماینده مجلس و عضو پیشین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سخنانی عجیب مدعی شد بهائیان کشف حجاب‌ها را طراحی کرده‌اند.

احمد علم‌الهدی امام جمعه مشهد نیز روز جمعه ۲ اردیبهشت در سخنرانی خود به مناسبت «عید فطر» بار دیگر خواستار اجرای جدی «قانون حجاب و عفاف» شد

گزارش «دیده بان حقوق بشر» از قتل و شکنجه سازمانیافته کودکان توسط حکومت در اعتراضات سال گذشته



افراد دیگر برای ۲۱ روز در بازداشتگاه پاستور در حبس به سر بردند و تحت شکنجه قرار گرفتند. بازجویان این پسر را تحت فشار گذاشتند تا علیه پدرش صحبت کند و اطلاعاتی درباره او در اختیار آنها قرار دهد.

پسر بعداً گفت که او توان راه رفتن نداشت زیرا کف پاهای او هدف ضرب و جرح قرار گرفته بود. مقامات «آلت تناسلی او و دیگران را لمس کردند و به آنها شوک الکتریکی وارد کردند، و آنها را به تجاوز با لوله‌ای پلاستیکی، و مرگ، تهدید کردند».

گزارش‌های منابع محلی حاکی از این هستند که یک پسر ۱۷ ساله دیگر هم تحت شکنجه قرار گرفته است، و یک رسانه نزدیک به نهادهای اطلاعاتی جمهوری اسلامی اعتراضات اجباری جعلی این پسران را منتشر کرد که در آن می‌گفتند به سمت ماشین‌های پلیس شلیک کرده‌اند.

مقامات بازداشتگاه مرتباً به بازداشت‌شدگان قرص مسکن می‌دادند و اولین نوجوان قرص‌ها را جمع کرد و همه را با هم خورد تا خودکشی کند. این منبع گفته که «او در بیمارستان بیدار شد، و برای بار دوم با خوردن صابون و شامپو [برای خودکشی] تلاش کرد». طبق گزارش‌ها، در ماه نوامبر یک نوجوان پس از شکنجه شدن در تبریز خودکشی کرد. در اواخر ژانویه این پسر و دیگر افراد گروه به کانون اصلاح و تربیت واقع در زندان مرکزی زاهدان منتقل شدند. این منبع گفت که مقامات به پسر اول و برادرش گفته بودند که «گروگان هستید تا پدرتان را بگیریم».

در بخش دیگری از این گزارش تکانه‌دهنده یک دختر دانش‌آموز مدرسه راهنمایی گفته که او در نوامبر ۲۰۲۲ (آبان ۱۴۰۱) در جریان یورش به خانه یکی از بستگانش در غرب ایران دستگیر شد. چند کودک دیگر هم ظاهراً در پاسخ به یک تلاش برای ایجاد حریق عمدی در جریان اعتراضات دستگیر شده بودند، که به گفته او مأموران امنیتی «می‌دانستند هیچ ربطی به ما نداشت، با وجود این چنان کتک‌ها زدند که اعتراض کنیم که ما آتش را راه انداختیم».

این نوجوان گفته که نیروهای امنیتی مسلح از

داده‌اند و سبب آتش گرفتن لباس‌های او شده‌اند، و در جریان بازجویی او را کتک و شلاق زده‌اند.

بازجوها پسری دیگر را با وارد کردن سوزن به زیر ناخن‌هایش شکنجه کرده‌اند. دو کودک شکنجه شده‌اند تا محل اقامت اعضای خانواده‌شان را ارائه کنند. یک شانزده ساله پس از کتک خوردن، شوک الکتریکی، و تعرض جنسی دو بار تلاش کرده است تا جان خود را بگیرد.

مقامات حکومتی از ارائه مراقبت پزشکی به کودکان مجروح شده به دست نیروها امتناع کرده‌اند. یکی از این موارد پسری ۱۳ ساله بود که در جریان ضرب و جرح دچار شکستگی دنده شده بود. مأموران، اعضای خانواده‌ها را تهدید کرده‌اند تا درباره این آزارها سکوت کنند.

سازمان دیده‌بان حقوق بشر تأکید کرده که بر اساس قوانین جمهوری اسلامی کودکان تنها باید توسط دادستان‌های ویژه کودکان مورد بازپرسی قرار گیرند و تنها در دادگاه‌های نوجوانان محاکمه شوند اما در یک مورد که شامل ۱۶ متهم از سه کودک می‌شد، رئیس قوه قضاییه یک قاضی دادگاه انقلاب، که روحانی است، را به عنوان مستشار دادگاه کفوری یک ویژه رسیدگی به جرایم نوجوانان منصوب کرده است. اما هیچ یک از متهمان از حفاظت‌های مربوط به دادگاه نوجوانان برخوردار نبودند یا اجازه استخدام وکیل منتخب خود را پیدا نکرده‌اند، و کودکان به ۲۵ سال زندان محکوم شدند. دادگاه عالی جمهوری اسلامی حکم این سه پسر را نقض کرده است اما دستور به محاکمه دوباره آنها به دست همان قاضی داده است که آنها را به ۵ و ۱۰ سال زندان محکوم کرده است.

یک وکیل ایرانی نیز به سازمان دیده‌بان حقوق بشر گفته که او از ۲۸ کودک خبر دارد که متهم به محاربه و افساد فی الارض شده‌اند؛ اتهاماتی مبهم که می‌توانند منجر به صدور حکم اعدام یا صدور حکم قطع دست راست و پای چپ شوند.

یک منبع مطلع نیز دستگیری پسری ۱۷ ساله و برادر ۱۹ ساله‌اش در زاهدان را تأیید کرده و گفته که آنها در کنار

● دانش‌آموزان آزاد شده از بازداشت از بازگشت به مدرسه منع شده‌اند یا مقامات پوشش حمایت اجتماعی خانواده‌هایشان را قطع کرده‌اند که منجر به اشتغال کودکان شده است.

● سرکوب کودکان بازداشت شده در اعتراضات در قالب مجموعه‌ای از نقض‌های جدی حقوق کودک از جمله شکنجه، تعرض جنسی، ناپدیدسازی و قتل رخ داده است.

● یکی از بستگان پسری ۱۷ ساله گفته که مأموران او را مورد ضرب و جرح و تعرض جنسی قرار داده‌اند و سبب جراحت در سراسر بدن او و خونریزی مقعدی شده‌اند.

● مقامات حکومتی از ارائه مراقبت پزشکی به کودکان مجروح شده به دست نیروها امتناع کرده‌اند. یکی از این موارد پسری ۱۳ ساله بود که در جریان ضرب و جرح دچار شکستگی دنده شده بود.

سازمان دیده‌بان حقوق بشر در گزارشی تحقیقی از سرکوب سازمانیافته کودکان توسط جمهوری اسلامی در اعتراضات سال گذشته خبر داده است. این سرکوب در قالب مجموعه‌ای از نقض‌های جدی حقوق کودک از جمله شکنجه، تعرض جنسی، ناپدیدسازی و قتل رخ داده است.

سازمان دیده‌بان حقوق بشر در گزارشی تحقیقی با عنوان «ایران: نیروهای امنیتی کودکان را می‌کشند، شکنجه می‌کنند، معترضان جوانی به‌طور غیرقانونی بازداشت شدند» به سرکوب سازمانیافته کودکان در اعتراضات سال گذشته پرداخته است.

در این گزارش تکانه‌دهنده که به صورت تحقیقی از جمله گفتگو با نزدیکان و اعضای خانواده کودکان سرکوب شده تنظیم شده آزارها علیه ۱۱ کودک بین سپتامبر ۲۰۲۲ (شهریور ۱۴۰۱) و فوریه ۲۰۲۳ (بهمن ۱۴۰۱) را مورد تحقیق قرار داد، و جزئیات جدیدی از پرونده‌های گزارش شده پیشین مستند کرد.

سازمان دیده‌بان حقوق بشر تأکید کرده که «مقامات جمهوری اسلامی بر خلاف حفاظت‌های حقوقی کودکان را تحت بازداشت، بازجویی، و پیگرد قرار داده‌اند و قضات خانواده کودکان را از به کارگیری وکلای منتخب خود برای دفاع از آنها باز داشته‌اند، کودکان را با اتهامات مبهم محکوم کرده‌اند، و آنها را خارج از دادگاه‌های نوجوانان مورد محاکمه قرار داده‌اند که اختیار منحصر به فرد قضایی در حوزه کودکان را دارا هستند».

این گزارش افزوده که نیروهای امنیتی کودکان را بدون اطلاع به خانواده‌شان دستگیر کرده و بعضاً برای هفته‌ها در بازداشت نگاه داشته‌اند. دانش‌آموزان آزاد شده از بازداشت از بازگشت به مدرسه منع شده‌اند یا مقامات پوشش حمایت اجتماعی خانواده‌هایشان را قطع کرده‌اند که منجر به اشتغال کودکان شده است.

دیده‌بان حقوق بشر اقدامات محدودکننده، چشم‌پند زدن، و شکنجه کودکان در بازداشت را مستند کرده است. یکی از بستگان پسری ۱۷ ساله گفته که مأموران او را مورد ضرب و جرح و تعرض جنسی قرار داده‌اند و سبب جراحت در سراسر بدن او و خونریزی مقعدی شده‌اند.

یک دانش‌آموز دبیرستانی نیز گفته که نیروهای امنیتی در جریان دستگیری او را به سمت اجاق گازی روشن هل

جان باختن یک زن پس از درگیری بر سر حجاب اجباری در ماهان کرمان؛ زن بسیجی: همیرون به درک!



درگیری در محوطه «باغ شاهزاده» / کرمان

۶۰ ساله نیز جان سپرد. منابع حکومتی می‌گویند آن زن «سکته» کرده اما شاهدان عینی گزارش دادند به سر و صورت او ضربه وارد شده است.

پس از انتشار ویدئوی این درگیری برخی رسانه‌های داخلی ادعا کردند این ویدئو مربوط به یک «نزاع خانوادگی» است. حتا علی بابایی فرماندار کرمان گفت که علت نزاع «مسائل شخصی» بوده و همه این افراد مسافر بودند!

در ویدئویی که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده و از داخل اتوبوس حامل بسیجیان فیلمبرداری شده دیده می‌شود که شهروندان خشمگین به سمت اتوبوس آنها سنگ پرتاب می‌کنند.

همچنین یکی از زنان سرنشین در پاسخ به زن دیگری که حال زن مصدوم را می‌پرسد می‌گوید: «همیرون به درک!» اینهمه در حالیست که پیشتر مهدی فرجی مشاور فرمانده سپاه پاسداران همدان، به خبرگزاری مهر گفته بود «موضوع عفاف و حجاب با درایت رهبر انقلاب اسلامی و مسئولان رفع خواهد شد!»

در طرح جدید حکومت برای مقابله با «بی‌حجابی» آمران به معروف بطور نیابتی از سوی حکومت و نیروهای سرکوبگر آن عمل می‌کنند و بجای «گشت ارشاد» حالا مانند سال‌های اوایل پیروزی انقلاب اسلامی دوباره «بسیج مردمی» در خط اول قرار گرفته شده با این تفاوت که اکنون مردم در برابر این اقلیت مزدبگیر رژیم مقاومت می‌کنند. همچنین گزارش شده در بعضی از استان‌ها قوه قضائیه با همکاری پلیس و سپاه شعب «کشف حجاب» تشکیل داده است.

● تذکر بسیجی‌ها به مردم در محوطه «باغ شاهزاده» ماهان کرمان منجر به درگیری شد.

● در این درگیری یک زن حدود ۶۰ ساله جان باخت. شاهدان عینی می‌گویند به سر و صورت این زن ضربه خورده اما مقامات و رسانه‌های حکومتی ادعا کرده‌اند بر اثر «ایست قلبی» جان سپرده است.

● کانال‌های تلگرامی نزدیک به سپاه پاسداران گزارش دادند بسیجی‌ها مسافران یک اتوبوس و «زائران حاج قاسم» بودند.

● بر اساس ویدئویی که از این درگیری منتشر شده یکی از زنان سرنشین اتوبوس در پاسخ به زن دیگری که حال زن مصدوم را می‌پرسد می‌گوید: «همیرون به درک!»

در واکنش به کشته شدن یک زن در جریان کارزار حامیان رژیم برای «تذکر لسانی» به بی‌حجاب‌ها در استان کرمان یوسف سبحانی رئیس حوزه قضایی منطقه «ماهان» اعلام کرد که تحقیقات درباره درگیری در «باغ شاهزاده» ماهان آغاز شده است.

روز یکشنبه سوم اردیبهشت گروهی مسافر در حال بازدید از منطقه گردشگری شهر ماهان «باغ شاهزاده» بودند که یک اتوبوس از حامیان نظام که گفته می‌شود از محل دفن قاسم سلیمانی باز می‌گشتند به همان محل رسید. در پی تذکر مسافران اتوبوس به مردم میان آنها درگیری شد.

وبسایت‌های وابسته به سپاه پاسداران نوشته‌اند مسافران آن اتوبوس «زائران حاج قاسم» بودند. در این درگیری شماری زخمی شدند و یک زن حدود

چندین ماشین «بیرون ریختند» و با خشونت او را دستگیر و مجروح کردند. مقامات او را به دفتر اطلاعات محلی بردند، او را به صندلی بستند، به او چشم‌بند زدند، و یک کیسه روی سر او کشیده شد.

او گفت سه مأمور از ساعت یازده صبح تا سه بعد از ظهر از او بازجویی کردند و با باتوم «پهلوها، گردن، و کمر به پایین، و بعد با شلاق مچ پاهایم را زدند». دو مأمور دیگر آمدند و او را از ساعت سه تا یازده بعد از ظهر مورد بازجویی قرار دادند و اگر پاسخ نمی‌داد یا درنگ می‌کرد او را مورد ضرب و جرح قرار می‌دادند. او می‌توانست صدای کودکان دیگر در اتاق کناری را بشنود. از جمله پسری ۱۶ ساله که می‌شناخت و بعداً فهمید به شدت مورد ضرب و شتم و شوک الکتریکی قرار گرفته است.

او گفت آن شب به یک زندان زنان منتقل شد و برای هفت روز از ۹ صبح تا ۹ شب مورد بازجویی قرار گرفت. به گفته او «فقط وقت نهار تو را به سلول می‌فرستند تا چیزی بخوری و دوباره به بازجویی بروی. آنها کتکت می‌زنند اما بیشتر آزارشان توهین کردن و تکرار ۳۰ باره همه سوال‌ها بود».

او یک ماه در زندان زنان باقی ماند و سپس خانواده‌اش اجازه پیدا کردند روزی دو بار با او تماس بگیرند. با نقض قوانین حقوق کودک ایران و بین‌المللی، او در کنار بزرگسالان نگهداری می‌شد.

او می‌گوید با وثیقه آزاد شده و در انتظار محاکمه برای اتهامات «تخریب، تبانی، توهین به رهبری، کونکول مولوتف، نوشتن شعار، کشف حجاب، هدایت [اعتراضات]، اقدام علیه امنیت ملی و نظام، و تحریک افراد به قتل» است و در حال حاضر «تحت نظر» است. طبق گزارش‌ها دادستانی به خانواده اجازه استخدام وکیل مدافع را نداده است او می‌گوید با اتهام محاربه مواجه است.

نوجوان دیگری به طرز هولناکی مورد شکنجه جسمی قرار گرفته است: «سوزن زیر ناخن [پسر] فرو کرده بودند و او را با مشت، لگد، و باتوم مورد ضرب و جرح قرار داده بودند. بعد او را به اتاقی بردند که در آن دو صندلی و یک میز بود. او را به صندلی بسته بودند و او گفت سرنگی آورده بودند که در بازویش فرو کرده و بدون این که بگویند چیست به او گفته بودند اگر تزریق کنیم یا می‌میری یا فلج می‌شوی. سه یا چهار نفر او را کتک می‌زدند، و بعد می‌رفتند. بعد از پنج دقیقه نفرات جدیدی می‌آمدند و او را کتک می‌زدند.»

این پسر نوجوان بارها به اعدام تهدید شده است: «آنها ساعت ۲ و ۳ صبح می‌آمدند و بیدارش می‌کردند و می‌گفتند برویم، می‌خواهیم اعدامت کنیم.»

عضو خانواده پسر نوجوان به دیده‌بان حقوق بشر گفته که این نوجوان بعد از آزادی «کابوس می‌دید و وقتی بیدار می‌شد فقط به دیوار نگاه می‌کرد. افسرده شده بود».

دیده‌بان حقوق بشر افزوده که مقامات جمهوری اسلامی در تلاش هستند تا خانواده دیگر کودکان کشته شده یا مجروح شده به دست نیروهای امنیتی را ساکت کنند، از جمله اسرا پنهانی ۱۵ ساله که در ۱۲ اکتبر در مدرسه‌اش هدف ضرب و جرح مرگبار قرار گرفت، هستی حسین پنهانی ۱۶ ساله که از ۹ نوامبر و برده شدن از مدرسه‌اش و ضرب و جرح در کما به سر می‌برد، کیان پیرفلک ۹ ساله که در ۱۶ نوامبر هدف شلیک مرگبار قرار گرفت، و بهراد مرادی ۱۶ ساله که طبق خبرها و عکس‌های منتشرشده در شبکه‌های اجتماعی در ۲۳ نوامبر هدف گلوله قرار گرفت و دچار خونریزی داخلی شد و در ۳ دسامبر در حالی که هنوز ساچمه در سرش داشت از بیمارستان مرخص شد.

بازنشر

«لغت جن»! کتابگزاری درباره «قتل کسروی» به مناسبت درگذشت ناصر پاکدامن

● عبدالحسین هژیر، وزیر دربار و نخست وزیر وقت که پس از قتل کسروی به گفته ایرج اسکندری معتقد بود که کسروی «مهدورالدم» و قتل او صحیح بوده و خود قاتل تشخیص می‌دهد که چه کسی مهدورالدم است، چهار سال بعد در ۱۳ آبان ۱۳۲۸ توسط سیدحسین امامی، یکی از قاتلان احمد کسروی «مهدورالدم» شناخته شد و در مراسم عزاداری ماه محرم در مسجد سپهسالار به قتل رسید!

● قتل کسروی در واقع اعلام تشکیل جمعیت «فداییان اسلام» بود تا چهل سال بعد با صدور فتوای قتل سلمان رشدی، بین تمامی قتل‌هایی که به دلیل بیان اندیشه و نقد انجام می‌گیرد، پیوندی تاریخی برقرار سازد و ناشکیبایی دینی را به خشن‌ترین شکل ممکن به نمایش بگذارد.

● در سال ۱۳۲۲ حاج آقا حسین قمی که از بزرگان دنیای تشیع در آن زمان بود به ایران آمد و از دولت خواست که کشف حجاب اجباری نباشد، مدارس مختلط تعطیل شوند، تعلیمات دینی به دروس دبستان و دبیرستان افزوده و دست حوزه‌های علمیه باز گذاشته شود. کسروی دو سال بعد گروه‌هایی را که دم از مبارزه با ارتجاع می‌زدند ولی از این سفر استقبال کردند به باد انتقاد گرفت و خطاب به حزب توده نوشت: «ما فراموش نکرده‌ایم که هنگامی که آقا حسین قمی را به آن ترتیب خاص برای تقویت ارتجاع به ایران می‌آوردند شما در روزنامه خود تبلیغی بی‌اندازه از او نمودید و او را «اولین شخصیت دینی» نامیدید... آیا این تقویت ارتجاع نیست؟ اگر شما این را نپذیرید من ناچار خواهم شد بگویم شما معنی ارتجاع را نمی‌دانید!»

● خمینی کتاب «شیعیگری» را که علیه خرافات شیعیان نوشته شده در سال ۱۳۲۳ «آن کتاب ننگین با آن اسم شرم‌آور که گویی با لغت جن نوشته شده» خواند و نویسنده‌اش را «یک نفر تبریزی بی‌سر و پا» نامید.

الاهه بقرط - چاپ اول «قتل کسروی» توسط انتشارات افسانه در سوئد و در تابستان ۱۳۷۷ منتشر شد. ناصر پاکدامن در چاپ دوم تصحیحاتی انجام داده و ضمائم بر آن افزوده است. کتاب از سه بخش اصلی و دو بخش ضمائم تشکیل شده که با اسناد و کلیشه چند دست‌نوشته کسروی نیز همراه است.

«قتل کسروی» از ناصر پاکدامن قتل کسروی

ناصر پاکدامن

چاپ دوم؛ انتشارات فروغ؛ آلمان پاییز ۱۳۸۰

پیشگفتار داریوش کارگر بر چاپ اول که در انتهای این کتاب آمده، با وجود توضیحاتی که ناصر پاکدامن در «یادداشت برای چاپ دوم» داده است، بهتر می‌بود که در آغاز چاپ دوم می‌آمد. کارگر در این پیشگفتار به این نکته اشاره می‌کند که دو مقاله نخست در «نامه کانون نویسندگان ایران در



احمد کسروی

برای جلوگیری از «تکرار»، مطالعه کتاب را با بخش سوم آغاز کند، بهتر این می‌بود خود پاکدامن حوصله به خرج می‌داد و با یکدست کردن این سه مقاله، از آنها یک متن تحقیقی و بدون تکرار ارائه می‌کرد.

به دو نکته کوچک نیز باید اشاره کرد: یکی اینکه زمان دستوری به ویژه در دو مقاله نخست ناممگون است و خواننده گاه وقایع گذشته را در زمان گذشته و گاه با استفاده از زمان حال می‌خواند. دیگر اینکه پاکدامن گاه با جمله‌های معترضه مانند «حاج مهدی خط امام! افشا کن! افشا کن!» و یا «جل‌الخالق!» از روال پژوهشی متن خارج می‌شود.

برای آشنایی با افکار کسروی قطعاً می‌بایست به آثار خود وی مراجعه کرد. لیکن کتاب «قتل کسروی» علاوه بر آنکه شمایی کلی از افکار کسروی و نیز نقد شیعیگری به دست می‌دهد (از جمله سیزده پرسش بسیار خواندنی که از سوی علی اکبر حکمی‌زاده فرزند یکی از روحانیان قم در جزوه «اسرار هزار ساله» مطرح می‌شود و تا به امروز هم گریبان حکام نظام اسلامی را گرفته است) در عین حال مجموعه‌ای است ارزشمند از اسناد و مدارکی که پیرامون ترور این اندیشمند بی‌پروای ایرانی منتشر شده است.

ناشکیبایی دینی

پاکدامن از صدور فتوای قتل سلمان رشدی نویسنده انگلیسی هندی‌تبار توسط آیت‌الله خمینی در سال ۱۹۸۸ به اندیشه درباره چگونگی و علل قتل احمد کسروی می‌رسد. ولی چیز زیادی از قتل کسروی نمی‌داند. می‌نویسد: «... به ابهام می‌دانستم که در کاخ دادگستری صورت گرفت و به دست فداییان اسلام. دقیق‌تر از این چیزی به یاد مانده بود. شرم آمد. چرا هیچ به یاد نمی‌آوردم؟ چرا همه زمان ←

تبعید» (دفترهای ۲ و ۴) منتشر شده است. متن سوم هنگامی تهیه شد که داریوش کارگر تصمیم گرفت آن دو مقاله را به مناسبت پنجاهمین سال قتل کسروی به شکل کتاب منتشر کند. به این ترتیب کتاب «قتل کسروی» مجموعه سه مقاله است به نام‌های «درباره قتل کسروی»، «باز هم درباره قتل کسروی» و «قتل عمد در عدلیه».

پاکدامن یادآوری می‌کند که پنج نامه کسروی که در ضمیمه جدید به چاپ رسیده‌اند برای نخستین بار است که منتشر می‌شود. تصویری از کسروی به هنگام مطالعه و نیز عکس اجساد خونین او و محمد تقی حدادپور نیز در کتاب آمده است. ناصر پاکدامن در یادداشت خود می‌نویسد: «واضح است که بخش‌های پنجگانه کتاب موضوع یگانه‌ای دارد و این تحقیقات تاریخی و تکمیلی کوششی است برای بهتر شناختن و شناساندن موضوع مورد بحث. اما همین نحوه کار، اگر خواننده را با تکوین و اجرا و تکمیل یک طرح تحقیقی آشنا می‌کند می‌تواند او را هم در میان راه خسته کند تا در احساسی از تکرارخوانی کتاب را ببندد. شاید برای رهایی از چنین حالی، بهتر این باشد که مطالعه کتاب را با بخش سوم آن آغاز کرد و سپس به بخش‌های اول و دوم پرداخت.»

اتفاقاً «این نحوه کار» نقطه ضعف کتاب «قتل کسروی» است و اشاره نویسنده به این نکته آن را منتفی نمی‌کند. پاکدامن دو مقاله را قبلاً نوشته و بعد که به منابع و اسناد بیشتری دست پیدا کرده، مقاله سوم را به شکلی جامع‌تر تنظیم کرده است. بنابراین بجای چاپ سه مقاله و توصیه به خواننده - که برای پی بردن به دلایل تاریخی و سیاسی قتل کسروی کتاب را به دست گرفته و شاید اصلاً مایل نباشد «با تکوین و اجرا و تکمیل یک طرح تحقیقی آشنا» شود - که

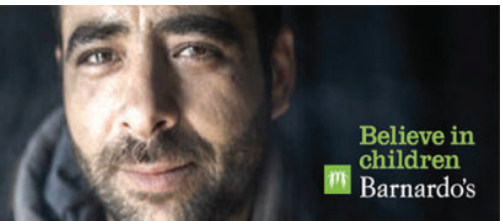
Boloh مشاوران سازمان کمک‌دهنده

با تسلط به زبان مادری شما، همواره آماده همکاری و کمک به متقاضیان بزرگسال پناهندگی در بریتانیا هستند.

لطفاً با شماره تلفن:

۰۸۰۰۱۵۱۲۶۰۵

تماس بگیرید.



Believe in children
Barnardo's

→ در هر سالگرد، هیچکس یادآوری نکرده است؟ این احساس و پرسشی است که قطعاً بسیاری از ایرانیان در طرح آن با ناصر پاکدامن هم‌زبانند.

نسبت به آثار و افکار کسروی و نیز نسبت به دلایل قتل او نه در رژیم گذشته توجه شایان شد و نه گروه‌های مختلف سیاسی حساسیت ویژه نشان دادند. به این دلیل می‌گویم

فدایی اسلام بعداً پول تهیه کرد و تپانچه خرید! بار دوم در ۲۰ اسفند ۱۳۲۴ بود که کسروی به دادگستری احضار شده بود و در همانجا توسط دو برادر به نام‌های علیمحمد امامی و سیدحسین امامی به طرزی فجیع به قتل رسید. محمود هرمز در «ایران ما» می‌نویسد: «بدن کسروی پر از زخم گلوله و کارد بود. تا آنجا که من توانستم



پیکر احمد کسروی و منشی‌اش حدادپور در صحن دادگستری

«حساسیت ویژه» زیرا احمد کسروی گذشته از نظرات افراطی که در برخی از زمینه‌ها مانند کتابسوزی داشته و گذشته از «خودشیفتگی» و «دین‌آوری» که گذشت زمان نشان داد نه نیازی به آن است و نه جهان روی بدانسوی دارد، یکی از برجسته‌ترین متفکران منتقد معاصر ایران است. راست‌ها همچنان به «مذهب رسمی ایران» در قانون اساسی چسبیدند و همچون زمان حیات کسروی در «کمپانی خیانت» با «ملایان دکانداری» همصدا شدند. چپ‌ها نیز از مباحث مهم و بنیادینی که کسروی مطرح می‌کرد، نه یک دنیا بلکه چندین دنیا دور بودند!

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به قدرت رسیدن اخلاف نواب صفوی، بر حجم روایات پیرامون احمد کسروی افزوده شد. مادر کتاب «قتل کسروی» با روایت‌های مختلف از سوی موافقان و مخالفان او آشنا می‌شویم که «روایات حزب‌اللهی» در این میان جای خود را دارند. برای نمونه از قول نواب صفوی می‌گویند: «آخرین دفعه که با کسروی گلاویز شدم در خیابان بود... من سعی داشتم که نه نعلینم از پایم در بیاید و نه عبایم از دوشم بیفتد... چون آخوندها معروف بودند که نمی‌توانند عبا و نعلین خودشان را جمع کنند!» البته این روایت جعلی است و نواب صفوی به شهادت خود احمد کسروی در آن روز لباس آخوندی به تن نداشته است.

ناصر پاکدامن با تحلیل شرایط سیاسی و اجتماعی ایران در دهه بیست از جمله رضاخان‌زدایی، شیوع خرافات، شرایط زنان و وضعیت فجیع اقلیت‌های دینی مانند یهودیان و بهاییان به تصویر موقعیتی می‌پردازد که از یکسو کسروی در آن به بیان اندیشه‌های خود می‌پرداخت و از سوی دیگر، بیان همین اندیشه‌ها به قتل وی انجامید.

احمد کسروی دو بار مورد سوء قصد قرار گرفت. یکبار خود نواب صفوی (سیدمجتبی میرلوحی) در روز ۸ اردیبهشت ۱۳۲۴ در خیابان حشمتیه دو بار از پشت به کسروی شلیک کرد و چون گلوله سوم گیر کرد، با وی گلاویز شد. کسروی از این حمله جان به در برد. البته نواب صفوی پیش از این هم سه روز در مسیر عبور کسروی در پشت مسجد لاله‌زار کمین کرده بود تا با شمشیر وی را به قتل رساند که به دلیل سرماخوردگی و در خانه ماندن وی موفق نمی‌شود! این

اندیشمند بی پروا

در سال ۱۳۲۲ حاج آقا حسین قمی که از بزرگان دنیای تشیع در آن زمان بود به ایران آمد و از دولت خواست که کشف حجاب اجباری نباشد، مدارس مختلط تعطیل شوند، تعلیمات دینی به دروس دبستان و دبیرستان افزوده و دست حوزه‌های علمیه باز گذاشته شود. کسروی دو سال بعد گروه‌هایی را که دم از مبارزه با ارتجاع می‌زدند ولی از این سفر استقبال کردند به یاد انتقاد گرفت و خطاب به حزب توده نوشت: «ما فراموش نکرده‌ایم که هنگامی که آقا حسین قمی را به آن ترتیب خاص برای تقویت ارتجاع به ایران می‌آوردند شما در روزنامه خود تجلیلی بی‌اندازه از او نمودید و او را «اولین شخصیت دینی» نامیدید... آیا این تقویت ارتجاع نیست؟ اگر شما این را نپذیرید من ناچار خواهم شد بگویم شما معنی ارتجاع را نمی‌دانید!»

از قضای روزگار عین همین ماجرا در مورد آیت‌الله خمینی تکرار شد که کتاب روشنگر «شیعیگری» را که علیه خرافات شیعیان نوشته شده در سال ۱۳۲۳ «آن کتاب ننگین با آن اسم شرم‌آور که گویی با لغت جن نوشته شده» خواند و نویسنده‌اش را «یک نفر تریزی بی‌سر و پا» نامید.

دانش و بی‌پروایی لازمه نقد است و کسروی از این هر دو بهره‌ای فراوان داشت تا جایی که دشمنان وی نیز بدان معترفند. شاید امروز ایرانیان پس از بیست و سه سال حکومت ملا و آخوند و مذهب «شیعه جعفری اثنی عشری» که کسروی علیه خرافه‌پرذاری‌های آن بپا خاست و جان بر سر آن نهاد، اندیشه و آثار او را بهتر درک کنند. به ویژه آنجا که می‌گوید: «ملایان سررشته داری [حکومت] را هم از آن خود می‌شمارند ولی سررشته داری نه کاری است که گروهی بی سر و سامان به آن توانند برخاست!»

او ملایان را «مردم‌آزار» می‌دانست و می‌گفت: «این مردم‌آزاری ملایان از آنجا برخاسته که یک کار «مشروعی» در زندگانی توده‌ای نمی‌دارند: نه بافنده‌اند، نه ریسنده‌اند، نه سازنده‌اند، نه کارنده‌اند، نه دوزنده‌اند، نه می‌خرند و نه می‌فروشند. یک جمله بگویم: هیچ‌کاره‌اند. قانون‌ها نیز جایی برای ایشان در میان توده باز نکرده و کاری به آنان نداده. خودشان می‌گویند: «پیشوایان دینیم به مردم دین می‌آموزیم». ولی اینهم دروغ است. زیرا چیزهایی را که آنان می‌آموزند مردم خودشان از پیش می‌دانستند. اینست چون کاری نمی‌دارند و بیکار هم نمی‌توانند نشست به مردم‌آزاری می‌پردازند.»

احمد کسروی با وجود دانش و قدرت تجزیه و تحلیل، از عمق جامعه خرافی ایران غافل بود. در نامه‌های او که ضمیمه چاپ دوم همین کتاب هستند می‌بینیم که با چه شور و امیدوی از «دست به دست» گشتن کتاب‌هایش و از افزایش «آزادگان» سخن می‌گوید. حال آنکه جامعه ایران همراه با کسانی که با ارتجاع به اصطلاح مبارزه می‌کردند و با همکاری دولتیان یا همان «کمپانی خیانت» می‌رفت تا سه دهه بعد به دامان «مردم‌آزاران هیچ‌کاره» و «ملایان دکانداری» در غلتد که فتوای قتل او را داده بودند!

بشمارم ۲۸ زخم عمیق دیدم. روده‌ها از شکافی که در سمت جلو و راست و پایین شکم وارد کرده بودند بیرون ریخته و گوشت‌های قسمتی از صورت و بدن آویزان بود.»

بعدها یکی از بلندپایگان دادگستری در مصاحبه‌ای می‌گوید که هیچ مسجد و گورستانی جنازه احمد کسروی را نمی‌پذیرفت. سرانجام پیکر کسروی و حدادپور را «به محل مرتفعی در میان کوه‌ها برده در یک حفرة‌ای که دو متر عمق داشته نزدیک یک درخت قرار داده و از روی جسد به بالا بدون سنگ لحد و غیره، سیمان ریختند و قبر وی هم هیچگونه نشان و علامتی ندارد.»

اینکه درباره این ترور چه گزارش‌هایی داده شد و چه مطالبی در روزنامه‌های آن دوران به چاپ رسید و چه دروغ‌هایی بر زبان مسلمانان از جمله خود نواب صفوی جاری شد، ماجرای است خواندنی که می‌باید به خود کتاب مراجعه کرد.

قاتلان کسروی همان روز دستگیر شده و به قتل اعتراف کردند. ولی با فشار روحانیت و «کمپانی خیانت» آزاد شدند. عبدالحسین هژیر، وزیر دربار و نخست‌وزیر سابق که پس از قتل کسروی به گفته ایرج اسکندری معتقد بود که کسروی «مه‌دورالدم» و قتل او صحیح بوده و خود قاتل تشخیص می‌دهد که چه کسی مه‌دورالدم است، چهار سال بعد در ۱۳ آبان ۱۳۲۸ توسط سیدحسین امامی، یکی از قاتلان احمد کسروی «مه‌دورالدم» شناخته شد و در مراسم عزاداری ماه محرم در مسجد سپهسالار به قتل رسید! قاتل که گویا آزادی پس از قتل کسروی به دهانش مژه کرده بود، همانجا دستگیر شد و به فاصله چهار روز محاکمه و اعدام گشت.

پس از قتل کسروی، آیت‌الله قمی در مورد قاتلان گفته بود: «عمل آنها مانند نماز از ضروریات بوده و احتیاجی به فتوا نداشته زیرا کسی که به پیغمبر (ص) و ائمه اطهار جسارت و هتاک کند قتلش واجب و خونش هدر است.»

قتل کسروی در واقع اعلام تشکیل جمعیت «فداییان اسلام» بود تا چهل سال بعد با صدور فتوای قتل سلمان رشدی، بین تمامی قتل‌هایی که به دلیل بیان اندیشه و نقد انجام می‌گیرد، پیوندی تاریخی برقرار سازد و ناشکیبایی دینی را به خشن‌ترین شکل ممکن به نمایش بگذارد.

* این کتاب‌گزاری نخستین بار خرداد ۱۳۸۱ / مه ۲۰۰۲ در کیهان لندن چاپ شد و اکنون به مناسبت درگذشت ناصر پاکدامن که یکشنبه سوم اردیبهشت ۱۴۰۲ بر اثر ابتلا به بیماری سرطان در سن ۹۱ سالگی در بیمارستانی در پاریس درگذشت، بازنشر شده است.

* مقاله «سال‌های موش صحرایی» سال ۲۰۰۷ (۱۳۸۶) در کیهان لندن منتشر شده بود و «تکرار عادت به نام سیاست» در ۳ آوریل ۲۰۱۳ (فروردین ۹۲) در همین رسانه منتشر شد.

اعتبار قراردادهای جمهوری اسلامی با کشورهای دیگر از جمله روسیه و چین

بخش سه: قراردادهای بین‌المللی و حق تعیین سرنوشت ملل



نباشد که در این شرایط به محتوای قراردادها دست پیدا کرد چرا که پنهانکاری به خودی خود بیانگر نکاتی در تضاد با مفاد منشور حقوق بین‌الملل است. به لحاظ شکلی، فرآیند انعقاد اینگونه قراردادها می‌تواند از نظر حقوقی به چالش کشیده شود. البته هرگاه محتوای آنها فاش شود، می‌توان ابعاد محتوا را نیز مورد مطالعه دقیق قرار داده و نسبت به بی‌اعتباری آنها اقدام نمود. به هر حال، تردید در خصوص سلامت شکلی قراردادها، می‌بایست در متن همان تعهدات کشورها نسبت به اهداف ملل متحد که در بالا آمد، توضیح داد:

الف: این قراردادها به سختی می‌توانند مصداق عدالت و حقوق بین‌الملل به عنوان شرایط تامین صلح و امنیت بین‌المللی باشند. اقرار علی‌رغمی سخنگوی دولت حسن روحانی مبنی بر اینکه دولت چین مایل به فاش شدن متن قرارداد با آن کشور نیست، نقض اصل برابری حاکمیتی است که یکی از معیارهای اصلی اهداف منشور ملل متحد است، و همچنین نادیده گرفتن اصل عدم مداخله در امور داخلی دیگر کشورها توسط جمهوری خلق چین است. ماده دو منشور در بند یک تصریح می‌دارد که «سازمان بر مبنای اصل تساوی حاکمیت کلیه اعضای آن قرار دارد». بند چهار از ماده ۲ منشور نیز کشورها را از مداخله در امور داخلی یکدیگر بر حذر می‌دارد. این اصول به عنوان قوانینی که نباید نقض شوند مورد شناسایی حقوق بین‌الملل قرار گرفته است. علاوه بر این، نقض این اصول توسط رویه‌های قضایی نیز به عنوان اقدامی برخلاف معیارهای جهانی مورد تایید قرار گرفته است. دادگاه بین‌المللی دادگستری در قضیه عملیات نظامی و شبه‌نظامی علیه نیکاراگوئه تصدیق کرد که «عصر اجبار (تحمیلی بودن) که با ماهیت مداخله همراه است، اصل مداخله در امور دیگران را انکار می‌نماید» [۱] در اینجا به نظر می‌رسد که با وجود ادعای اقتدار و شعارهای سیاسی مقامات جمهوری اسلامی، قرارداد با چین تحمیلی بوده و ماهیت آمرانه در آن نهفته است و بنابراین ناقض برابری حاکمیتی و انکار اصل عدم مداخله، و در نهایت مصداق بارز بی‌عدالتی به موجب حقوق بین‌الملل است. ب: اینگونه قراردادها می‌توانند در چارچوب بند ب از ماده یک منشور قابل توجیه باشند زیرا اصل برابری حقوق و استقلال ملی ایران در آن به احتمال زیاد نادیده گرفته شده است. این بند اصل برابری حقوقی را به عنوان یکی از مهمترین اهداف ملل متحد اینگونه توضیح می‌دهد «توسعه روابط دوستانه بین ملت‌ها بر اساس احترام به اصل حقوق برابر و تعیین سرنوشت مردم و اتخاذ سایر اقدامات مناسب برای تقویت صلح جهانی». این هدف ملل متحد در

اعتبار قراردادها را در متن منشور قرار داده و به این وسیله تضمینی برای شفافیت روابط بین‌الملل فراهم آورند.

به دنبال سطر اول از مقدمه منشور، بیان ایمان به حقوق ذاتی همه آحاد خانواده بشری به عنوان زیربنای روابط بین‌الملل صلح‌آمیز در سطر دوم در نظر گرفته شده است. منشور از واژه «ایمان» استفاده کرده است تا یادآوری نماید که همه اعضای جامعه بین‌المللی باید به حقوق ذاتی انسان‌ها باور درونی داشته باشند. چنین باوری دامنه اهمیت به احترام به حقوق انسان را از ابعاد حقوقی و معاهداتی فراتر برده و آنرا با ضرورتی اخلاقی که از باورها و درون انسان سرچشمه می‌گیرد پیوند داده است. بنابراین نمی‌توان به هیچ نوع صلح بین‌المللی دست یافت مگر اینکه به حقوق انسان باور داشته و بر همین اساس حق انسان‌ها را برای تعیین سرنوشت خویش از طریق نظارت بر رفتار دولت حاکم مورد توجه و تایید قرار داد. به این ترتیب هیچ قراردادی میان کشورها نمی‌تواند از چشم مردم دور بماند اگر اعضای ملل متحد به درستی ایمان خود را نسبت به حقوق ذاتی مردمان خود با صراحت در رفتارها و سیاست‌گذاری‌های خود بازتاب دهند. تنها در این صورت است که اهداف ملل متحد به شرح ماده یک منشور می‌تواند به واقعیت نزدیک شود.

یک نکته قابل توجه دیگر که می‌بایست مورد توجه قرار گیرد اصل حسن نیت است که در بند دوم از ماده ۲ توضیح داده شده و به عنوان پیش‌شرط ضروری دیگری برای تعهد کشورها به اهداف ملل متحد تعیین شده است: «کلیه اعضا به منظور تضمین حقوق و مزایای ناشی از عضویت برای همه آنها، تعهداتی را که طبق این منشور بر عهده گرفته‌اند با حسن نیت انجام خواهند داد». اصل حسن نیت نیز از اندیشه‌های لیبرال است که تعهد انسان‌ها نسبت به رعایت حقوق ذاتی یکدیگر را به وظایفی که در صحنه سیاسی اجتماعی دارند پیوند می‌دهد. بنابراین ایمان به حقوق انسان‌ها و حسن نیت در عملی ساختن آن بر این ضرورت تأکید می‌کند که همه قراردادها و معاهدات میان کشورها باید کاملاً شفاف و روشن باشند. با در نظر داشتن این شرایط مورد نیاز برای تامین اعتبار قراردادها و معاهدات، می‌توان به راست‌آزمایی ایمان و حسن نیت حکومت اسلامی در قبال تعهدات بین‌المللی دست یافت. در اینجا است که می‌توان این فرضیه را به آزمایش گذاشت که صرف نظر از محتوای فاش نشده قرارداد بین‌المللی میان جمهوری اسلامی و روسیه و چین، آن قراردادها به لحاظ فرآیند و معیارهای حقوقی مربوط به سلامت آنها باید با تردیدها و پرسش‌های جدی همراه شود. در حقیقت حتی شاید نیازی

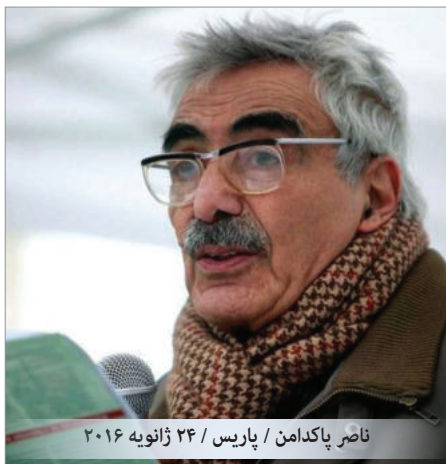
نمی‌توان به هیچ نوع صلح بین‌المللی دست یافت مگر اینکه به حقوق انسان باور داشته و بر همین اساس حق انسان‌ها را برای تعیین سرنوشت خویش از طریق نظارت بر رفتار دولت حاکم مورد توجه و تایید قرار داد. به این ترتیب هیچ قراردادی میان کشورها نمی‌تواند از چشم مردم دور بماند اگر اعضای ملل متحد به درستی ایمان خود را نسبت به حقوق ذاتی مردمان خود با صراحت در رفتارها و سیاست‌گذاری‌های خود بازتاب دهند.

محمود مسائلی - به دنبال انعقاد قراردادهایی میان جمهوری اسلامی ایران و کشورهای چین و روسیه، و چه بسا کشورهای دیگری، آیا پنهان کردن متن قراردادها از نقطه نظر حقوق بین‌الملل اعتبار آنها را مورد سؤال قرار نمی‌دهد؟ اگر چنین است، آن بی‌اعتباری چگونه و به چه طریق می‌تواند احراز شود؟ اساساً اینگونه قراردادها و معاهدات چه جایگاهی در همکاری‌های مسالمت‌آمیز بین‌المللی برای مقاصد صلح‌آمیز و مبتنی بر عدالت بر اساس حقوق بین‌الملل ایفا می‌کنند؟ مردم ایران چه اقداماتی را در رابطه با برملا ساختن اینگونه معاهدات می‌توانند ایفا کرده و یا زمینه‌های ابطال آنها را فراهم آورند؟ در بخش نخست به فرآیند و شکل قراردادها و در بخش دو به اعتبار آنها بر اساس منشور ملل متحد پرداخته شد. در اینجا به جایگاه قراردادهای بین‌المللی در ارتباط با حق تعیین سرنوشت ملل نگاهی می‌اندازیم.

بخش سوم: قراردادهای بین‌المللی به منزله حق تعیین سرنوشت ملت‌ها

هریک از تعهدات بین‌المللی کشورها بر مبنای استواری قرار گرفته‌اند که در مقدمه منشور ملل متحد به عنوان آرزو و آمال تاریخی بشر توضیح داده شده‌اند. در سطر اول مقدمه منشور ملل متحد این عبارت را می‌خوانیم که هدف از تاسیس این سازمان جهانی حفاظت از نسل‌های آینده در برابر جنگی است که دو بار در طول حیات یک انسان خسارت‌های زیادی برای بشریت به دنبال آورد. منظور این است همانگونه که پیشتر نیز توضیح داده شد، همه راه‌های منتهی به بروز درگیری‌ها و جنگ‌ها باید مسدود شود و برای این منظور قراردادهای پنهان نمی‌توانند به حیات خود ادامه دهند. قراردادها هنگامی قابل اطمینان و معتبر هستند که متن و محتوای آنها بطور روشن و شفاف در اختیار عموم مردم قرار گیرد. این شرط اعتبار از درون همان مفاد ماده‌های ۱۰۳ و ۱۰۲ منشور ملل متحد سرچشمه می‌گیرند. این تصریح مستقیم رابطه میان منازعات و جنگ‌ها و ضرورت پیشگیری از آنها واضعاً منشور را واداشت تا ماده‌های مربوط به صحت

ناصر پاکدامن نویسنده ایرانی در پاریس درگذشت



ناصر پاکدامن / پاریس / ۲۴ ژانویه ۲۰۱۶

ساکن پاریس داشت. این نویسنده همچنین از مؤسسان «کانون نویسندگان ایران در تبعید» بود.

«جامعه‌شناسی اقتصادی»، «پادداشت‌هایی از درس اقتصاد ایران»، «کتابشناسی اصفهان» و «اصطلاح‌نامه توسعه فرهنگی» از جمله آثار ناصر پاکدامن هستند.

همچنین کتاب «قتل کسروی» یکی از معروف‌ترین آثار ناصر پاکدامن است. او در این کتاب، با تکیه بر مدارک و اسناد موجود، به چگونگی قتل کسروی و شرایط اجتماعی و تاریخی آن دوره پرداخته است.

در بخشی از مقدمه این کتاب آمده که «فراموش می‌کنند که فکر را نمی‌توان به اسارت درآورد. قلم را می‌توان شکست اما با قلم شکسته هم می‌توان نوشت، و خوب و تند هم نوشت که قلم شکسته تیزتر است. از این روست که تکفیر و سانسور هم مثل زمستان می‌گذرد و روسیاهی به ذغال می‌ماند... هراس بی هراس که تاریک‌اندیشی و ناشکیبایی راه به جایی نمی‌برد.»

ساعاتی پس از اعلام خبر درگذشت ناصر پاکدامن، پیام تسلیتی با نام مسعود رجوی رهبر سازمان مجاهدین خلق در وبسایت رسمی این سازمان منتشر شد: «تسلیت به مناسبت درگذشت استاد دکتر ناصر پاکدامن به جامعه استادان و نویسندگان و فرهنگیان و همه دانشجویانش به خاطر این فقدان اسفبار. این استاد دانشمند و دانش‌پژوه در نیمه دوم دهه ۴۰ در دانشکده حقوق دانشگاه تهران به ما درس اقتصاد می‌داد. بطور خاص باید به دکتر محمدعلی شیخی مسئول کمیسیون دانشگاه‌ها در شورای ملی مقاومت که در جریان انقلاب ضدسلطنتی در دانشگاه تهران با دکتر پاکدامن هم‌سنگر بودند، تسلیت گفت.»

کانون نویسندگان ایران نیز در پیام تسلیتی به مناسبت درگذشت ناصر پاکدامن نوشته «او تا سال ۱۳۶۰ همچنان به تدریس ادامه داد تا در همان سال مانند صدها استاد برجسته و آزادیخواه دیگر مشمول اخراج‌های استبداد دینی نوظهور شد و به سبب فعالیت در «سازمان ملی دانشگاهیان»، که در شکل‌دادن به اعتراض‌های دانشجویان و استادان به بی‌رسمی‌ها و سرکوب‌های حکومت تازه به قدرت رسیده نقشی بس پررنگ داشت، و نیز عضویت و فعالیت در کانون نویسندگان ایران ناگزیر مخفیانه به تبعیدی ناخواسته تن داد. پاکدامن در سراسر سال‌های فعالیت خود در کانون نویسندگان ایران همواره بر خط آزادیخواهی کانون و ناوابستگی به قدرت پا می‌فشرد.»

● ناصر پاکدامن نویسنده، تحصیلکرده رشته‌های حقوق و اقتصاد و عضو کانون نویسندگان ایران روز یکشنبه سوم اردیبهشت در سن ۹۱ سالگی به دلیل ابتلا به بیماری سرطان در بیمارستانی در شهر پاریس درگذشت.

● کتاب «قتل کسروی» یکی از معروف‌ترین آثار ناصر پاکدامن است که در آن با تکیه بر مدارک و اسناد موجود، به چگونگی قتل کسروی و شرایط اجتماعی و تاریخی آن دوره پرداخته است.

● ساعاتی پس از اعلام خبر درگذشت ناصر پاکدامن، پیام تسلیتی با نام مسعود رجوی رهبر سازمان مجاهدین خلق در وبسایت رسمی این سازمان منتشر شد.

● کانون نویسندگان ایران نیز در پیام تسلیتی به مناسبت درگذشت ناصر پاکدامن نوشته «پاکدامن در سراسر سال‌های فعالیت خود در کانون نویسندگان ایران همواره بر خط آزادیخواهی کانون و ناوابستگی به قدرت پا می‌فشرد.»

ناصر پاکدامن نویسنده و عضو کانون نویسندگان ایران سوم اردیبهشت ۱۴۰۲ در سن ۹۱ سالگی در فرانسه درگذشت. ناصر پاکدامن از جمله نویسندگان و استادان دانشگاه حامی انقلاب ۵۷ بود که پس از انقلاب از دانشگاه اخراج و تا آخر عمر ساکن پاریس شد.

پاکدامن نویسنده، تحصیلکرده رشته‌های حقوق و اقتصاد و عضو کانون نویسندگان ایران روز یکشنبه سوم اردیبهشت در سن ۹۱ سالگی به دلیل ابتلا به بیماری سرطان در بیمارستانی در شهر پاریس درگذشت.

ناصر پاکدامن متولد سال ۱۳۱۱ خورشیدی و در دانشگاه تهران در رشته حقوق تحصیل کرده بود. او سپس با بهره‌مندی از بورس دولت شاهنشاهی ایران در سال ۱۳۳۴ راهی فرانسه شد و تحصیلات خود را تا دکتری رشته حقوق ادامه داد.

او در سال ۱۳۴۶ به تهران بازگشت و در دانشگاه مشغول به تدریس شد. او از جمله استادان دانشگاه و نویسندگانی بود که در مخالفت با حکومت پهلوی با انقلاب ۵۷ همراه بوده و از تأسیس جمهوری اسلامی حمایت کرده بود.

ناصر پاکدامن پیش از انقلاب جزو فعالان جنبش دانشجویی و استادانی بود که در مخالفت با حکومت پهلوی «سازمان ملی دانشگاهیان» را بنیان گذاشته بودند. وی در سال ۱۳۵۶ عضو کانون نویسندگان شد.

فعالیت سیاسی ناصر پاکدامن در حمایت از انقلاب ۵۷ و استقرار جمهوری اسلامی ادامه پیدا کرد. نام او در کنار احمد شاملو، باقر پرهام، غلامحسین ساعدی و... در پای نامه‌ایست که در سال ۱۳۶۰ در تمجید از مجاهدین خلق و بنیانگذارانش به مسعود رجوی نوشته شد.

در سال ۱۳۶۰ ناصر پاکدامن تحت تعقیب قرار گرفت و پس از مدت کوتاهی زندگی مخفیانه در ایران سرانجام به فرانسه مهاجرت کرد و تا آخر عمر در این کشور زندگی کرد. ناصر پاکدامن در سال ۱۳۳۵ با هما ناطق ازدواج کرد که حاصل این ازدواج دو فرزند دختر به نام‌های میشا و روشک بود. ناصر پاکدامن و هما ناطق چند سال بعد جدا شدند.

او پس از مهاجرت همیشگی به پاریس، از سال ۱۹۸۳ میلادی در دانشگاه در درس جامعه‌شناسی و اقتصاد به تدریس پرداخت و همچنین نشریه «چشم‌انداز» را منتشر کرد و روابط نزدیکی با غلامحسین ساعدی نویسنده ایرانی

→ مرکز فراخوانی برای نظم بین‌المللی است که در آن حقوق کشورها در برابر زورمداری قدرتمندها باید رعایت شود تا همه بتوانند در تعیین سرنوشت خویش آزادانه بکوشند. در اجرای این هدف ملل متحد است که اصول آن نظم بین‌المللی هنجاری و عادلانه در اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل در مورد روابط دوستانه و همکاری میان دولت‌ها، بر اساس منشور ملل متحد، تبلور یافت. [۲] این اعلامیه بر اهمیت اساسی منشور سازمان ملل متحد و توسعه تدریجی اصول حقوق بین‌الملل برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، برای ارتقای حاکمیت قانون در میان ملت‌ها، و برای توسعه روابط دوستانه و همکاری بین کشورها، از همه مهم‌تر بر اصل حقوق برابر و تعیین سرنوشت همه مردم برای تعیین آزادانه، بدون مداخله خارجی، وضعیت سیاسی خود، و دستیابی به ساختار و نوع توسعه اقتصادی، اجتماعی خود، تأکید می‌ورزد. به این ترتیب این اعلامیه، دست در دست منشور ملل متحد، یکی از مهم‌ترین اصول حقوق بین‌الملل در حمایت از حق تعیین سرنوشت کشورها بر اساس برابری حقوقی حاکمیت آنها را توضیح داده است.

با توجه به این تصریحات روشن حقوقی آیا جمهوری اسلامی با استقلال کامل قرارداد همکاری با چین را پذیرفته است؟ به نظر می‌رسد که واقعیات حقوق بین‌الملل خلاف این موضوع را نشان می‌دهد.

شایان یادآوری است که اقرار رسمی سخنگوی دولت جمهوری اسلامی، علی ربیعی در دولت حسن روحانی، به ناتوانی از فاش ساختن مفاد قرارداد ۲۵ ساله به دلیل مخالفت جمهوری خلق چین، بیانگر نفی استقلال ملی کشور به موجب اصول صریح بنیادین حقوق بین‌الملل است. در عین حال، به نظر می‌رسد که حضور نیروهای امنیتی چین در منطقه خلیج فارس ضرورتاً نتواند با موضوع حفاظت از صلح بین‌المللی تطبیق یابد. ابعاد این داعیه طبیعتاً عمیق‌تر از بحث حقوقی کنونی است و در ادامه فقط به آن اشاره می‌شود.

پ: بی‌تردید قرارداد ۲۵ ساله جمهوری اسلامی با جمهوری خلق چین ماهیتاً قادر به پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی نیست زیرا از یکسو جمهوری اسلامی آشکارا عدم اعتقاد خود را به مبانی حقوق بشر در عمل ثابت کرده و در سیاست‌های سرکوبگرانه نیز نشان داده است. قطعنامه‌های متعددی که از سوی نهادهای ملل متحد علیه جمهوری اسلامی صادر شده و گزارش‌های متعدد نهادها و سازمان‌های مدافع حقوق بشر، و همچنین قطعنامه اخیر شورای حقوق بشر سازمان ملل، همگی نشان از این واقعیت دارند که جمهوری اسلامی به هیچ عنوان مایل به پذیرش و احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مردم ایران نیست. از دیگرسو، همه شواهد تاریخی عمر جمهوری اسلامی حکایت از آن دارد که این رژیم نمی‌تواند نماینده واقعی مردم ایران باشد. به عبارت بهتر، حتی اگر از شعارهای سیاسی مردم در خیابان‌ها عبور کرده و به سادگی به نتایج انتخابات پیشین مجلس شورای اسلامی در اسفند ۱۳۹۸ و یا ریاست جمهوری خرداد ۱۴۰۰ مراجعه کنیم، درمی‌یابیم که مشارکت بسیار پایین مردم در انتخابات، معنای دیگری نمی‌تواند داشته باشد جز: نه به جمهوری اسلامی!

[ادامه دارد]

*دکتر محمود مسائلی بنیانگذار و دبیرکل افتخاری اندیشکده بین‌المللی نظر به‌های بدیل؛ با مقام مشورتی نزد سازمان ملل متحد؛ بنیانگذار و مدیر مرکز مطالعات عالی حقوق بشر و توسعه دموکراتیک؛ اتاوا؛ کانادا

[۱] The ICJ Reports ۱۹۸۶, p. ۱۰۸, para. ۲۰۵
[۲] The Declaration on Principles of International Law concerning Friendly Relations and Co-operation among States, the UN GA Res ۲۶۲۵ (XXV), October ۱۹۷۰



دیدار اعضای مجمع عالی فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با علی خامنه‌ای / مهرماه ۱۳۹۸

فاکس نیوز: افزایش خروج دارایی‌های رژیم و ریزش در نیروهای مسلح بعد از خیزش ضد حکومتی در ایران

زویایی از رویدادهای درونی نظام را دیدند که تا حالا ندیده بودند. بدهی است نظام اصلاً نمی‌خواست محتوای چنین جلسه‌ای افشا شود زیرا برای آنها خوب نبود.

ریزش در بدنه نیروهای مسلح حامد محمدی نظامی سابق که اکنون روزنامه‌نگار کیهان لندن است به فاکس نیوز می‌گوید: «نارضایتی و ریزش در بین نیروهای مسلح زیاد شده است... حقوق متوسط افسران میانی در ایران تنها ۴۰۰ دلار در ماه است اما هزینه خوراک و پوشاک در ایران به اندازه لندن یا سایر کشورهای غربی است. بعضی از افسران ارتش مجبورند برای تأمین مخارج زندگی شغل دوم داشته باشند. رانندگی در آژانس‌ها و نگهداری در برج‌های بلند شمال تهران که ثروتمندان آنجا ساکن‌اند.» وی همچنین معتقد است «اگر کارکنان نظامی نیاز مالی داشته باشند آنوقت برخی پرسنل نیروهای مسلح اطلاعات را می‌فروشند.»

حامد محمدی می‌گوید: «افسران ناراضی اطلاعات محرمانه رژیم را فاش می‌کنند. دست به خرابکاری می‌زنند. چنانکه اطلاعات مربوط به مسیر حرکت قاسم سلیمانی فرمانده پیشین نیروی‌های قدس سپاه که در عراق ترور شد یا مسیر حرکت محسن فخری‌زاده از متخصصان موشکی و اتمی جمهوری اسلامی از داخل ایران لو رفت.» وی با اشاره به انفجارها در زیرساخت‌های استراتژیک جمهوری اسلامی نیز می‌گوید: «اسرائیل از کجا می‌فهمد در تأسیسات هسته‌ای ایران چه خبر است؟!»

محمدی همچنین توضیح داد: «در ایران بین نیروهای سپاه و ارتش اختلاف وجود دارد.» وی با استناد به اظهارات همکاران سابق خود عنوان می‌کند که این مشکلات به حریم خانواده‌ها نیز کشیده شده و «میزان افسردگی و طلاق در بین نظامی‌ها افزایش یافته است.» این نظامی سابق اما معتقد است «با وجود اینکه اغلب مردم در ایران از حکومت ناراضی هستند اما همچنان ترس، اصلی‌ترین مانع شکل‌گیری تظاهرات بزرگ و فراگیر می‌شود.»

مهرداد خوانساری در ارتباط با شرایط کنونی جمهوری اسلامی به فاکس نیوز می‌گوید: «تا این لحظه که صحبت می‌کنیم حکومت اوضاع را کاملاً در دست دارد. آنها در آستانه فروپاشی نیستند. اما واقعیت این است که آنها از حل مسائل کلیدی که با زندگی مردم مرتبط است عاجز مانده‌اند و در رأس قدرت هیچ چشم‌اندازی برای بلندمدت ندارند و قادر به انجام هیچ کاری نیستند مگر اینکه سیاست‌های خود را به شکل جدی تغییر دهند.»

به حساب اشخاصی می‌روند که لزوماً از مقامات حکومتی نیستند. بخش دیگری از این پول‌ها سر از حساب بانکی افراد ناشناس در کشورهای غربی در می‌آورد و یا به حساب خانواده یا دوستان آنها واریز می‌شود. انتقال این پول‌ها شاید به این دلیل است که اگر اوضاع برای نظام بد پیش رفت مقامات [بعد از خروج از ایران] تا آخر عمرشان پول ذخیره داشته باشند.»

آنچه امانوئل رضوی می‌گوید با گزارش منابع اسرائیلی تطبیق دارد. ونزوئلا در ازای دریافت نفت به ایران از طریق کشور ثالث طلا فرستاد. این درآمدها صرف تأمین مالی حزب‌الله و فعالیت‌های تروریستی می‌شود. این فعالیت‌ها امنیت نظام را تأمین می‌کند زیرا حکومت از طریق جنگ‌های نیابتی خط مقدم تهدیدات را دور از مرزهای ایران نگه می‌دارد.

امانوئل رضوی در بخشی از تحقیقات خود با کسانی صحبت کرده که به دلیل حساسیت شغلی یا برای حفظ امنیت‌شان نام آنها محفوظ می‌ماند. تحقیقات نشان می‌دهد خروج محموله‌های طلا پس از پاییز سال ۱۴۰۱ با شروع تظاهرات ضدحکومتی که جرقه آن با قتل مهسا امینی در بازداشت «گشت ارشاد» زده شد، افزایش پیدا کرد.

رضوی معتقد است «خروج این محموله‌ها با هوایمای تجاری نشان می‌دهد رژیم ایران نگران آینده است.» ظاهراً چند ماه پیش شماری از فرماندهان ارشد سپاه پاسداران در مورد وضعیت حکومت با علی خامنه‌ای دیدار داشتند. جزئیات آن دیدار جنجالی به تازگی به بیرون درز پیدا کرده است.

بعضی سپاهی‌ها از سرکوب‌ها احساس شرم می‌کنند گفته می‌شود برخی فرماندهان سپاه به سرکوب مردم اعتراض کرده‌اند. مهرداد خوانساری دیپلمات سابق ایرانی توضیح می‌دهد که برخی از این فرماندهان از این سرکوب‌ها احساس شرم می‌کنند، زیرا در برخی موارد همسران، فرزندان و همسایگان آنها در تظاهرات شرکت می‌کنند.

طبق اطلاعات بولتن افشا شده از آن جلسه، بعضی فرماندهان ارشد نظامی از اینکه برخی دیگر از مقامات نظام [از جمله علی شمشانی دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی و پسران وی] مشغول دزدی هستند انتقاد کرده‌اند. این در حالیست که کارکنان سپاه در رده‌های میانی با مشکلات اقتصادی روبرو هستند.

افشای بولتن سپاه پاسداران از چنین جلسه‌ای بی‌سابقه است. خوانساری توضیح می‌دهد: «با افشای این اسناد مردم

شبکه «فاکس نیوز» در گفتگو با چند کارشناس و تحلیلگر مسائل ایران به افزایش خروج دارایی‌ها به خارج از ایران از جمله قاچاق طلا توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ریزش در بدنه نیروهای مسلح پس از آغاز خیزش ضدحکومتی اخیر در ایران پرداخته است.

امانوئل رضوی پژوهشگر مسائل خاورمیانه و خبرنگار هفته‌نامه فرانسوی «پاری ماچ» (Paris Match) می‌گوید: سپاه به خاطر تجارت غیرقانونی به دولت قاچاقچی معروف است. آنها از طریق هواپیماهای بعضی ایرلاین‌ها مثل ماهان پول و طلا از ایران قاچاق می‌کنند. شاید به این خاطر که اگر اوضاع برای نظام بد پیشرفت مقامات [بعد از خروج از ایران] تا آخر عمرشان پول ذخیره داشته باشند.»

«رژیمی که ادعای پایبندی به اصول و ارزش‌های اسلامی را تبلیغ می‌کند و گشت ارشاد دارد و مشروبات الکلی را ممنوع کرده خودش، مشکلی برای ترانزیت مواد مخدر به مشتریان بین‌المللی ندارد.»

شبکه «فاکس نیوز» روز یکشنبه ۲۳ آوریل (سوم اردیبهشت) در گزارشی به افزایش خروج دارایی‌ها از ایران به خارج از ایران از جمله قاچاق طلا توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ریزش در بدنه نیروهای مسلح پس از آغاز خیزش ضدحکومتی اخیر در ایران پرداخته است.

امانوئل رضوی پژوهشگر مسائل خاورمیانه و خبرنگار هفته‌نامه فرانسوی «پاری ماچ» (Paris Match) به «فاکس نیوز» توضیح داده «در ایران به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به خاطر قاچاق برای تأمین مالی فعالیت‌های تروریستی و دزدی به دولت قاچاقچی شهرت دارد.»

به گزارش فاکس نیوز، تحقیقات اخیر امانوئل رضوی برای هفته‌نامه «پاری ماچ» نشان می‌دهد رژیم می‌کند پایبندی به اصول و ارزش‌های اسلامی را تبلیغ می‌کند و «گشت ارشاد» دارد و مشروبات الکلی را ممنوع کرده خودش، مشکلی برای ترانزیت مواد مخدر به مشتریان بین‌المللی ندارد. رضوی مدعی است بخش عمده‌ای فعالیت‌های قاچاق سپاه شامل مقادیر قابل توجهی طلا می‌شود.

رضوی به فاکس نیوز می‌گوید: «بعضی شرکت‌های هواپیمایی ایرانی مثل ماهان‌ایر سلاح، طلا و پول حمل می‌کنند که به کشورهای مختلف از جمله ترکیه ارسال می‌شود. این طلاها در بازار سیاه جاهایی مثل استانبول فروخته و به پول نقد تبدیل می‌شود. بخشی از این پول‌ها



رانندگان کامیون ایرانی در آمریکا و کانادا درباره شرایط کاری خود و در ایران چه می‌گویند: تفاوت از زمین تا آسمان است!

ایران مسئله بیمه است که از بیمه‌های مناسبی برخوردار نیستند اما در اینجا کمپانی‌ها روی مسائل بیمه مشکلی ندارد، افراد وقتی درآمدشان بالاست خودشان می‌روند بیمه‌ای را متناسب با درآمد خود می‌خرند و از خدمات آن استفاده می‌کنند. البته بحث در مورد بیمه در آمریکا زیاد است ولی آنقدر حاد نیست که به یک خواسته صنفی و اعتراضی تبدیل شود.»

وفا یکی از رانندگان ایرانی کامیون ساکن کانادا است. او در مورد علت انتخاب این شغل می‌گوید: «رانندگی کامیون در کانادا تنها شغلی است که با کمترین تحصیلات، درآمد عالی دارد.»

او در مورد تفاوت‌های این شغل در ایران و کانادا معتقد است: «ایمنی بالای کامیون و جاده در آمریکا و کانادا طوری است که می‌توان با درصد بالایی مطمئن بود که اکثر تصادف‌ها در اثر اشتباه خود راننده‌ها رخ داده است ضمن اینکه درآمد رانندگی در کانادا نسبت به ایران بسیار متفاوت است. من هفت سال در یک شرکت، کامپیوتر می‌فروختم؛ بعد از بسته شدن آن فروشگاه، در وبسایت دولت کانادا مرور کردم که چه شغلی بیشترین درآمد با کمترین تحصیلات را دارد که بتوانم سریع‌تر شروع به کار کنم.»

وفا به مشکلات راننده‌ها در ایران و درآمد بسیار پایین آنها نسبت به کانادا اشاره می‌کند و می‌گوید: «رانندگان ناوگان حمل و نقل در آمریکا و کانادا از تسهیلات بیشتری برخوردار هستند اما رانندگان در ایران فقط حدود ۲۰ تا ۳۰ میلیون تومان در ماه پول در می‌آورند، اگر بخواهند یک لاستیک بخرند مجبورند نوع چینی و بسیار خطرناک و بسیار گران را تهیه کنند.»

او با اشاره به ایمن نبودن کامیون‌های داخل ایران اضافه می‌کند: «در اغلب اوقات تصادف‌هایی که در ایران رخ می‌دهد به این دلیل است که کامیون در سرازیری می‌آید ترمزش نگرفته و باعث کشته شدن راننده و چند نفر دیگر شده است البته اغلب تصادفات جاده‌ای در ایران یا به دلیل مشکلات فنی است یا به دلیل خراب بودن جاده‌ها و یا مشکل از طرف راننده بوده که سرعت‌اش خیلی زیاد بوده است.»

وفا در ارتباط با نایمن بودن و غیراستاندارد بودن سیستم جاده‌ای در ایران اشاره می‌کند: «سیستم جاده‌های آمریکا واقعا فوق‌العاده است، در خروجی‌ها، ورودی‌های بزرگراه‌ها سیستمی که برنامه‌ریزی کرده‌اند باورنکردنی است و به راحتی می‌توانید رانندگی کنید، من در آمریکا از ۱۳ ساعت در روز می‌توانم روزی ۱۱ ساعت رانندگی

می‌شوم می‌بینم گازوئیل را کشیده‌اند، گازوئیلی که در جاده‌ها بسیار کمیاب است؛ قیمت لاستیک بسیار بالاست، قطعات هم چینی و بدون کیفیت هستند. برای هزینه عمل دیسک کمرم ۳۰ میلیون تومان پرداختم. با وجود بیمه تامین اجتماعی اجباری بیمه به دلایل مختلف از پرداخت هزینه‌ها شانه خالی می‌کند. بارها از اتحادیه خواستم که مرا زیر پوشش بیمه تکمیلی قرار دهد اما یک سال است که فقط وعده می‌دهند.»

رضا قلی‌زاده که در ایران فارغ‌التحصیل کارشناسی علوم سیاسی بوده در آمریکا به رانندگان ماشین‌های سنگین پیوسته است. او که با تعدادی از رانندگان قدیمی این حوزه در ایران ارتباط دارد در مورد مشکلات رانندگان ناوگان سنگین در ایران می‌گوید: «کامیون‌های دست دوم اروپایی که یک زمان با ۷۰۰ میلیون وارد ایران می‌شدند الان به قیمت سه میلیارد تومان در ایران به فروش می‌رسند.»

او در مورد مزایای این حرفه در آمریکا توضیح می‌دهد: «در آمریکا اغلب رانندگان با توجه به شرایط اقتصادی، می‌توانند بعد از یک تا دو سه سال صاحب یک کامیون شوند. برای رانندگان این حوزه در آمریکا در هر ایالتی که باشند کار هست. برعکس ایران که شرط ورود به این حوزه داشتن گواهینامه پایه یک است در اینجا با توجه به نوع کامیون مثل دامپر، کمپرسی یا تریلی باید یک گواهینامه جدا بگیریم یا برای حمل مواد آتش‌زا و سوخت و مواد خطرناک و آلوده هر کدام گواهینامه‌های جداگانه لازم دارند.»

قلی‌زاده به نظارت دوربین‌ها در جاده‌ها و ساعت کار منظم بر اساس سیستم کامپیوتری داخل کامیون اشاره می‌کند و می‌گوید: «این در حالیست که ساعت خواب و استراحت رانندگان در ایران کاملا متفاوت است که با توجه به ایمن نبودن و دست‌انداز داشتن جاده‌ها و فرسوده بودن خود ماشین‌ها، اغلب خواب‌آلود بودن راننده‌ها در کنار این مسائل منجر به بروز تصادفات بسیار می‌شود.»

او به وجود استاندارد در ناوگان حمل و نقل جاده‌ای آمریکا اشاره می‌کند و می‌گوید: «کمتر کامیونی با سن و سال بالا در آمریکا تردد می‌کند اما در ایران، رانندگان ایرانی کامیون‌هایی با عمر ۳۰ تا ۴۰ سال دارند، در صورتی که حق آنها کامیون‌های به‌روز و دارای ایمنی و استاندارد است.»

قلی‌زاده در مورد حوادث جاده‌ای در آمریکا می‌گوید: «تصادفات جاده‌ای که در همه جا هست ولی کمتر شاهد خرابی جاده‌ها هستیم، اگر جاده‌ای نیاز به تعمیرات داشته باشد به سرعت کار تعمیر آن را انجام می‌دهند.»

او اضافه می‌کند: «یکی از موضوعات صنفی رانندگان

● آیا رانندگان کامیون در سایر کشورها نیز با مشکلاتی مانند کامیونداران ایران دست و پنجه نرم می‌کنند؟ شرایط کاری یک راننده کامیون در آمریکا و کانادا چگونه است؟

● در ایران: «شب برای استراحت جایی پارک می‌کنم صبح بیدار می‌شوم می‌بینم گازوئیل را کشیده‌اند، گازوئیلی که در جاده‌ها بسیار کمیاب است؛ قیمت لاستیک بسیار بالاست، قطعات هم چینی و بدون کیفیت هستند. برای هزینه عمل دیسک کمرم ۳۰ میلیون تومان پرداختم. با وجود بیمه تامین اجتماعی اجباری بیمه به دلایل مختلف از پرداخت هزینه‌ها شانه خالی می‌کند.»

● «رانندگی کامیون در کانادا تنها شغلی است که با کمترین تحصیلات، درآمد عالی دارد.»

● «جاده‌های اینجا برای تریلی و ماشین‌های سنگین ساخته شده. در بزرگراه‌های آمریکا هر چند ده کیلومتر یک توقفگاه برای کامیون با امکاناتی نظیر تعمیرگاه و رستوران همراه با دوش، مرکز خرید و در کنارش یک هتل وجود دارد که در ایران رانندگان خواب آن را هم نمی‌توانند ببینند.»

فیروزه نوردستروم- رانندگان و مالکان کامیون و ماشین‌های سنگین در ایران سال‌هاست نسبت به سختی‌ها، ناهمخوانی و فاصله شدید هزینه‌ها و درآمدهای این بخش اعتراض دارند. اعتراضات کامیونداران در چند سال اخیر علت‌های مختلفی از جمله افزایش هزینه بیمه‌ها، عوارض اتوبان‌ها، کمیسیون بالای باربری‌ها، هزینه بالای تعمیرات، کم بودن تعرفه کرایه، کاهش سهمیه سوخت و گران شدن لوازم کامیون مثل لاستیک و روغن داشته است.

آیا رانندگان کامیون در سایر کشورها نیز با چنین مشکلاتی دست و پنجه نرم می‌کنند؟ شرایط کاری یک راننده کامیون در آمریکا و کانادا چگونه است؟ کیهان لندن در گفتگو با چند تن از رانندگان و مالکان کامیون در ایران و آمریکا و کانادا برای یافتن پاسخ به این پرسش‌ها تلاش کرده است.

علی ۵۵ ساله یکی از رانندگان کامیون کشته شده در تهران است و رانندگی کشته شده را از مشکل‌ترین کارهای روی زمین می‌داند. وی می‌گوید: «حقوق رانندگان این بخش در مقابل سختی کارشان هیچ است. توقف‌های چند روزه تا چند هفته‌ای برای نوبت گرفتن، شکنجه است، مبلغ بارنامه بسیار ناچیز است. در اغلب موارد به دلیل خرابی جاده‌ها از مسیرمان منحرف می‌شویم که به افزایش تصادفات منجر می‌شود.»

او با اشاره به ناامنی و سرقت در جاده‌های ایران اضافه می‌کند: «شب برای استراحت جایی پارک می‌کنم صبح بیدار

سخنگوی وزارت خارجه آمریکا به کیهان لندن:

با اروپاست که از ابزار و اختیارات قانونی خود برای تروریستی اعلام کردن سپاه استفاده کند

● یک «منبع آگاه از مسائل ایران در پارلمان اروپا» در گفتگو با کیهان لندن توضیح می‌دهد «دست‌کم دو مورد پرونده در مورد توطئه‌های تروریستی سپاه در آلمان و اتریش وجود دارد. پرونده‌های دیگری هم هست از جمله انتقال محموله‌های تسلیحاتی اما مسئله اینجاست که برخی کشورهای اروپایی تمایلی برای بازکردن این پرونده‌ها ندارند چون پشت پرده معتقدند حد و اندازه‌ی فعلی اعتراضات آنقدر نیست که اروپا درگیر چنین مسئله‌ای شود.»

● یک سخنگوی وزارت خارجه آمریکا به کیهان لندن می‌گوید: «ما متحدان و شرکایمان را تشویق می‌کنیم تا از هر ابزار مناسبی برای فشار علیه سپاه استفاده کنند اما تصمیم با کشورها یا اتحادیه اروپا است که بر اساس ابزار و اختیارات قانونی که در دست دارند در راستای منافع ملی خود اقدام کنند.»

● مخالفان جمهوری اسلامی تلاش می‌کنند با فشار بر مقامات دولت‌های قدرتمند از جمله بریتانیا آنها را برای قرار دادن سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی ترغیب کنند. آمریکا می‌تواند در اتخاذ چنین تصمیمی شرکای راهبردی خود را تشویق کند. سپاه پاسداران نه تنها در پشتیبانی از تروریسم فعال است بلکه بازیگر اصلی سرکوب مردم ایران در اعتراضات مسالمت‌آمیز و گروگانگیری شهروندان خارجی به شمار می‌رود.

● وحید بهشتی فعال سیاسی از اواسط بهمن ۱۴۰۱ در مقابل وزارت خارجه بریتانیا در لندن دست به اعتصاب غذا زده است تا دولت این کشور سپاه را در لیست سازمان‌های تروریستی خود قرار دهد.

● آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا در توییتی نوشت: «ما قاطعانه متعهد به مختل کردن برنامه‌های مربوط به فعالیت‌های نظامی ایران هستیم. ما نهادهایی از ایران و جمهوری خلق چین را که در چنین رفتارهای بی‌ثبات‌کننده‌ای دخیل باشند، تحریم می‌کنیم.»

بر اساس تقویم جمهوری اسلامی روز دوم اردیبهشت سالگرد تأسیس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است. سرلشکر پاسدار محمدباقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در بیانیه‌ای به مناسبت همین روز گفت «سپاه رکن مهم حفاظت از انقلاب و نظام اسلامی است.»

این مقام ارشد نظامی در ایران عنوان می‌کند «آمادگی‌های راهبردی سپاه موجب هراس دشمنان شده است.»

هرچند ده کیلومتر یک توقفگاه برای کامیون با امکاناتی نظیر تعمیرگاه و رستوران همراه با دوش، مرکز خرید و در کنارش یک هتل وجود دارد که در ایران رانندگان خواب آن را هم می‌توانند ببینند.»

احمد هم با اشاره به امن و استاندارد بودن جاده‌های آمریکا توضیح می‌دهد: «من ۱۰ هزار کیلومتر را در ۶۰ ساعت در هفته با تریلی رانندگی می‌کنم، در بزرگراه‌ها تابلوهای بسیار واضح و فراوانی هستند که با وجود آنها استفاده از جی پی اس ضرورتی ندارد. ساعت‌ها رانندگی می‌کنی بدون نیاز به ترمز! کامیون را کروز کنترل می‌گذاری و تا جایی که ضرورت نداشته باشد ادامه می‌دهی و یک ترمز هم نمی‌زنی. کامیون‌های ویژه مسیرهای طولانی معمولاً مدرن و دارای اتاق استراحت راننده، دو تخت و یخچال و ماکروویو و گاهی هم تلویزیون هستند.»

این شهروند ایرانی-کانادایی ادامه می‌دهد: «در تمام مسیر اینترنت وجود دارد. در زمستان، جاده‌های اینجا برعکس ایران از برف پاکسازی می‌شوند و اگر مشکل مکانیکی پیش آمد تماس می‌گیری و اکیپ سیار به سرعت می‌رسد. پلیس در همه بزرگراه‌ها نظارت کامل دارد. به هر ایالتی که وارد می‌شوی کامیون از نظر وزن بار و مکانیکی بازرسی می‌شود. ایستگاه‌های وزن در ورودی همه ایالت‌ها شما را چک می‌کنند، کوچکترین تصادف یا مشکلی پیش بیاید آمبولانس، آتش‌نشانی و پلیس بعد از چند دقیقه سر می‌رسند، اصلاً با ایران که هیچ، حتی با کانادا هم قابل مقایسه نیست. اینجا سیستم حمل و نقل جاده‌ای و ریلی بی‌نظیر است. با یک ترافیک و بسته شدن چند دقیقه‌ای جاده، حجم عظیمی از کامیون‌ها را می‌بینید که با حوصله پشت سر هم می‌مانند تا مشکل حل شود و به راه خود ادامه بدهند. فرهنگ رانندگی و احترام و توجه به کامیون‌های سنگین از طرف ماشین‌های کوچک شگفت‌انگیز است.»

احمد اضافه می‌کند: «شما در جایگاه‌های توقف کامیون‌ها که وارد می‌شوید کوچکترین درگیری و بوق کامیون نمی‌شنوید، گازوئیل می‌زنی، دوش می‌گیری، استراحت می‌کنی، می‌خوابی و روز بعد ادامه مسیر را رانندگی می‌کنی، دستمزد سر موقع پرداخت می‌شود. هر چند صد کیلومتر در کنار بزرگراه‌ها تابلوی یک بیمارستان با امکانات بیمه مسافرتی راننده‌ها هست که رانندگان را رایگان درمان می‌کنند. من تجربه سنگ کلبه داشتم به یکی از این مراکز بسیار مجهز رفتم و یک دلار هم پرداخت نکردم.»

وی به شرایط بیمه رانندگان کامیون در آمریکا اشاره می‌کند و می‌گوید: «شرایط بیمه رانندگان بستگی به شرایط استخدام آنها دارد، اگر استخدام شوید بیمه بازنشستگی، بیمه بیکاری و ازکارافتادگی، بیمه عمر، بیمه دندانپزشکی، مرخصی در ایام تعطیل و اضافه کار به شما تعلق می‌گیرد.»

احمد با اشاره به اینکه اتحادیه حمل و نقل کانادا هفته پیش اعتصاب داشت اضافه می‌کند: «دولت مدافع حقوق اصناف است و در مقابله با اعتراضات و اعتصاب آنها را سرکوب نمی‌کند در حالی که کارگران در ایران شش ماه حقوق روزانه خود را نمی‌گیرند و وقتی حقوق خود را می‌خواهند به آنها برچسب اغتشاشگر می‌زنند و با نیروی ضدشورش با آنها مقابله می‌کنند. جاده‌ها، امکانات و تجهیزات جاده‌ای در ایران نیز در ۴۴ سال گذشته نگهداری و بازسازی نشده؛ قیمت کامیون به ۱۲ میلیارد تومان رسیده، راننده تا خرخره بدهکار و همه زندگی چند ساله او فقط یک کامیون است. اگر کار نکند قسط و خرج زندگی او را چه کسی می‌دهد؟ اگر هم کار کند، بیمه و تصادف و هزینه نگهداری و لاستیک سرسام‌آور است. آنها نه راه پیش دارند نه راه پس!»

کنم و هیچوقت اذیت نمی‌شوم؛ پیش آمده که وقتی در جاده‌های آمریکا رانندگی می‌کنم در ۱۱ ساعت می‌توانم ۱۱۰۰ کیلومتر رانندگی کنم، ولی در کانادا این مسیر می‌شود ساعتی ۹۰ کیلومتر بجای ساعتی ۱۰۰ کیلومتر یعنی ساعتی ۱۰ تا ۱۵ دلار از دست می‌دهم. به این خاطر جاده بسیار مهم است. ولی کسی که در ایران رانندگی می‌کند نمی‌تواند ساعتی ۱۰۰ کیلومتر رانندگی کند؛ در یک ساعت حداکثر ۷۰ کیلومتر می‌تواند رانندگی کند.»

از قلی زاده پرسیدم چرا در ایران کامیونداران مانند سایر اصناف کمتر به اعتراضات و اعتصابات ملحق می‌شوند؟ می‌گوید: «در ایران هیچگاه اصناف از یکدیگر حمایت نکرده‌اند. اتفاق نیفتاده که مثلاً معلم‌ها بدون اینکه حقوق خود را طلب کنند از حقوق صنفی دانشجویان یا کارگران حمایت کنند که این از ضعف‌های جامعه مدنی ایران است. تشکلهای صنفی ضمن تقویت صنف خود در شرایط خاص بحرانی و انقلابی باید از یکدیگر حمایت کنند. سرنوشت هیچ صنفی جدا از صنف دیگر نیست. در انقلاب زن زندگی آزادی این توقع را از صنف کامیونداران داشتیم که اعتصاب کنند. اعتصاب در بخش حمل و نقل گاز و انرژی بسیار مهم است که اگر این کار را می‌کردند می‌توانست به این انقلاب کمک کند. البته اگر از سمت اپوزیسیون، مجموعه یا شبکه‌ای از پشتوانه مالی برای حمایت از صنف کامیونداران تشکیل می‌شد می‌توانست به تقویت اعتصابات آنها کمک کند.»

وی ادامه می‌دهد: «از سوی دیگر صنف معلمان می‌توانند جلوی مدارس یا آموزش و پرورش یا کارگران در حیاط محوطه کارخانه‌شان تحصن کنند و در نهایت بازداشت می‌شوند اما در صورت اعتصاب کامیونداران احتمال توقیف اموال یا آسیب زدن به اموال آنها وجود دارد. کامیونداران با حضورشان در جاده‌ها و بستن راه‌ها دیده می‌شوند. من پای درد دل بسیاری از این کامیونداران در ایران نشسته‌ام. بسیاری از آنها می‌ترسند که ضمن اعتصاب، اموال و سرمایه‌شان آسیب ببیند که با این وضعیت اقتصادی جبران‌ناپذیر است.»

همان پرسش را از وفا نیز پرسیدم. او معتقد است: «رانندگان همه مثل هم نیستند، خیلی‌ها به دنبال این هستند که هزینه‌های زندگی خود را تامین کنند، هزینه نگهداری کامیون در ایران بسیار بالاست، من اینجا برای تعویض روغن ۴۵۰ دلار می‌پردازم ولی این مبلغ را می‌توانم در نصف روز به دست بیاورم یا مثلاً یک جفت لاستیک ۲۵۰۰ دلار هزینه بر می‌دارد، این مبلغ را هم در ۴ یا حداکثر ۵ روز رانندگی می‌توانم به دست بیاورم ولی این پول را ضرب در ۴۰ هزار تومان دلار کانادا بکنید بعد مقایسه کنید با راننده‌ای در ایران که ماهی ۲۵ یا ۳۰ میلیون تومان درمی‌آورد.»

احمد یکی از رانندگان ایرانی ساکن ونکوور است که چند سالی می‌شود به جمع رانندگان ناوگان سنگین حمل و نقل کانادا پیوسته است.

او که فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد جنگلداری از دانشگاه تهران است و سال‌ها در بخش فضای سبز با مناطق مختلف شهرداری تهران همکاری می‌کرده می‌گوید: «۹۰ درصد از رانندگان ایرانی ناوگان حمل و نقل در آمریکا و کانادا همگی در ایران تحصیل کرده بوده‌اند و به خاطر شرایط بد اقتصادی و اجتماعی ایران مهاجرت کرده‌اند.»

او هم معتقد است: «امکانات جاده‌ای و امکانات رفاهی از قبیل پارکینگ و پمپ گازوئیل در اینجا به‌خصوص آمریکا قابل مقایسه با ایران نیست. جاده‌های اینجا برای تریلی و ماشین‌های سنگین ساخته شده. در بزرگراه‌های آمریکا

سرکوب جمهوری اسلامی علیه مردم هستند. آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا ۲۰ آوریل (۳۱ فروردین) در توییتی نوشت: «ما قاطعانه متعهد به مختل کردن برنامه‌های مربوط به فعالیت‌های نظامی ایران هستیم. ما نهادهایی از ایران و جمهوری خلق چین را که در چنین رفتارهای بی‌ثبات‌کننده‌ای دخیل باشند تحریم می‌کنیم.» در این میان، با وجود تحریم‌های آمریکا علیه سپاه

اما تظاهرات به ویژه در داخل ایران تأثیر اصلی را روی تغییر سیاست این کشورها دارد.» اخیراً وزارت خارجه‌داری آمریکا یک شبکه تأمین‌کننده قطعات و تکنولوژی مربوط به ساخت و هدایت پهپاد و موشک‌های بالستیک مرتبط با نیروهای مسلح جمهوری اسلامی را تحریم کرد. این شبکه با دور زدن تحریم‌ها از طریق شرکت‌های

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نه تنها در پشتیبانی از تروریسم فعال است بلکه بازیگر اصلی سرکوب مردم ایران در اعتراضات مسالمت‌آمیز و گروگانگیری شهروندان خارجی به شمار می‌رود. اما اکنون گفته می‌شود با فروکش کردن تظاهرات ضدحکومتی ایرانیان در داخل و خارج ایران، موضوع قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی از اولویت مقامات اروپا خارج می‌شود.



رژه اعضای سپاه پاسداران در راهپیمایی حکومتی «روز قدس» / فروردین ۱۴۰۲

پاسداران انقلاب اسلامی و شبکه‌های مخفی تأمین کننده تسلیحات و پولشویی مرتبط با جمهوری اسلامی بر اساس گزارشی که اخیراً از سوی نمایندگان در کنگره آمریکا ارائه شد، حملات سپاه علیه پرسنل و پایگاه‌های آمریکا در منطقه به ۶۰۰ مورد در سال ۲۰۲۲ رسید.

همچنین بر اساس گزارش آژانس‌های امنیتی آلمان، عوامل رژیم ایران برای دستیابی به دانش و تجهیزات مورد نیاز جهت برنامه‌های اتمی خود تلاش می‌کنند با شرکت‌های آلمانی در ارتباط باشند.

بر اساس شواهد موجود، دستگاه اطلاعاتی رژیم ایران همچنین «در حال تجسس و مقابله با گروه‌های مخالف در داخل و خارج کشور است» که نشان می‌دهد رهبری جمهوری اسلامی همچنان نظارت بر فعالیت مخالفانش را که در خارج از کشور زندگی می‌کنند در اولویت فعالیت‌های جاسوسی خود دارد.

نه تنها فعالان سیاسی مخالف جمهوری اسلامی بلکه مقامات ارشد در پارلمان اروپا معتقدند برای مقابله با تهدیدات سپاه علیه صلح و ثبات بین‌المللی به ویژه برای مقابله با حمایت تسلیحاتی سپاه از روسیه در جنگ اوکراین و همچنین برای مقابله با سرکوب مردم در داخل ایران باید سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی اروپا قرار بگیرد.

بر اساس گزارش نهادهای اطلاعاتی غربی، دولت و شرکت‌های چینی یکی از اصلی‌ترین منابع تأمین کننده قطعات و تجهیزات پهپادهایی هستند که در ایران ساخته می‌شوند. روسیه از پهپادهای «شاهد ۱۳۶» و «آرش ۲» علیه اوکراین استفاده می‌کند. همچنین بخش عمده تجهیزات جاسوسی و شنود، دوربین‌های نظارتی هوشمند، فرستنده‌های پارازیت و نیز ادوات سرکوب که در نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی علیه مردم و معترضان مورد استفاده قرار می‌گیرد از چین تأمین می‌شود.

پوششی از راه چین، هنگ‌کنگ و مالزی اقدام به واردات انواع قطعات شامل کیت‌های الکترونیک، آنتن، سنسورهای کنترل از راه دور و موتور می‌کرد.

مخالفان جمهوری اسلامی تلاش می‌کنند با فشار بر مقامات دولت‌های قدرتمند از جمله بریتانیا آنها را برای قرار دادن سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی ترغیب کنند. آمریکا می‌تواند در اتخاذ چنین تصمیمی شرکای راهبردی خود را تشویق کند.

وحید بهشتی فعال سیاسی و مدافع حقوق بشر از اواسط بهمن ۱۴۰۱ در مقابل وزارت خارجه بریتانیا در لندن دست به اعتصاب غذا زده است تا دولت این کشور سپاه پاسداران را در لیست سازمان‌های تروریستی خود قرار دهد.

یک سخنگوی وزارت خارجه آمریکا به کیهان لندن می‌گوید: «موضع دولت بایدن در قبال سپاه پاسداران انقلاب اسلامی روشن است. ایالات متحده بیش از هر کشور دیگری در جهان سپاه و شبکه‌های مرتبط با آن را در فهرست تحریم‌ها قرار داده است. ما همچنین بطور منظم بسیاری از فرماندهان سپاه را در ارتباط با تروریسم و نقض حقوق بشر تحریم کرده‌ایم.»

وی همچنین گفت: «ما متحدان و شرکایمان را تشویق می‌کنیم تا از هر ابزار مناسبی برای فشار علیه سپاه استفاده کنند اما تصمیم با کشورها یا اتحادیه اروپا است که بر اساس ابزار و اختیارات قانونی که در دست دارند در راستای منافع ملی خود اقدام کنند... همانطور که می‌دانید، ما از تحریم‌های اخیر علیه تعدادی از مقامات سپاه توسط بریتانیا و اتحادیه اروپا استقبال و تقدیر کردیم.»

بخشی از نیروهای عضو «سپاه قدس» فعال در واحدهای تهاجمی سوریه شامل نیروهای ایرانی، افغان‌ها (فاطمیون) و زینبیون، علاوه بر حضور در مأموریت ضد نیروهای آمریکایی، در تظاهرات داخل ایران نیز بخشی از ماشین

یک منبع آگاه از مسائل ایران در پارلمان اروپا به کیهان لندن می‌گوید: «با فروکش کردن اعتراضات ایرانیان در داخل و بیرون ایران رهبران اتحادیه اروپا و بطور مشخص جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا بی‌سر و صدا موضوع قرار گرفتن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی را کنار می‌گذارند.»

همین منبع می‌گوید: «در هفته‌های اخیر تسلیحات بیشتری از سوی دولت‌های غربی به اوکراین ارسال شده. توان روسیه در این جنگ نیز نسبت به یکسال اول آن کاهش پیدا کرده است. این مسئله و همچنین فروکش کردن اعتراضات در ایران خواست قرار گرفتن سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی اروپا را مشمول مرور زمان می‌کند. توافق موقت رژیم با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هم دست‌کم چند هفته شدت فشار را از روی حکومت کاهش داده است.»

وی در مورد اینکه چرا از تلاش برخی دولت‌های اروپایی نیز برای قرار دادن سپاه پاسداران در لیست تروریستی کاسته شده توضیح می‌دهد: «از نظر قانونی برای اینکه پرونده مربوط به تروریستی اعلام شدن سپاه در یکی از دادگاه‌های اروپایی طرح شود، دست‌کم به یک مدرک [اقدام تروریستی] طی پنج سال اخیر در خاک اروپا توسط سپاه نیاز دارد. البته دست‌کم دو مورد پرونده در مورد توطئه‌های تروریستی سپاه در آلمان و اتریش وجود دارد. پرونده‌های دیگری هم هست از جمله انتقال محموله‌های تسلیحاتی اما مسئله اینجاست که برخی کشورهای اروپایی تمایلی برای بازکردن این پرونده‌ها ندارند چون پشت پرده معتقدند حد و اندازه‌ی فعلی اعتراضات آنقدر نیست که اروپا درگیر چنین مسئله‌ای شود. بنابراین علاوه بر اینکه مدام باید روی اروپا و انگلیس برای قرار دادن سپاه در فهرست تروریستی ازجمله با نامه اخیر نمایندگان بریتانیا و همچنین نامه نمایندگان کنگره آمریکا به بورل، فشار آورد،

نشست‌های واقعی و مجازی برای «آزادی» و «نجات» ایران با حضور حامیان قاسم سلیمانی و اصلاح‌طلبان!



آمریکا که مخالف صلح و امنیت در منطقه است را به مردم شریف ایران و خانواده آن شهید عزیز تسلیت عرض می‌کنیم و از خداوند منان علو درجات ایشان را مسئلت داریم.»

نشست مجازی «گفتگو برای نجات ایران»

دو روز پیش از برگزاری این جلسه در محل پارلمان اروپا، شماری از اصلاح‌طلبان، ملی‌مذهبی‌ها و همچنین جمهوریخواهان اصلاح‌طلب و تحول‌خواه و چپ‌گرا از جمله اردشیر امیراجمند، قانزه رفسنجانی، محسن کدیور، مصطفی تاجزاده (معاون امنیت وزارت کشور دولت اصلاحات)، قربان بهزادیان‌نژاد (رئیس ستاد انتخاباتی موسوی)، احسان شریعتی (پسر علی شریعتی)، علیرضا بهشتی شیرازی (مشاور میرحسین موسوی)، عبدالله ناصری، نرگس محمدی، منصوره شجاعی، رضا علیجانی، علی افشاری (عضو سابق شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت) و... در نشست مجازی با عنوان «گفتگو برای نجات ایران» شرکت کردند. محور بحث آنها نیز فراراندوم و برگزاری انتخابات آزاد بود.

شماری از حاضرین در این نشست مجازی از جمله علیرضا بهشتی و قربان بهزادیان‌نژاد از امضاکنندگان نامه تسلیت به مردم ایران پس از کشته شدن قاسم سلیمانی هستند و یا مثل مصطفی تاجزاده در مراسم تشییع جنازه سلیمانی شرکت کردند. از بین حاضرین در این نشست منصوره شجاعی (فعال حقوق زنان) در نشست سه روزه پارلمان اروپا نیز حضور دارد.

تأیید «زن زندگی آزادی» و نفی براندازی از سوی محمد خاتمی «رئیس جمهور اصلاحات»

از سوی دیگر محمد خاتمی رئیس دولت «اصلاحات» در سخنانی در جمع فعالان سیاسی و روزنامه‌نگاران با تأکید بر اینکه «راه برون‌رفت از اوضاع کنونی اصلاح‌طلبی است» با اشاره به شعار «زن، زندگی، آزادی» گفت: «من از این شعار به عنوان یک «شعار زیبا» تعبیر کردم، اما معتقدم اگر زندگی می‌خواهیم، زندگی در براندازی پیدا نمی‌شود؛ چرا که در آن صورت ایران روزگار خوبی نخواهد داشت و آشوب و ناآرامی‌های سنگینی را در پی خواهد داشت.»

محمد خاتمی پیشتر در ۱۵ آذرماه ۱۴۰۱ نیز در تأیید و حمایت از «شعار زن زندگی آزادی» حتا پیامی صادر کرده و گفته بود: «جامعه با شعار زیبای زن، زندگی، آزادی حرکت خود را به سوی آینده بهتر نشان می‌دهد.»

از میان افرادی که در نشست مجازی «گفتگو برای ایران» حضور داشتند تقریباً اغلب آنها سابقه همکاری با محمد خاتمی را دارند از جمله عبدالله ناصری که معتقد است «اگر کسی را جایگزین خاتمی کنیم جامعه نمی‌پذیرد.»

یکی دیگر از حاضرین در این نشست عبدالله مؤمنی فعال سیاسی اصلاح‌طلب و رئیس سابق «دفتر تحکیم وحدت» (اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور) است که توسط وزارت دادگستری آمریکا به اتهام دور زدن تحریم‌های آمریکا علیه حکومت ایران، تحت پیگرد بین‌المللی قرار دارد.

ریاست جمهوری علی‌خانم‌های، مهدیه گلرو عضو ستاد انتخاباتی مهدی کروبی رئیس سابق مجلس شورای اسلامی و چند تن از نمایندگان پارلمان اروپا از جمله هانا نویمن نماینده آلمان بودند.

حامد اسماعیلیون که به تازگی از شورای موسوم به «همبستگی» اعلام جدایی کرد در گفتگو با تلویزیون «ایران اینترنشنال» توضیح داد که «در این جلسه درباره ضرورت رساندن اینترنت آزاد به مردم ایران، کمک به خانواده‌های آسیب‌دیده و مبارزین داخل کشور و راه‌اندازی صندوق اعتصابات» صحبت کرده است.

هانا نویمن نماینده آلمان در پارلمان اروپا به «ایران اینترنشنال» گفت که ما در این نشست گفتگوهای «دو جانبه» یا «مشاوره‌های محرمانه» با «کسانی داشتیم که به نمایندگی از مردم داخل ایران که انقلاب کردند صحبت می‌کنند.»

وی با بیان اینکه «جمهوری اسلامی اصلاح‌پذیر نیست» گفت: «هدف از برگزاری این نشست این است که حمایت از مبارزات مردم ایران در دستور کار اتحادیه باقی بماند.» وی افزود: «من و بسیاری از همکارانم در پارلمان اروپا هنوز در حال اعمال فشار برای قرار دادن نام سپاه در لیست نهادهای تروریستی هستیم.» یکی از مسائلی که هانا نویمن در سخنرانی خود در این نشست مطرح کرد برگزاری «رفراندم» در ایران بود. خطی که اصلاح‌طلبان و جریان‌های وابسته به خانواده‌ی اکبر هاشمی رفسنجانی و برخی چهره‌های امنیتی جمهوری اسلامی آن را پیش می‌برند و هفته گذشته سبب واکنش خامنه‌ای نیز شد.

مهدیه گلرو فعال اصلاح‌طلب نیز در مصاحبه‌ای گفته در این نشست در باره «لیبی شدن» و «سودانی» شدن ایران توضیح داده است. او توضیح داد نشست روز اول «حقوق بشری» بود و جلسه روز دوم «با رویکرد فمینیستی» خواهد بود.

همزمان با برگزاری این نشست گزارشی از نتیجه «تحقیقاتی» درباره «انقلاب فمینیستی در ایران» منتشر شد که حزب چپ در پارلمان اروپا آن را سفارش داده بود. در این گزارش ادعا شده «گسترش تحریم‌ها علیه سپاه پاسداران می‌تواند نتیجه معکوس داشته باشد.»

همچنین در این گزارش تأکید شده است: «با توجه به سرکوب مداوم، اتحادیه اروپا باید سیاست خود در قبال ایران را مورد ارزیابی مجدد قرار دهد. تمرکز باید بر پیگرد سیاسی و حقوقی نقض حقوق بشر باشد و نه گسترش تحریم‌ها به سپاه پاسداران یا اقتصاد.»

حامیان قاسم سلیمانی در نشست «همبستگی برای آزادی ایران»
اردشیر امیراجمند از شرکت‌کنندگان در نشست پارلمان اروپا از جمله مشاوران میرحسین موسوی بود که دی‌ماه ۱۳۹۸ پس از کشته شدن قاسم سلیمانی فرمانده «سپاه قدس» برای «شهادت» وی پیام تسلیت فرستادند.

مشاوران نخست‌وزیر سابق جمهوری اسلامی در این نامه از قاسم سلیمانی به عنوان «سردار سرافراز» نام برده و نوشته بودند «شهادت ایشان از اقدام تروریستی و مغایر با موازین بین‌المللی

● نخستین روز نشست سه روزه «همبستگی با ایران» با حضور شماری از فعالین سیاسی چپ‌گرا، اصلاح‌طلب و تحول‌خواه در محل پارلمان اروپا برگزار شد.

● از چهره‌های حاضر در این نشست حامد اسماعیلیون سخنگوی سابق انجمن قربانیان «پرواز ۷۵۲»، اردشیر امیراجمند مشاور میرحسین موسوی نخست‌وزیر دوران رهبری روح‌الله خمینی و ریاست جمهوری علی‌خانم‌های، مهدیه گلرو عضو ستاد انتخاباتی مهدی کروبی رئیس سابق مجلس شورای اسلامی و چند تن از نمایندگان پارلمان اروپا از جمله هانا نویمن نماینده آلمان بودند.

● هانا نویمن نماینده آلمان در پارلمان اروپا به «ایران اینترنشنال» گفت که ما در این نشست گفتگوهای «دو جانبه» یا «مشاوره‌های محرمانه» با «کسانی داشتیم که به نمایندگی از مردم داخل ایران که انقلاب کردند صحبت می‌کنند.»

● اردشیر امیراجمند از شرکت‌کنندگان در نشست پارلمان اروپا از جمله مشاوران میرحسین موسوی بود که دی‌ماه ۱۳۹۸ پس از کشته شدن قاسم سلیمانی فرمانده «سپاه قدس» برای «شهادت» وی پیام تسلیت فرستادند.

● مهدیه گلرو فعال اصلاح‌طلب در مصاحبه‌ای گفته در این نشست در باره «لیبی شدن» و «سودانی» شدن ایران توضیح داده است. او گفت نشست روز اول «حقوق بشری» بود و روز دوم «با رویکرد فمینیستی» خواهد بود.

● همزمان با برگزاری این نشست گزارشی از نتیجه «تحقیقاتی» درباره «انقلاب فمینیستی در ایران» منتشر شد که حزب چپ در پارلمان اتحادیه اروپا آن را سفارش داده بود. در این گزارش ادعا شده «گسترش تحریم‌ها علیه سپاه پاسداران می‌تواند نتیجه معکوس داشته باشد.»

● دو روز پیش از برگزاری این جلسه در محل پارلمان اروپا، شماری از اصلاح‌طلبان، ملی‌مذهبی‌ها و همچنین جمهوریخواهان اصلاح‌طلب و تحول‌خواه و چپ‌گرا در نشست مجازی با عنوان «گفتگو برای نجات ایران» شرکت کردند.

● همزمان محمد خاتمی رئیس دولت «اصلاحات» در سخنانی با تأکید بر اینکه «راه برون‌رفت از اوضاع کنونی اصلاح‌طلبی است» با اشاره به شعار «زن، زندگی، آزادی» گفت: «من از این شعار به عنوان یک «شعار زیبا» تعبیر کردم، اما معتقدم اگر زندگی می‌خواهیم، زندگی در براندازی پیدا نمی‌شود؛ چرا که در آن صورت ایران روزگار خوبی نخواهد داشت و آشوب و ناآرامی‌های سنگینی را در پی خواهد داشت.»

نخستین روز نشست سه روزه «همبستگی با ایران» سه‌شنبه ۲۵ آوریل (۵ اردیبهشت) با حضور شماری از فعالین سیاسی چپ‌گرا، اصلاح‌طلب و تحول‌خواه در محل پارلمان اروپا برگزار شد.

از چهره‌های حاضر در این نشست حامد اسماعیلیون سخنگوی سابق انجمن قربانیان «پرواز ۷۵۲»، اردشیر امیراجمند مشاور میرحسین موسوی نخست‌وزیر دوران رهبری روح‌الله خمینی و



اولین جلسه دادگاه مهدی شارمهدی ۱۷ بهمن ۱۴۰۰

تأیید حکم اعدام جمشید شارمهدی در دیوان عالی کشور

● جمشید شارمهدی امداد سال ۱۳۹۹ با یک سناریوی امنیتی از سوی وزارت اطلاعات دولت حسن روحانی به دومی کشانده شد و پس از ربوده شدن به ایران منتقل گشت. آنالنا بریوک وزیر خارجه آلمان: «تأیید حکم اعدام علیه جمشید شارمهدی غیرقابل قبول است. جمشید شارمهدی در هیچ زمانی امکان یک محاکمه عادلانه نداشت. ما از ایران می‌خواهیم این حکم خودسرانه را فوری لغو کند.»

● نوربرت روتگن عضو کمیسیون سیاست خارجی پارلمان آلمان: «حکم اعدام علیه جمشید شارمهدی تأیید شده و حالا می‌تواند اجرا شود. زندگی او در خطر جدی قرار دارد. آدم‌ربایی و گروهانگیری سیاسی جمشید شارمهدی نشان می‌دهد که این رژیم تا چه اندازه به شدت غیرانسانی عمل می‌کند.»

● جمشید شارمهدی در دادگاه با بیش از ۲۵ عنوان اتهامی از جمله «فساد فی الارض» روبروست.

● از سوی دیگر جمشید شارمهدی از حق دسترسی به وکیل انتخابی محروم بوده و وکیل تسخیری این پرونده نیز از خانواده شارمهدی تقاضای ۲۵ هزار دلار پول کرده بود.

حکم اعدام جمشید شارمهدی شهروند دوتابعیتی و فعال سیاسی پادشاهی‌خواه در دیوان عالی کشور تأیید شد. به این ترتیب حکم اعدام وی به بخش اجرای احکام قوه قضاییه رفته و احتمال اعدام این فعال سیاسی دوتابعیتی تقویت شده است.

روابط عمومی دیوان عالی کشور امروز چهارشنبه ششم اردیبهشت ۱۴۰۲ اعلام کرد حکم اعدام جمشید شارمهدی فعال سیاسی پادشاهی‌خواه در این دیوان تأیید شده است. در رأی شعبه دیوان عالی کشور آمده است در لایحه فرجام‌خواه، دلیل و مدرکی که موجبات نقض رأی را فراهم آورد وجود ندارد و دادنامه محکوم علیه مطابق دلایل موجود در پرونده و طبق قانون صادر شده است.

آنالنا بریوک وزیر خارجه آلمان از حزب سبزها در توییتی اظهار داشت: «تأیید حکم اعدام علیه جمشید شارمهدی غیرقابل قبول است. جمشید شارمهدی در هیچ زمانی امکان یک محاکمه عادلانه نداشت. ما از ایران می‌خواهیم این حکم خودسرانه را فوری لغو کند.»

نوربرت روتگن از حزب دمکرات مسیحی و عضو کمیسیون سیاست خارجی پارلمان آلمان با بازنشر توییت خبرگزاری میزان نوشت: «حکم اعدام علیه جمشید شارمهدی تأیید شده و حالا می‌تواند اجرا شود. زندگی او در خطر جدی قرار دارد. آدم‌ربایی و گروهانگیری سیاسی جمشید شارمهدی نشان می‌دهد که این رژیم تا چه اندازه به شدت غیرانسانی عمل می‌کند.»

خبرگزاری «میزان» وابسته به قوه قضائیه جمهوری اسلامی حدود دو ماه پیش در دوم اسفند ۱۴۰۱ نقل از روابط عمومی

دادگستری کل استان تهران اعلام کرده بود که جمشید شارمهدی خبرنگار رادیویی و شهروند آلمانی- ایرانی ساکن آمریکا به اتهام «افساد فی الارض از طریق طراحی و هدایت اقدامات تروریستی» به اعدام محکوم شده است. در گزارش خبرگزاری «میزان» آمده بود که جمشید شارمهدی «به همراه تعدادی از عناصر سلطنت‌طلب از جمله فتح‌الله منوچهری و فرود فولادوند گروه «تندر» را در اواسط سال ۱۳۸۲ با رویکرد تئوریزه کردن تروریست ضددینی در انگلستان تاسیس کردند.»

جمشید شارمهدی امداد سال ۱۳۹۹ با یک سناریوی امنیتی از سوی وزارت اطلاعات دولت حسن روحانی به دومی کشانده شد و پس از ربوده شدن به ایران منتقل شد. هر چند مقامات حکومتی اطلاعات ضد و نقیضی از محل ربودن شارمهدی از جمله از جمله مرز پاکستان، امارات و تاجیکستان را مطرح کرده‌اند اما خانواده شارمهدی گفته‌اند آخرین خبری که از او داشته‌اند در جریان سفر به امارات بوده است.

رسیدگی به پرونده شارمهدی در هشت جلسه با ریاست قاضی ابوالقاسم صلواتی برگزار شد و از تصاویری که در جریان جلسات دادگاه خبرگزاری‌های حکومتی از وی منتشر می‌کردند چهره وی نیز نشان می‌داد که به شدت زیر فشار قرار دارد.

جمشید شارمهدی در دادگاه با بیش از ۲۵ عنوان اتهامی روبرو شد که بنا بر کیفرخواست شامل موارد زیر بوده است:

-افساد فی الارض از طریق هدایت و رهبری گروه تروریستی تندر

-طراحی و هدایت اقدامات تروریستی، همبگذاری در حسینیه شیراز مورخه ۲۴ فروردین سال ۱۳۸۷ که موجب به شهادت رسیدن ۱۴ نفر و مجروح شدن بیش از ۳۰۰ نفر شد. -همبگذاری در دهانه تونل سد سیوند در شیراز و برنامه ریزی و طراحی جهت ترور مستولان

-برنامه‌ریزی و ساخت همب جهت انفجار در کتابخانه و حوزه علمیه آیت‌الله گلپایگانی در قم که منجر به آتش‌سوزی در هتل جهان تهران شد.

-انفجار در کفشداری «حرم خمینی» و به هلاکت رسیدن تروریست بیژن عباسی در ۳۰ خرداد ۱۳۸۸

-انفجار دکل صدا و سیما شیراز

-انفجار همب صوتی در پالایشگاه آبدانان ایلام، تحریق پالایشگاه شاهرود

-افشای اطلاعات طبقه بندی شده مختصات موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

-ارتباط و همکاری با افسران اطلاعاتی دولت متخاصم آمریکا و رژیم صهیونیستی، تأمین مالی اقدامات تروریستی در ایران به مبلغ بیش از ۳۰ هزار دلار

-برنامه‌ریزی و طراحی انفجار لوله‌های انتقال نفت بندر

گناه

-برنامه‌ریزی به قصد ترور یکی از مقامات محلی شهرستان میروان

-برنامه‌ریزی به قصد همب‌گذاری در سرکنسولگری روسیه در رشت

-برنامه‌ریزی به قصد همب‌گذاری در مصلاي رشت حین برگزاری نماز جمعه

-طراحی و برنامه‌ریزی به قصد ترور استاندار وقت گیلان -طراحی و برنامه ریزی به قصد مسموم کردن آب شرب شهر مقدس قم

-برنامه‌ریزی به قصد انفجار در حرم «حضرت معصومه»

-برنامه‌ریزی به قصد همب‌گذاری در حوزه علمیه امامزاده «شاه فیض» شیراز

-برنامه‌ریزی به قصد همب‌گذاری در مسجد دانشگاه شیراز

-برنامه‌ریزی به قصد همب‌گذاری در سرویس‌های حمل و نقل پرسنل سپاه و بسیج

-برنامه‌ریزی به قصد ترور امام جمعه وقت شیراز، برنامه ریزی به قصد سرقت مسلحانه از بانک‌ها و صرافی‌ها

-برنامه‌ریزی به قصد انفجار در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران

-برنامه‌ریزی به قصد انفجار در حوزه علمیه «حضرت عبدالعظیم حسنی» در شهری

-برنامه‌ریزی به قصد عملیات تروریستی در مجلس شورای اسلامی

-برنامه‌ریزی جهت انفجار در وزارت امور خارجه و طراحی ۳۰ اقدام دیگر که با اشراف اطلاعاتی «سربازان گمنام امام زمان» خنثی شد.

در جلسه دادگاه نماینده دادستان درباره گروه «تندر» گفته بود: «این گروهک تروریستی با بهره‌گیری از رسانه‌های دیداری، شنیداری و مجازی مطالب توهین‌آمیزی علیه دین مبین اسلام انجام داده است. پس از انتخاب شارمهدی در سال ۸۵ به عنوان سرکرده گروه از رویکرد نرم به رویکرد سخت و تروریستی تغییر مسیر می‌دهد و به اقدامات تروریستی در اماکن مذهبی، اقتصادی و حساس می‌پردازد.»

غزاله شارمهدی دختر جمشید شارمهدی پیشتر گفته بود که پدرش در زندان به شدت شکنجه شده و وزن زیادی از دست داده است. همچنین گفته می‌شود که درخواست وی برای درمان بیماری پارکینسون رد شده است.

از سوی دیگر شارمهدی از حق دسترسی به وکیل انتخابی محروم و وکیل تسخیری این پرونده نیز از خانواده شارمهدی تقاضای ۲۵ هزار دلار پول کرده بود. به گفته خانواده شارمهدی به وکیل انتخابی او که توسط خانواده و دیپلمات‌های آلمانی استخدام شده بود، اجازه دسترسی به شارمهدی داده نشده است.

چه عواملی سعودی‌ها را به پای میز مذاکره با جمهوری اسلامی ایران کشاند؟



دیدار وزرای خارجه جمهوری اسلامی و عربستان سعودی در پکن

بلکه با موشک‌های بالستیک و پهپادهایی که توسط تهران تامین می‌شد، بطور مستقیم به عمق خاک عربستان حمله می‌کردند. اگرچه ایالات متحده خیلی محدود اقدام به حمایت از عربستان سعودی کرد، اما همزمان با این کمک‌ها، به سعودی‌ها برای رسیدن به توافق با حوثی‌ها و تهران نیز فشار وارد می‌کرد.

محاصره دریایی توسط ائتلاف سعودی برای محدود کردن ارسال تسلیحات نظامی تهران به حوثی‌ها چندان برای این کشور کارساز نبود و عدم تمایل ایالات متحده به کمک بیشتر در این زمینه نیز مشکلات عربستان را تشدید کرد. در حالی که سعودی‌ها در دوران دولت ترامپ به تقویت روابط با ایالات متحده جهت فشار متقابل به رژیم تهران امیدوار بودند، حمله جمهوری اسلامی به تاسیسات آرامکو در سال ۲۰۱۹ که باعث توقف نیمی از تولید نفت عربستان شد، واقعیت تلخی را برای آنها فاش کرد و آن اینکه ایالات متحده نمی‌تواند شریک قابل اتکایی برای تضمین امنیت کشورشان باشد- حتی اگر دولت حاکم بر آمریکا یک دولتی جمهوریخواه باشد. عدم واکنش ایالات متحده در پاسخ به آن حمله، همچنین محدودیت حمایت آمریکا از عربستان را نشان داد. این موضوع عربستان را در برابر رقبای منطقه‌ای آسیب‌پذیرتر و منزوی‌تر کرد.

این حمله همچنین در نهایت نشان داد که آمریکا دیگر بطور کامل به پیمان امنیتی دیرینه خود با عربستان سعودی که از جنگ جهانی دوم به اینسو در مناسبات سیاسی بین دو کشور یک اصل بنیادین بود، دیگر متعهد نیست.

رفتار تحقیرآمیز پرزیدنت بایدن با شاهزاده محمد بن سلمان، حاکم واقعی عربستان سعودی، روابط را تیره‌تر کرد. بایدن در دوران کمپین انتخاباتی‌اش قول داده بود که اگر رئیس‌جمهور شود عربستان سعودی را به یک کشور «منزوی» تبدیل کند. دولت جدید ایالات متحده در ابتدای شروع کار خود با حذف حوثی‌ها از فهرست گروه‌های تروریستی ایالات متحده و تمرکز بیشتر سیاست خارجی خود در قبال عربستان با تکیه بر قتل وحشیانه جمال

خارجی متناقض این کشور باعث شد تا با شریک امنیتی دیرینه‌اش عربستان سعودی، رفتاری غیردیپلماتیک داشته باشد و همزمان «دیپلماسی» در هر شرایطی را با دشمن قسم خورده خود، یعنی رژیم جمهوری اسلامی در اولویت قرار دهد.

رژیم ایران که در هفت ماه گذشته با یک خیزش مردمی بزرگ علیه حاکمیت خود مواجه شده است نیز مزایای زیادی از این توافق به دست می‌آورد. این توافق یک پیروزی برای استراتژی «حمایت از گروه‌های نیابتی» جمهوری اسلامی به شمار می‌رود که در سراسر خاورمیانه گسترانده شده‌اند و در یک نمونه خاص حضور حوثی‌ها را در مرزهای عربستان سعودی تثبیت کرده است.

دولت عربستان سعودی پس از سال‌ها درگیری مسلحانه با حوثی‌ها با قبول ضمنی شکست تاکتیکی خود مجبور به مسامحه و قبول این توافق شد.

عربستان سعودی و جمهوری اسلامی از زمان انقلاب سال ۱۳۵۷ که رژیم اسلامی در تهران به قدرت رسید، به عنوان رقیب و دشمنان اصلی یکدیگر به شمار می‌روند. روحانیون شیعه حاکم بر ایران برای مقابله با عربستان در منطقه، از لبنان و یمن گرفته تا عراق و سرزمین‌های فلسطینی از گروه‌های نیابتی استفاده کرده‌اند. اما پشتیبانی و تسلیح حوثی‌ها با سلاح‌های پیشرفته توسط رژیم ایران از سال ۲۰۱۴، شاید بزرگ‌ترین تهدید برای امنیت و نفوذ سعودی‌ها در حیطه خلوتش باشد.

تصرف شهر صنعا توسط شورشیان حوثی یمن و سرنگونی دولت منصور بن هادی در سال ۲۰۱۵، نقطه آغاز درگیری بین عربستان سعودی و حوثی‌ها بود و باعث شد این کشور به اقدام نظامی با هدف بازگرداندن دولت رسمی یمن به قدرت و توقف پیشروی‌های شبه‌نظامیان حوثی دست بزند. سعودی‌ها که تحمل حضور یک گروه ستیزه‌جوی شیعه در حیطه خلوتشان را نداشتند خیلی زود خود را در دامنه نبرد سخت و چالش‌برانگیز با حوثی‌ها یافتند. حوثی‌ها نه تنها بخش عظیمی از یمن را تصرف کردند

● ولیعهد عربستان سعودی، شاهزاده بن سلمان، انتظار داشت که برای اصلاحات پیشگامانه‌اش در این کشور محافظه‌کار و همچنین آغاز روند غیررسمی عادی‌سازی روابط با اسرائیل مورد تحسین و تشویق کشورهای غربی قرار بگیرد. اما در عوض، مشاهده کرد که شریک قدیمی کشورش، آمریکا، با پادشاهی سعودی به مثابه یک دشمن رفتار می‌کند.

● با نادیده گرفتن مکرر نگرانی‌های امنیتی عربستان از سوی آمریکا و تاکید مکرر این کشور بر پرونده خاشقچی، سعودی‌ها روند دور شدن از ایالات متحده و روی آوردن به جمهوری خلق چین را آغاز کردند. برای سعودی‌ها، چین یک رابطه بدون دردسر، در همکاری‌های اقتصادی و ابزاری بالقوه برای مقابله با تهدیدهای فزاینده جمهوری اسلامی ارائه می‌کرد.

● توافق با جمهوری اسلامی اگرچه ممکن است حملات موشکی حوثی‌ها به خاک عربستان را موقتا متوقف کند، اما حکومت ایران عملاً یک پایگاه دائمی از طریق گروه نیابتی خود، حوثی‌ها، در بغل گوش سعودی‌ها ایجاد کرده است. این به جمهوری اسلامی یک امکان بالقوه به عنوان اهرم فشار علیه پادشاهی سعودی در هر زمانی که آن را لازم ببیند می‌دهد.

● تا زمانی که واشنگتن رویکرد خود را تغییر ندهد، طمع فزاینده چین برای پر کردن خلاء عقب‌نشینی آمریکا از منطقه، و تمایل فرصت‌طلبانه رژیم ایران برای گرفتن امتیازات بیشتر از متحدان ایالات متحده، توازن قوا در خاورمیانه را بیش از پیش به نفع جمهوری خلق چین و جمهوری اسلامی ایران تغییر خواهد داد.

نوید محبی - نزدیکی اخیر جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی با میانجیگری پکن، واشنگتن را در معادلات خاورمیانه به گوشه انزوا رانده و در عین حال نفوذ چین در خاورمیانه را به میزان قابل توجهی افزایش می‌دهد. اما ایالات متحده کسی جز خود را نمی‌تواند بابت آن سرزنش کند، چرا که تمایلش به دور شدن از خاورمیانه و سیاست

روزنامه تلگراف: درخواست اسرائیل از چین برای مقابله با تهدید اتمی جمهوری اسلامی



یک بشکه حاوی «کیک زرد» که توسط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مهر و موم شده در تأسیسات غنی‌سازی اصفهان در حضور بازرسان آژانس جایجا می‌شود / ۸ اوت ۲۰۰۵ / عکس: Getty Images

بیانیه وزارت خارجه چین در مورد تماس تلفنی مقامات اسرائیل تنها به این موضوع اشاره داشت که چگونه اسرائیل «از نزدیک موضوع هسته‌ای ایران را دنبال می‌کند و از چین انتظار دارد نقش مثبتی ایفا کند».

در این بیانیه همچنین آمده وزیر خارجه چین در تماس با کوهن تاکید کرده بود که گرم شدن روابط ایران و عربستان «نمونه خوبی برای حل اختلافات از طریق گفتگو» است.

گزارش چینی‌ها در ارتباط با این تماس تلفنی بیشتر بر مناقشه اسرائیل و فلسطین متمرکز بود و چین پیشنهاد تجدید مذاکرات صلح را داد و بر «اجرای راهکار دو کشوری» تاکید کرد. پیروزی دیپلماتیک ممکن است به گزارش تلگراف، یک منبع آگاه به استراتژی اسرائیل و عربستان سعودی در قبال جمهوری اسلامی، گفت که توقف برنامه هسته‌ای ایران از طریق مذاکره نامحتمل است، اما آنها پیشنهاد کردند که اگر چین در یک توافق نمادین با ایران میانجیگری کند- مانند تعهد به توقف برنامه در زمان کنونی- آستانه اتمی شدن رژیم به تأخیر می‌افتد که این می‌تواند به عنوان یک بُرد دیپلماتیک برای هر سه کشور باشد. عربستان سعودی و چین می‌توانند از چنین توافقی برای تقویت جایگاه خود به عنوان رقیب آمریکا در خاورمیانه استفاده کنند و بطور بالقوه خلاء دولت بایدن که دخالت خود را در منطقه کاهش داده است، پر کنند.

در این گزارش آمده با این توافق احتمالی بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل نیز می‌تواند مدعی پیروزی در سیاست خارجی باشد که ممکن است توجه منتقدان او را از یک بحران داخلی عمده و مداوم بر سر برنامه‌های بحث‌برانگیز او جهت بازنگری سیستم حقوقی کشور منحرف کند.

با این حال، به نظر می‌رسد که انگیزه نتانیاهو برای بازگشایی مذاکرات صلح با فلسطینیان، حداقل به صورت علنی، محدود باشد. مخالفان رژیم ایران می‌گویند هرگونه معامله اتمی با آیت‌الله‌ها به جنبش آزادیخواهان مردم ایران لطمه می‌زند و میلیاردها دلار پول به جیب حکومت سرازیر می‌شود که صرف گسترش تروریسم از طریق ارسال پول و اسلحه برای گروه‌های نیابتی خواهد شد.

● کمتر از ۴۸ ساعت پس از پایان سفر چهار روزهی شاهزاده رضا پهلوی به اسرائیل، روزنامه انگلیسی «تلگراف» نوشت وزیر خارجه دولت اسرائیل در حال لابی با دولت چین برای کمک به از بین بردن برنامه اتمی جمهوری اسلامی است. ● الی کوهن وزیر خارجه اسرائیل گفت: «من با وزیر خارجه چین درباره خطری که در برنامه هسته‌ای ایران می‌بینم صحبت کردم، خطری که بین بسیاری از کشورهای منطقه از جمله کشورهایی که روابط دیپلماتیک با ایران دارند، مشترک است. جامعه جهانی باید فوراً برای جلوگیری از دستیابی رژیم آیت‌الله به توانمندی‌های هسته‌ای اقدام کند».

● به گزارش «تلگراف»، یک منبع آگاه به استراتژی اسرائیل و عربستان سعودی در قبال جمهوری اسلامی، گفت که توقف برنامه هسته‌ای ایران از طریق مذاکره نامحتمل است، اما آنها پیشنهاد کردند که اگر چین در یک توافق نمادین با ایران میانجیگری کند- مانند تعهد به توقف برنامه در زمان کنونی- آستانه اتمی شدن رژیم به تأخیر می‌افتد که این می‌تواند به عنوان یک بُرد دیپلماتیک برای هر سه کشور باشد.

کمتر از ۴۸ ساعت پس از پایان سفر چهار روزهی شاهزاده رضا پهلوی به اسرائیل، روزنامه انگلیسی «تلگراف» شنبه ۲۲ آوریل (۲ اردیبهشت) گزارش داد اسرائیل در حال لابی با دولت چین برای کمک به از بین بردن برنامه اتمی جمهوری اسلامی است. با افزایش نگرانی‌ها از افزایش سطح غنی‌سازی اورانیوم در ایران الی کوهن وزیر خارجه اسرائیل، این هفته از همتای چینی خود خواسته است تا از نفوذ این کشور بر تهران برای توقف دستیابی رژیم به سلاح هسته‌ای استفاده کند. در این گزارش آمده میانجیگری چین برای توافق امنیتی میان ایران و عربستان نشان داد این کشور به یک بازیگر جدید دیپلماتیک در منطقه تبدیل شده است. این توافق منجر به بازگشایی سفارتخانه‌های ریاض و تهران و از سر گرفتن پروازها شد و همچنین این امید را ایجاد کرده که ممکن است تلاش‌ها برای بازگرداندن صلح در یمن را تقویت کند، جایی که دو کشور از طرفین مخالف حمایت می‌کنند.

حالا به نظر می‌رسد اسرائیل امیدوار است که موفقیت‌های اولیه چین در ارتباط به مناسبات جمهوری اسلامی و پادشاهی سعودی به حل بحران هسته‌ای نیز تعمیم داده شود. بحرانی که احتمال دارد سرانجام به یک درگیری نظامی مستقیم بین اورشلیم و تهران تبدیل شود. اسرائیل بارها تهدید کرده است که برنامه هسته‌ای ایران را که آن را یک تهدید برای موجودیت خود می‌داند، هدف قرار می‌دهد مگر اینکه راهکار دیپلماتیک جدی پیدا شود. اسرائیل در گذشته متهم به برنامه‌ریزی چند عملیات مخفیانه جهت خرابکاری در تأسیسات اتمی جمهوری اسلامی و ترور دانشمندان اتمی ایران شده است.

آنچه نگرانی از برنامه‌های اتمی ایران را تشدید کرده، گزارش بازرسان آژانس در مورد کشف ذرات اورانیوم با غلظت ۸۴ درصد در تأسیسات اتمی فردو قم است.

الی کوهن وزیر خارجه اسرائیل گفت: «من با وزیر خارجه چین درباره خطری که در برنامه هسته‌ای ایران می‌بینم صحبت کردم، خطری که بین بسیاری از کشورهای منطقه از جمله کشورهایی که روابط دیپلماتیک با ایران دارند، مشترک است. جامعه جهانی باید فوراً برای جلوگیری از دستیابی رژیم آیت‌الله به توانمندی‌های هسته‌ای اقدام کند».

→ خاشقجی، خبرنگار مستقر در واشنگتن که اغلب به انتقاد از محمدبن سلمان می‌پرداخت، روابط را بیشتر متشنج کرد.

ولیعهد عربستان سعودی، شاهزاده بن سلمان، انتظار داشت که برای اصلاحات پیشگامانه‌اش در این کشور محافظه‌کار و همچنین آغاز روند غیررسمی عادی‌سازی روابط با اسرائیل مورد تحسین و تشویق کشورهای غربی قرار بگیرد. اما در عوض، مشاهده کرد که شریک قدیمی کشورش، آمریکا، با پادشاهی سعودی به مثابه یک دشمن رفتار می‌کند.

با ناپدید شدن مکرر نگرانی‌های امنیتی عربستان از سوی آمریکا و تاکید مکرر این کشور بر پرونده خاشقجی، سعودی‌ها روند دور شدن از ایالات متحده و روی آوردن به جمهوری خلق چین را آغاز کردند. برای سعودی‌ها، چین یک رابطه بدون دردسر، در همکاری‌های اقتصادی و ابزاری بالقوه برای مقابله با تهدیدهای فزاینده جمهوری اسلامی ارائه می‌کند.

با کمتر شدن فزاینده حمایت آمریکا، تشدید حملات جمهوری اسلامی ایران و موشک‌پرانی‌های مکرر حوثی‌ها که آسیب‌های جدی به زیرساخت‌های سعودی وارد می‌کند، و همچنین به خطر افتادن آمال سعودی‌ها برای اجرای چشم‌انداز ۲۰۳۰، آنها خود را در مخمصه‌ای آسیب‌پذیر یافتند. عربستان به‌واقع چاره‌ای نداشت جز اینکه بپذیرد سیاست‌های موجود نمی‌تواند آن را به اهدافش برساند و می‌بایست با جمهوری اسلامی سازش و مصالحه کند.

از سوی دیگر، جمهوری اسلامی با تثبیت سلطه گروه مورد نظر خود در یمن از طریق استراتژی موفقیت‌آمیز «اتکا بر نیروهای نیابتی»، طرف پیروز ماجرا شد. اگرچه ممکن است این آشتی حملات موشکی حوثی‌ها به خاک عربستان را موقتا متوقف کند، اما حکومت ایران عملاً یک پایگاه دائمی از طریق گروه نیابتی خود، حوثی‌ها، در بغل گوش سعودی‌ها ایجاد کرده است. این به جمهوری اسلامی یک امکان بالقوه به عنوان اهرم فشار علیه پادشاهی سعودی در هر زمانی که آن را لازم ببیند می‌دهد.

دولت بایدن توافق جدید پادشاهی عربستان و جمهوری اسلامی ایران را به عنوان «تأمین‌کننده ثبات» در خاورمیانه ستوده است. اما در پشت صحنه، گزارش شد که تیم او از توافق اخیر غافلگیر شده و در همین راستا ویلیام برنز رئیس سیا به ریاض سفر کرد تا اطلاعات بیشتری درباره این تصمیم عربستان به دست آورد. با وجود حمایت شفاهی جان کربی سخنگوی شورای امنیت ملی آمریکا از این توافق، ایالات متحده بیکار دیگر به متحدان خاورمیانه خود یادآوری کرده که این کشور، یعنی آمریکا، تعهد خلل‌ناپذیری را که رژیم جمهوری اسلامی به گروه‌های نیابتی‌اش دارد، نسبت به متحدان قدیمی‌اش در منطقه ندارد!

در این شطرنج ژئوپلیتیک، این معامله برای عربستان سعودی و ایالات متحده یک باخت محسوب می‌شود، در حالی که رژیم ایران برنده این توافق است. تا زمانی که واشنگتن رویکرد خود را تغییر ندهد، طمع فزاینده چین برای پر کردن خلاء عقب‌نشینی آمریکا از منطقه، و تمایل فرصت‌طلبانه رژیم ایران برای گرفتن امتیازات بیشتر از متحدان ایالات متحده، توازن قوا در خاورمیانه را بیش از پیش به نفع جمهوری خلق چین و جمهوری اسلامی ایران تغییر خواهد داد.

*نوید محبی یکی از مدیران سازمان اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران (نوفدی) است.

*این مطلب نخست در وبسایت نوفدی به زبان انگلیسی منتشر شده است.

آمار رو به افزایش خودکشی در ایران ارتباط مستقیم با «شاخص فلاکت» دارد



- طی یک دهه گذشته بیش از ۴۰ هزار مرگ ناشی از خودکشی توسط نیروی انتظامی ثبت و ضبط شده است. این رقم بیش از دو برابر کل آمار قتل در دهه ۱۳۹۰ است، که کمتر از ۲۰ هزار تن گزارش شده بود.
- طبق آمار نیروی انتظامی در فاصله سالهای ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹، هر سال بطور متوسط ۴۱۸۳ نفر در ایران به دلیل خودکشی جان خود را از دست داده‌اند.
- افزایش ۴۰ درصدی میزان خودکشی منجر به مرگ در ایران نشان می‌دهد میان نابرابری اقتصادی، بیکاری و تورم، به عنوان عوامل اقتصادی که تبعات اجتماعی آنها فراگیر است، با خودکشی ارتباط مستقیم وجود دارد.

«پایگاه داده‌ای باز ایران» در گزارشی به افزایش ۴۰ درصدی خودکشی در ایران پرداخته و با ارائه آمارهایی نشان داده این افزایش با نرخ فلاکت در ایران رابطه مستقیم داشته است.

طی یک دهه گذشته بیش از ۴۰ هزار مرگ ناشی از خودکشی توسط نیروی انتظامی ثبت و ضبط شده است. این رقم بیش از دو برابر کل آمار قتل در دهه ۱۳۹۰ است، که کمتر از ۲۰ هزار تن گزارش شده بود. همچنین در آمارهای نیروی انتظامی تعداد قابل توجهی مرگ، تحت عنوان «سایر موارد مرگ‌های مشکوک» وجود دارد که دقیقاً مشخص نیست به چه مواردی اطلاق می‌شود. آمار این مرگ‌های مشکوک در دهه ۱۳۹۰، حدود ۶ برابر آمار کل خودکشی و ۱۲ برابر آمار قتل است. در این گزارش تأکید شده که بجز نیروی انتظامی، دو نهاد دیگر یعنی پزشکی قانونی و وزارت بهداشت هم بطور پراکنده آمارهای مربوط به خودکشی را ارائه می‌کنند که اطلاعات آنها بطور عمومی در دسترس نیست. اما نقل

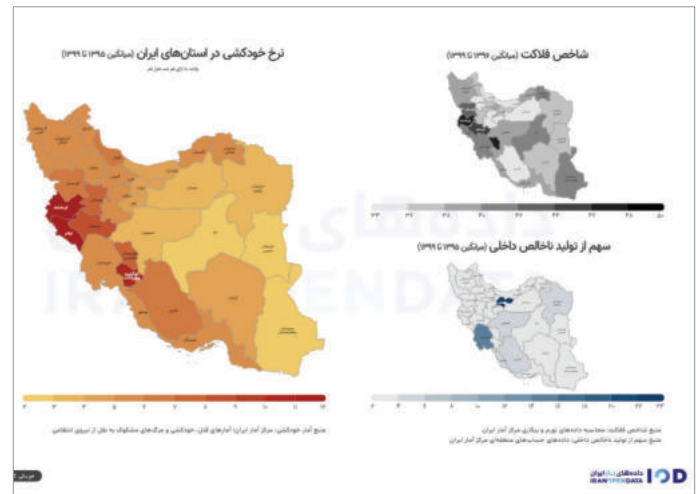
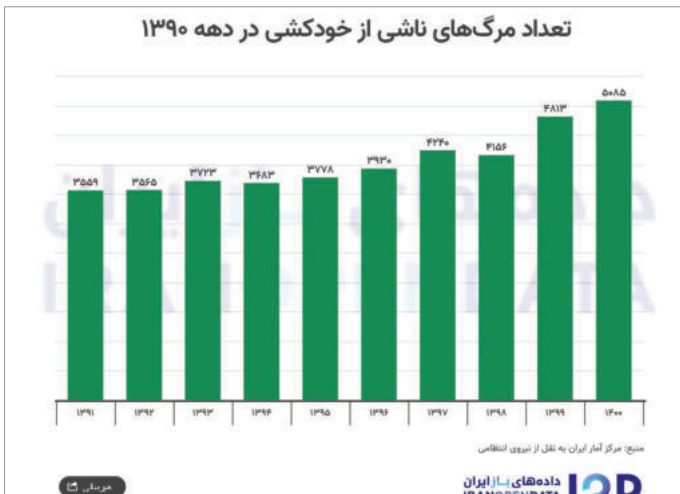
خودکشی نیز سیر صعودی داشته است. طبق آمار نیروی انتظامی در فاصله سالهای ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹، هر سال بطور متوسط ۴۱۸۳ نفر در ایران به دلیل خودکشی جان خود را از دست داده‌اند. با این حساب نرخ مرگ و میر ناشی از خودکشی ۱/۵ مورد به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت است.

پراکندگی آمار خودکشی بیانگر اینست که استان‌های غربی ایران با میزان بیشتری خودکشی در سال روبرو بوده‌اند. بطور مشخص نرخ خودکشی در استان کرمانشاه ۸/۱۱ به ازای ۱۰۰ هزار نفر، در استان ایلام ۵/۱۱ به ازای

بالاتر از آمار است که نیروی انتظامی با عنوان موارد خودکشی منتشر کرده است.

از سوی دیگر بخش زیادی از اقدام به خودکشی‌ها به مرگ منجر نمی‌شود و فرد نجات پیدا می‌کند. همچنین در موارد زیادی خودکشی به دلیل «حفظ آبرو» یا مواردی اینچنینی از سوی اطرافیان فرد خودکشی‌کرده پنهان می‌شود و در آمارها ثبت نمی‌شود.

در گزارش «پایگاه داده‌های باز ایران» تأکید شده که افزایش ۴۰ درصدی میزان خودکشی منجر به مرگ در ایران رابطه مستقیمی با افزایش شاخص فلاکت در کشور دارد.



۱۰۰ هزار نفر و در استان کهگیلویه و بویراحمد ۵/۱۰ به ازای ۱۰۰ هزار نفر است که بیش از دو برابر متوسط کشوری محاسبه می‌شود. پس از آن استان‌های لرستان، همدان و چهارمحال بختیاری بالاترین آمار خودکشی به نسبت جمعیت را دارند.

«پایگاه داده‌های باز ایران» با انتشار نقشه پراکندگی خودکشی، شاخص فلاکت و توزیع محصول ناخالص

شاخص فلاکت حاصل جمع جبری دو شاخص تورم و بیکاری و سهم استان‌ها از اقتصاد از حاصل تقسیم آمار تولید ناخالص داخلی هر استان به محصول ناخالص داخلی کل کشور است. دهه ۹۰ خورشیدی مردم ایران در معرض شدیدترین بحران‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی قرار داشته‌اند. قابل توجه اینکه در نیمه دوم دهه ۹۰ که تورم و رکود اقتصادی افزایش پیدا کرده و فقر گسترده‌تر شده، آمار

قول‌های منتشر شده در رسانه‌ها تحت عنوان آمار پزشکی قانونی نشان می‌دهد که بین آمارهای موجود نهادهای رسمی اختلاف قابل توجهی وجود دارد. بطور نمونه خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) در اسفند ۱۳۹۹، در گزارشی به نقل از پزشکی قانونی نوشت در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸، به ترتیب ۵۱۰۱ و ۵۱۴۳ مورد خودکشی کامل رخ داده است. این آمار تقریباً ۲۰ درصد

فروش بناهای تاریخی ایران؛ از کاخ ناصرالدین میرزا تا عمارت اربابی ليقوان!



ارگ راین در کرمان یکی از بزرگ‌ترین بناهای خشتی جهان در لیست فروش قرار گرفته است!

گفتنی است پیش از این نیز شماری از آثار تاریخی مانند خانه سرهنگ ایرج و کاخ ناصرالدین میرزا پیشتر نیز به مزایده گذاشته شده بودند، اما سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری از آنها ناکام مانده بود.

دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی بخشی از این بناها را به به خاطر بدهی واگذار کرده‌اند. از جمله «خانه ناصرالدین میرزا» که به صندوق بازنشستگی کشوری واگذار شد. این خانه تعمیر و مرمت شد و حالا مسئولان صندوق از ماه‌ها پیش برای فروش آن اقدام به انتشار آگهی مزایده کردند.

خانه ناصرالدین میرزا در سال ۱۲۸۵ قمری به فرمان وی با مساحت چهار هزار و ۵۰۰ متر ساخته می‌شود که امروز تنها ۹۱۸ متر از فضای بیرونی و حدود ۸۷۰ متر زیربنا از عمارت مجلل آن باقی مانده است. از ویژگی‌های بارز این بنا می‌توان به چهارصفه بودن، تزئینات ارزشمند و گنبد کلاه‌فرنگی آن اشاره کرد. این بنا یکی از دو بنای گنبدی‌شکل تهران و با معماری منحصر به فرد کویری در قلب پایتخت است. از سوی دیگر گزارش‌ها نشان می‌دهد بعضی از بناهای تاریخی نیز بی‌سر و صدا برای فروش به مزایده گذاشته می‌شوند. آژانس خبری مسیحیان ایران «محبت نیوز» اواخر اسفند ۱۴۰۱ گزارش داد «سازمان اموال و املاک ستاد فرمان امام» تنها کلیسای گرگان را که در یکی از بهترین نقاط و در مرکز این شهر قرار دارد، با شرایط و تسهیلات ویژه برای فروش گذاشت.

این در حالیست که جمهوری اسلامی در مصادره و فروش اموال و دارایی‌های کلیساها از جمله «باغ شارون» در ولدآباد کرج نیز کارنامه‌ی تخریبی دارد. این باغ با زمینی به مساحت ۱۰ هزار متر مربع سال ۲۰۱۵ حدود دو نیم میلیون دلار قیمت داشت.

بعضی بناهای تاریخی نیز در سطح استان‌ها به مزایده گذاشته شده که در فهرست ۱۹ بناهای اعلامی برای فروش قرار ندارند اما به اسم «بهره‌برداری» از آنها در حال واگذاری است.

● ۱۹ بنای تاریخی ایران به اسم «نهیضت و واگذاری حق بهره‌برداری بناهای تاریخی» برای فروش به مزایده گذاشته شده است!

● برخی از این بناها شامل خانه دانشمندی، حمام قلعه، خانه بهادرالملک، ارگ راین، باغ هرنندی، کاروانسرای زعفرانیه، کاخ ناصرالدین میرزا، عمارت اربابی ليقوان و کاروانسرای گوئجه بتل می‌شود.

● دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی بخشی از این بناها را به به خاطر بدهی واگذار کرده‌اند. از جمله «خانه ناصرالدین میرزا» که به صندوق بازنشستگی کشوری واگذار شد. این خانه تعمیر و مرمت شد و حالا مسئولان صندوق از ماه‌ها پیش برای فروش آن اقدام به انتشار آگهی مزایده کردند.

● آژانس خبری مسیحیان ایران «محبت نیوز» اواخر اسفند ۱۴۰۱ گزارش داده بود «سازمان اموال و املاک ستاد اجرایی فرمان امام» تنها کلیسای گرگان را که در یکی از بهترین نقاط و در مرکز این شهر قرار دارد، با شرایط و تسهیلات ویژه برای فروش گذاشت.

احسان دهقانی معاون امور اقتصادی و بازرگانی صندوق توسعه وابسته به وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی ایران از تصمیم این وزارتخانه برای مزایده ۱۹ بنای تاریخی خبر داد.

وی در این زمینه گفته «این مزایده در اردیبهشت ماه جاری و با عنوان نهیضت و واگذاری حق بهره‌برداری بناهای تاریخی برگزار می‌شود.»

برای شرکت در مزایده خرید این بناها به صورت الکترونیک ثبت نام به عمل می‌آید تا به گفته دهقان خریداران «فرصت برابر» و فروشندگان «شفافیت در عملکرد» داشته باشند.

برخی از این بناها عبارتند از: خانه دانشمندی، حمام قلعه، خانه بهادرالملک، ارگ راین، باغ هرنندی، کاروانسرای زعفرانیه، کاخ ناصرالدین میرزا، عمارت اربابی ليقوان و کاروانسرای گوئجه بتل.

داخلي، ارتباط مستقیم آنها را با یکدیگر نشان داده است. بر اساس تصویر بالا، نیمه سمت چپ نقشه‌های خودکشی و فلاکت شباهت و همخوانی زیادی با یکدیگر دارند. استان‌های کرمانشاه، ایلام، لرستان و کهگیلویه و بویراحمد هم در آمار خودکشی و هم در شاخص فلاکت در پنج سال گذشته بدترین وضعیت را در سراسر کشور داشته‌اند.

نقشه توزیع محصول ناخالص داخلی هم نشان می‌دهد استان‌های غربی کشور جزو کم‌برخوردارترین مناطق به حساب می‌آیند. در این نقشه مورد خوزستان به دلیل استقرار صنایع نفتی در این استان استثنایی است. شرایط تهران هم به دلیل پایتخت بودن متفاوت است. اگر این دو استان را کنار بگذاریم، میان دو نقشه خودکشی و سهم استان‌ها در اقتصاد هم همخوانی به وجود می‌آید.

این موضوع نشان می‌دهد میان نابرابری اقتصادی، بیکاری و تورم، به عنوان عوامل اقتصادی که تبعات اجتماعی آنها فراگیر است، ارتباط وجود دارد. اگرچه این عوامل تنها عوامل موثر بر بالا یا پایین نرخ خودکشی در یک منطقه نیستند.

شهریورماه سال گذشته و در آستانه دهم سپتامبر «روز جهانی پیشگیری از خودکشی» انجمن جامعه‌شناسی ایران آماری از نرخ خودکشی در ایران ارائه کرد که بر اساس آن، در حدود دو دهه اخیر، آمار خودکشی در کشور افزایش ۴۴ درصدی داشته است.

در نشست که همزمان از سوی انجمن جامعه‌شناسی ایران برگزار شده بود دکتر اکبر علی‌وردی نیا استاد جامعه‌شناسی نیز با اشاره به داده‌های پزشکی قانونی از سال ۸۰ تا ۹۸ (طی ۱۹ سال گذشته) گفته بود که «این آمارها دو اشکال عمده دارد؛ ابتدا آنکه این آمار تنها معطوف به خودکشی‌های منجر به مرگ است در حالی که آمار «اقدام به خودکشی» ۲۰ برابر خودکشی‌های موفق است.»

دکتر اکبر علی‌وردی افزوده که «در مجموع میانگین میزان خودکشی در ۱۴ استان از میان ۳۱ استان بالاتر از میانگین کشوری است. میانگین کشوری ما ۹/۴ است و بیشترین میزان خودکشی در بازه زمانی یاد شده در سال‌های ۹۷ و ۹۸ بوده است.»

به گفته‌ی او، بطور کلی میزان خودکشی در کشور از ۲/۴ در سال ۸۰ به ۲/۶ در سال ۹۸ رسیده بطوری که با رشد حدود ۴۴ درصدی خودکشی در دو دهه گذشته روبرو بوده‌ایم. این جامعه‌شناس افزوده بود که «طی دو دهه اخیر در کل کشور، اولین وسیله خودکشی حلق آویز کردن است که ۵۰ درصد خودکشی‌ها از این طریق انجام می‌شود. دومین وسیله نیز مصدومیت با سم و دارو با ۱۴ درصد و سومین روش خودسوزی، چهارمین روش سلاح گرم و سپس سقوط از بلندی است.»

محمدعلی محمدی جامعه‌شناس و عضو کرسی یونسکو در سلامت اجتماعی و توسعه نیز گفته بود که «خودکشی در ایران پدیده‌ی رو به رشدی دانسته شده و کشور ما در میان ممالک اسلامی در جایگاه سوم و در جهان در رتبه پنجاه و هشتم قرار دارد. ۱۲۵ نفر در هر ۱۰۰ هزار نفر اقدام به خودکشی می‌کنند که از این بین ۶ نفر موفق می‌شوند. همچنین از سال ۹۹، روزانه ۱۵ نفر در ایران دست به خودکشی می‌زنند.»

با وجود آنکه عوامل متعدد و گاه نامعلوم و پیچیده‌ای در اقدام به خودکشی دخیل هستند اما پزشکان اغلب «افسردگی‌های ناشی از مسائل استرس‌زا، مشکلات مالی، استیصال، درماندگی و ناامیدی» را در صدر دلایل شناخته شده برای پایان دادن به زندگی می‌دانند.

گزارش ویژه؛ آیا ایران آینده به سپاه نامتعارف و پاسداران جمهوری اسلامی موازی «ارتش متعارف» نیاز دارد؟!



گزارش ویژه؛ آیا ایران آینده به سپاه نامتعارف و پاسداران جمهوری اسلامی موازی «ارتش متعارف» نیاز دارد؟!

وجود اختلافاتی که در نظرات سیاسی و همچنین توجیه دیدگاه و استدلال‌های خود دارند با انتقادات گسترده‌ای روبرو از سوی مخاطبان شده‌اند. این در حالیست که پس از تظاهرات بزرگ ایرانیان در استراسبورگ فرانسه و درخواست از اروپایی‌ها برای تروریستی اعلام کردن این سازمان نظامی-ایدئولوژیک نامتعارف و موازی، وحید بهشتی فعال سیاسی از بیش از دو ماه پیش در مقابل وزارت خارجه بریتانیا دست به اعتصاب غذا زده است تا این کشور سپاه را در لیست سازمان‌های تروریستی خود قرار دهد.

امیر طاهری؛ مخالفم، دنبال فروپاشی و براندازی نیستیم
امیر طاهری روزنامه‌نگار در مصاحبه با «کانال یک» با اشاره به تماس وحید بهشتی با او ضمن تأکید بر مخالفت‌اش با قرارگرفتن سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی با یک روایت تاریخی استدلال کرده «بریکاد قزاق در دوران مشروطیت به فرمان لیاخوف روسی مجلس را به توپ بست و قصد از بین بردن مشروطیت داشت اما مشروطه‌خواهان بریکاد قزاق را منحل نکردند یا نگفتند یک گروه تروریستی است و فرماندهان آن را عوض کردند و همان بریکاد قزاق با فرماندهی رضاخان میرپنج منجی مشروطیت شد.»

وی در همین برنامه در توضیحات تکمیلی خود در مورد آینده ایران نیز گفته «ما به دنبال فروپاشی و براندازی نیستیم و دنبال بازسازی هستیم و می‌خواهیم یک دولت قوی مرکزی در ایران درست کنیم.»

شهریار آهی؛ در آینده به سپاه نیاز داریم

یکی دیگر از مخالفان تروریستی اعلام شدن سپاه ←

صورت تغییر رژیم در ایران بدون منحل شدن تمام تشکیلات سپاه امکان بازگشت جمهوری اسلامی یا حکومتی با همان اصول و حتا خطرناک‌تر وجود دارد.»

رضا تمیزکار از پرسنل سابق نیروی انتظامی توضیح می‌دهد: «فکر می‌کنند اگر از بیرون پیام بفرستند که سپاه را تروریستی می‌دانند آنها می‌گویند چقدر اپوزیسیون مهربان است پس ریزش کنیم! نخیر!»

همایون نادری فر فعال سیاسی مخالفان قرار گرفتن سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی را «ورشکسته سیاسی» می‌خواند که به خاطر «تجارت رسانه‌ای» مدافع تشکیلاتی شده‌اند که نه تنها برای دفاع از «ایران» نیست بلکه حافظ و مدافع نظام جمهوری اسلامی است.

حامد محمدی نظامی سابق در ارتش می‌گوید: «دایه مهربان‌تر از مادر شده‌اند. نمی‌شود در ایران مردم جان‌شان را به خطر بیندازند و بنر سلیمانی را آتش بزنند و شعار بدهند سپاهی بسیجی داعش ما شمایی و بعد از به اصطلاح کارشناسان بشنوند که سپاه تروریست نیست.»

در شرایطی که ایرانیان مخالف جمهوری اسلامی قرار است روز شنبه ۲۹ آوریل (هشتم اردیبهشت ۱۴۰۲) با هدف فشار بر رهبران اروپا برای قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی در لندن تجمع کنند شماری از افراد اپوزیسیون با تروریستی اعلام کردن این نهاد از سوی بریتانیا و اروپا ابراز مخالفت می‌کنند.

دایره مخالفت برخی افراد با اقدام علیه سپاه پاسداران در مواردی تا جایی رسیده که حتا با «انحلال سپاه» پس از سرنگونی جمهوری اسلامی نیز ابراز مخالفت می‌کنند و با

امیر طاهری روزنامه‌نگار ضمن تأکید بر مخالفت‌اش با قرارگرفتن سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی گفته «بریکاد قزاق در دوران مشروطیت مجلس را به توپ بست و قصد از بین بردن مشروطیت داشت اما مشروطه‌خواهان آن را منحل نکردند... بعداً با کمک رضاخان میرپنج منجی مشروطه شدند.»

یکی دیگر از مخالفان تروریستی اعلام شدن سپاه که با طرح «انحلال سپاه» مخالفت کرده شهریار آهی «مشاور عالی شورای گذار» است. وی می‌گوید: «درست است که بخشی از سپاه مخوف‌ترین سازمان تبهکار و تروریستی جهان است و در سرکوب مردم نقش داشته است اما به بخشی از سپاه نیاز داریم.»

رضا تقی‌زاده تحلیلگر سیاسی موافق قرار گرفتن سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی است و می‌گوید: «موجودیت سپاه و جمهوری اسلامی از هم جدا نیست. نمی‌شود یکی از آنها سقوط کند و دیگری سقوط نکند. سپاه تشکیلاتی نیست که بشود با آن سازش کرد یا ائتلاف تشکیل داد. فرای این می‌شود مردمی را که در داخل اگر دنبال انتقام نباشند دادخواه هستند قانع کرد که سپاه تروریست نیست.»

شهرام سزواری از پرسنل سابق ارتش معتقد است: «آنهايي که بعد از فروپاشی جمهوری اسلامی برای دفاع سرزمینی روی سپاه حساب می‌کنند تلویحاً نقش ارتش را نادیده می‌گیرند. کجای دنیا دو نیروی مسلح مشابه برای دفاع وجود دارد؟ آنچه بعد از انقلاب به منافع ما مردم ضربه زد نهادهای موازی نظامی و امنیتی بود.»

فریبرز کریمی‌زند افسر سابق پلیس می‌گوید: «حتاً در

ربع و وحشت تفاوتی ندارد. همین کار را در بیرون از ایران سپاه قدس انجام می‌دهد. سازمانی که دو بال دارد و هر دو تروریستی عمل می‌کنند در ذات تروریست است. علاوه بر این موجودیت سپاه و جمهوری اسلامی از هم جدا نیست. نمی‌شود یکی از آنها سقوط کند و دیگری سقوط نکند. سپاه تشکیلاتی نیست که بشود با آن سازش کرد یا ائتلاف تشکیل داد. فرای این نمی‌شود مردمی را که در داخل اگر دنبال انتقام نباشند دادخواه هستند قانع کرد که سپاه تروریست نیست. سپاه قلب حکومت است و در راه فروپاشی حکومت، با هر وسیله ممکن، قلب آنرا باید نشانه گرفت.»

نادری فر: مسئله بر سر تجارت رسانه‌های است

همایون نادری فر فعال سیاسی مخالفان قرار گرفتن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی را «ورشکسته سیاسی» می‌خواند که به خاطر «تجارت رسانه‌ای» مدافع تشکیلاتی شده‌اند که نه تنها برای دفاع از «ایران» نیست بلکه حافظ و مدافع نظام جمهوری اسلامی است. وی با اشاره به مخالفان تروریستی اعلام شدن سپاه پاسداران می‌گوید «آنها در مورد روابط رژیم با عربستان سعودی هم سینوسی عمل کردند هر موقع روابط این دو شکرآب بود؛ ایشان علیه رژیم شمشیر می‌کشیدند و هر موقع صحبت از دوستی بود، در پی شنا کردن در مسیر منافع این دوستی و تلطیف فضای به‌وجود آمده علیه کمپین‌هایی همچون تلاش برای تروریستی نامیدن سپاه بودند.»

بدون انحلال سپاه آینده خطرناک است

در همین ارتباط فریبرز کرمی‌زند افسر سابق نیروی انتظامی در توییتهای می‌نویسد «سپاه پاسداران حتا در اسانامه خود نامی از ایران ندارد و مأموریت آن حفظ نظام و پاسداری از انقلاب اسلامی است. حتا در صورت تغییر رژیم در ایران بدون منحل شدن تمام تشکیلات سپاه امکان بازگشت جمهوری اسلامی یا حکومتی با همان اصول و حتا خطرناک‌تر وجود دارد.» وی معتقد است: «قرار گرفتن سپاه در لیست تروریستی برای سرداران تروریست آن که میلیاردها دلار سرمایه مردم ایران را اختلاس کردند خطرناک است نه برای بدنه سپاه که اساساً قسمت بزرگی از آن هیچگاه از کشور خارج نمی‌شوند و سرمایه هنگفتی هم ندارند اما با از کار افتادان سرداران و قطع در آمد مالی سپاه و فشار بر بدنه آنها نیز دچار مشکل و در نهایت سپاه دچار فروپاشی می‌گردد و بدنه به دنبال مسیری برای پیوستن به آینده ایران است.»

دایه مهربان‌تر از مادر

حامد محمدی نظامی سابق در ارتش می‌گوید: «فعالیت سپاه تروریستی است. قآنی و سلامی رسماً گفته‌اند از عملیات انتحاری علیه شهروندان اسرائیل پشتیبانی کرده‌اند. آنها تأکید می‌کنند این تشکیلات نیروی نظامی رسمی است و کارشان دفاع از مرز و بوم است. همان ادعای حکومت و نایاک امروز از زبان بعضی چهره‌های اپوزیسیون شنیده می‌شود. حتا بعضی اصلاح‌طلبان با سابقه سپاهی، خودشان سپاه را جنایتکار می‌دانند. اما گویا آقایانی هستند برای سپاه دایه مهربان‌تر از مادر شده‌اند.»

وی می‌افزاید: «اینکه چهره‌هایی از اپوزیسیون که اتفاقاً افکار عمومی آنها را منسوب به جریان ملی‌گرا می‌دانند، سپاه را تروریستی نمی‌دانند با شعار مردم که می‌گویند «بسجی سپاهی داعش ما شمایم» مغایرت دارد. نمی‌شود در ایران مردم جان‌شان را به خطر بیندازند و بنر سلیمانی را آتش بزنند بعد از به اصطلاح کارشناسان بشنوند که سپاه تروریست نیست.»

می‌دانند آنها می‌گویند چقدر اپوزیسیون مهربان است پس ریزش کنیم! نخیر! قرار گرفتن سپاه در لیست سازمان‌های تروریستی اگر به صورت فوری قدرت سرکوبگری آنها را کاهش ندهد اما تأمین مالی را برای آنها محدودتر خواهد کرد. کسی که در ایران در نهادهای نظامی خدمت کرده می‌داند پرسنل چقدر ناراضی هستند. ناراضیاتی آنها بیشتر



جنبه اقتصادی دارد. در ضمن بخش عمده نیروها فقط زور را می‌فهمند. اپوزیسیون بهتر است راه عملی برای جذب نظامی‌ها ارائه بدهد.»

شاهزاده رضا پهلوی: تروریستی اعلام شدن سپاه ضروری و مؤثر است

همزمان با بالاگرفتن بحث‌ها در مورد وضعیت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، شاهزاده رضا پهلوی در توییتهای نوشت «تحریم‌های تازه علیه وابستگان سپاه پاسداران اقدامی است مثبت، اما ناکافی. اقدام ضروری و مؤثر، قرار دادن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی اتحادیه اروپا، انگلیس، کانادا و سایر کشورهای همسو است.»

وی که همواره میان مسئولیت سران و مقامات نظام با بدنه‌ی لشکری و کشوری تفاوت قائل شده و گروه دوم را فرا خوانده تا به مردم ببینوند، بار دیگر تکرار کرد «پیام من همچنان به بدنه سپاه و دیگر نهادهای نظامی و امنیتی و سیاسی و اداری کشور این است: راه خود را از رهبران جنایتکار جمهوری اسلامی جدا کنید و به انقلاب ملت ایران ببینید.» وی در جریان سفر به ایتالیا در پارلمان این کشور نیز تأکید کرد «تروریست اعلام کردن سپاه باعث ریزش نیروها می‌شود.»

رضا تقی‌زاده: موجودیت جمهوری اسلامی و سپاه از هم جدا نیست

دکتر رضا تقی‌زاده تحلیلگر سیاسی می‌گوید: «کسانی که مخالف تروریستی اعلام شدن سپاه هستند فراموش کردند که این تشکیلات در داخل کشور، سازمان اطلاعات سپاه (ساس) را دارند که اساس فعالیتش با مفهوم تروریسم یعنی ایجاد

پاسداران که با طرح «انحلال سپاه» مخالفت کرده شهریار آملی «مشاور عالی شورای گذار» است. وی در گفتگو با شبکه «ایران اینترنشنال» می‌گوید: «درست است که بخشی از سپاه مخوف‌ترین سازمان تبهکار و تروریستی جهان است و در سرکوب مردم نقش داشته است اما بخشی از سپاه هست که نیروهای دفاع از مرز و بوم‌اند مثل نیروهای موشکی که به آن نیاز داریم.»

وی در این مصاحبه «فشار به سپاه» را مفید دانست اما گفت: «بخش‌هایی از سپاه مثل دستگاه اطلاعات و عملیات هستند که بعد از عوض کردن جمهوری اسلامی برای حفظ امنیت مردم به آنها نیاز داریم و منحل کردن آن تشکیلات چیزی از آن باقی نخواهد گذاشت و [نیروهایش] به زیرزمین می‌روند و اسلحه را چال می‌کنند و سبب ناامنی در آینده ایران خواهند شد.»

هوشنگ امیراحمدی: سپاه تروریست نیست

پیش از اینها هوشنگ امیراحمدی تحلیلگر سیاسی ساکن آمریکا نیز به «کانال یک» گفته بود: «سپاه تروریست نیست و آمریکا باید با سپاه کار می‌کرد تا روحانیون را اخراج کند.» او معتقد است «بزرگ‌ترین اشتباه آمریکا این بود که سپاه را تروریستی اعلام کرد.»

سردار حسین دهقان مشاور نظامی علی خامنه‌ای نیز در آبان ۱۳۹۹ در گفتگویی با آسوشیتدپرس از مقامات آمریکایی خواسته بود به دنبال براندازی و حذف موجودیت جمهوری اسلامی نباشد و با «نظام کار کنند». دهقان در این مصاحبه به روشنی به آمریکایی‌ها پیام داد تغییر رویکرد بدهد و رژیم ایران و قدرتش را در منطقه به رسمیت بشناسد، آنوقت هیچ مشکلی برای آنان ایجاد نمی‌شود.

پس ارتش چکاره است!؟

این مواضع که به سود یک نهاد نظامی- عقیدتی- مذهبی نامتعارف و موازی و به شدت سرکوبگر به نظر می‌رسد، و بیش از آنکه به نقش آن هم‌اکنون در زمان حاکمیت جمهوری اسلامی نظر داشته باشد، به آینده‌ای نگاه می‌کند که با وجود این رژیم و پاسدارانش نمی‌توان به آن رسید، انتقادات زیادی به دنبال داشت. در همین ارتباط کیهان لندن دیدگاه شماری از تحلیلگران نظامی و سیاسی در مورد وضعیت سپاه را مورد ارزیابی قرار داده است.

شهرام سبزواری از پرسنل سابق ارتش می‌گوید: «آنهايي که بعد از فروپاشی جمهوری اسلامی برای دفاع سرزمینی روی سپاه حساب می‌کنند تلویحاً نقش ارتش را نادیده می‌گیرند. کجای دنیا دو نیروی مسلح مشابه برای دفاع وجود دارد؟ گزینه واقعی این است که بعد از فروپاشی نظام تمامی تجهیزات سپاه و نیروهای کاربرد آن که در جنایت شریک نبودند در ارتش یا پلیس [مرزبانی] ادغام شوند.»

وی معتقد است: «آنچه بعد از انقلاب به منافع ما مردم ضربه زد نهادهای موازی نظامی و امنیتی بود. اصلی‌ترین آنها سپاه است. منهای هزینه‌های هنگفت بنیان این سازمان بر اساس رزم نامتقارن است. سرپا ماندن این تشکیلات هر زمانی برای امنیت ملی آسیب‌زا خواهد بود.»

سپاهی‌ها هرگز نمی‌گویند چقدر اپوزیسیون مهربان است!

رضا تمیزکار از پرسنل سابق نیروی انتظامی به کیهان لندن می‌گوید: «آن افرادی از اپوزیسیون که مخالف قرار گرفتن سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی هستند بیشتر از ۴۰ سال است که در ایران نیستند بنابراین از واقعیت‌ها دور شده‌اند و درواقع نگاهشان به نیروهای مسلح تخیلی است. فکر می‌کنند اگر از بیرون پیام بفرستند که سپاه را تروریستی

تکانه‌دهنده؛ اجاره‌های چند میلیون تومانی برای اتاق و سوئیت‌های کوچک در تهران



وارد شده به مردم از ناحیه افزایش اجاره‌بها گفته که «آسیب‌پذیرترین قشر ایران از تورم مستأجران هستند، زیرا بیشترین اثر در شاخص تورم از ناحیه مسکن است و این اثر بطور کامل در زندگی مستأجران تخلیه می‌شود.»

این کارشناس مسکن گفته که «حفظ مستأجران از تورم یکی از مهمترین تصمیمات دولت باید باشد اما اهتمام به این مسئله ویژه نیست و مشخص نیست چه زمانی تصمیم اثرگذار برای کنترل بازار اجاره اخذ می‌شود.»

از سه سال پیش و در دوران دولت حسن روحانی مصوبه ۲۵ درصد افزایش اجاره تصویب شد که بر اساس آن مالکان در تهران حق نداشتند برای تمدید اجاره در سال جدید، بیش از ۲۵ درصد بر قیمت اجاره سال پیشتر اضافه کنند. این رقم برای شهرهای بزرگ ۲۰ و برای بخش‌ها و شهرستان‌های کم جمعیت ۱۵ درصد مصوب شد. البته همه این ارقام روی کاغذ مصوبات دولت بود و در عمل بازار اجاره‌بها پا به پای تورم پیش رفته است.

ابراهیم رئیسی نیز وعده ساخت سالانه یک میلیون واحد مسکونی با هدف‌گذاری بر خانه‌دار کردن جوانان و مستأجران را داده بود که با گذشت بیش از یک سال و نیم از عمر دولت هنوز نشانه‌ای برای عملی شدن این وعده به چشم نمی‌خورد.

مهرداد بذریاش وزیر مسکن نیز آب پاکی را روی دست مستأجران ریخت و گفت: «نزدیک به دو برابر بودجه عمرانی کشور یعنی ۲۸۰۰ هزار میلیارد تومان برای ساخت چهار میلیون مسکن نیاز داریم، پس فکر نکنید اگر از ساخت مسکن کوتاه آییم مقصر دولت است یا برعکس مقصر مجلس است.»

بازی جدید وزارت راه و شهرسازی با ادعای ساماندهی بازار مسکن نیز راه‌اندازی آزمایشی «سامانه ثبت رایگان قراردادهای اجاره مسکن» است. راه‌اندازی این سامانه نشان می‌دهد ارزیابی دولت اینست که دفاتر معاملات ملکی که قراردادهای اجاره را تمدید می‌کنند علت افزایش اجاره‌بها هستند و با راه‌اندازی اپلیکیشن رایگان تنظیم و ثبت

● سوئیت ۴۰ متری در محدوده یافت‌آباد تهران در ازای ۵۰ میلیون پول پیش و ماهی چهار میلیون، اجاره داده می‌شود.

● اتاق ۱۰ متری در محله پامنار تهران ۳۰ میلیون ودیعه و ۳ میلیون تومان اجاره؛ و اتاق ۱۰ متری محله امامزاده حسن ۲۰ میلیون تومان ودیعه و ۲ میلیون تومان اجاره ماهانه معامله می‌شود.

● بازی جدید وزارت راه و شهرسازی با ادعای ساماندهی بازار مسکن نیز راه‌اندازی آزمایشی «سامانه ثبت رایگان قراردادهای اجاره مسکن» است.

در پی افزایش نجومی قیمت اجاره پس از نوروز ۱۴۰۲، وزارت راه و شهرسازی با اقدامی مداخله‌جویانه در بازار مسکن سامانه ثبت رایگان قراردادهای اجاره مسکن را به‌صورت آزمایشی راه‌اندازی کرده است. فعالان صنفی معتقدند این اقدام کپی‌برداری از طرح‌های شکست خورده گذشته است و راهکاری برای بهبود وضعیت بازار اجاره نخواهد بود.

اجاره‌بهای مسکن در هفته‌های گذشته و همزمان با آغاز فصل جابجایی مستأجران با افزایش چشمگیری روبرو شده است و قیمت خانه‌های مناطق حاشیه‌ای و سوئیت‌های کوچک نیز نجومی شده است.

به گزارش وبسایت «فرارو» در حال حاضر سوئیت ۵۰ متری را در زعفرانیه در شمال تهران را با قیمت ۳۰۰ میلیون پول پیش و ماهی ۳۰ میلیون، اجاره می‌دهند. همچنین مالک سوئیت ۳۵ متری در بلوار کاوه در نزدیکی میدان ونک بابت واحد مبله رقم ودیعه را ۳۵۰ میلیون تومان و اجاره ماهانه را هفت میلیون و ۵۰۰ هزار تومان تعیین کرده است. قابلیت تبدیل رهن و اجاره این اجاره را به مستأجر می‌دهد که به‌جای ۳۵۰ میلیون، رقم پول پیش را تا ۲۶۰ میلیون کاهش بدهد. در عوض اجاره ماهانه از هفت و نیم به ۱۰ میلیون و نیم میلیون می‌رسد.

ارقام بالا برای سوئیت‌ها فقط مختص مناطق شمال شهر نیست. سوئیت ۵۸ متری در خیابان جمال‌زاده در مرکز شهر تهران در ازای ۱۰۰ میلیون پول پیش و یک میلیون تومان ماهانه اجاره داده می‌شود.

همچنین بر اساس گزارش «فرارو» سوئیت ۴۰ متری در محدوده یافت‌آباد تهران در ازای ۵۰ میلیون پول پیش و ماهی چهار میلیون، اجاره داده می‌شود. واحد طبقه همکف قرار دارد و می‌توانیم نداشتن آسانسور را نادیده بگیریم، اما نداشتن پارکینگ و انباری جزو ایرادهای آن به حساب می‌آید. عمر بنای واحد به سال ۸۳ برمی‌گردد و مالک، واحد را هم به مجرد و هم متاهل‌ها اجاره می‌دهد. در محدوده شادآباد واقع در منطقه ۱۸ تهران که براساس آمارهای رسمی ارزان‌ترین نقطه بازار مسکن تهران است، رقم ودیعه سوئیت ۴۵ متری را ۵۰ میلیون تومان اعلام کردند و مستأجر باید هر ماه سه میلیون تومان هم به حساب صاحبخانه واریز کند.

وبسایت «اقتصاد۲۴» نیز در گزارشی از اجاره‌های میلیونی برای اتاق‌های شش متری در تهران خبر داده و نوشته که اتاق ۶ متری در محله گرگان تهران ۷۰ میلیون رهن و ماهی ۲ میلیون تومان اجاره؛ اتاق ۱۰ متری در محله پامنار تهران

تحریم چهار سردار سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به دلیل فرماندهی سرکوب‌ها و مسئولیت در قتل و شکنجه معترضان



محمدنظر عظیمی، حبیب شهبوساری، محسن کریمی و احمد خادم سیدالشهداء چهار سردار سپاه پاسداران به دلیل نقض حقوق بشر تحریم شدند

امروز بار دیگر روشن می‌کنند که ظلم وحشیانه رژیم را نادیده نخواهیم گرفت. ما به اقدامات گسترده ادامه خواهیم داد تا رژیم را به علت اعمالش پاسخگو کنیم.»

اسامی افراد تحریم شده به این شرح است:

- سردار پاسدار محمدنظر عظیمی فرمانده قرارگاه «نجف اشرف» نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مستقر در غرب ایران، مسئول سرکوب خشونت آمیز اعتراضات در استان کرمانشاه، با استفاده از مسلسل.

- سردار پاسدار حبیب شهبوساری فرمانده سپاه استان آذربایجان غربی، مسئول سرکوب معترضان در مهاباد و پیرانشهر با استفاده سلاح‌های سنگین و همینطور قتل معترضان در پی شکنجه در بازداشتگاه‌ها.

- سردار محسن کریمی فرمانده سپاه استان مرکزی، مسئول سرکوب خشونت آمیز اعتراضات، از جمله مهرشاد شهیدی و دستگیری زنان به دلیل پوشش.

- سردار سرتیپ احمد خادم سیدالشهداء فرمانده قرارگاه عملیاتی «کربلا»، مسئول سرکوب اعتراضات در شهر ایذه استان خوزستان که طی آن یک کودک ۱۰ ساله مورد اصابت گلوله قرار گرفت و کشته شد. نیروهای سپاه به فرماندهی خادم در استان کهگیلویه و بویراحمد مسئول ربوده شدن یک کودک کار هستند که متعاقباً پس از شکنجه جان باخت.

و اجرا شود همواره واکنش منفی در بازار خواهد گذاشت. دولت اکثر قوانین را به صورت پادگانی حل می‌کند و این روش نمی‌تواند راه حل مناسبی برای مشکلات بازار مسکن باشد.»

به گفته این فعال صنفی «۱۱ هزار واحد صنفی جواز دار در استان تهران فعال هستند که با تصمیمات بدون پایه و اساس با مشکلات جدی در بازار مواجه شده‌اند و اگر سیاست‌های حمایتی دولت در بازار اجاره‌بهای مسکن بدون تدبیر و غیر کارشناسی شده تعیین و اجرا شود قطعاً منجر به شکست خواهد شد و این تبعات سنگینی را به مستأجران وارد خواهد کرد.»

بویراحمد مسئول ربوده شدن یک کودک کار هستند که متعاقباً پس از شکنجه جان باخت.

بریتانیا، ایالات متحده و اتحادیه اروپا روز دوشنبه ۲۴ آوریل (۴ اردیبهشت) شمار دیگری از مقامات رژیم ایران از جمله تعدادی از مقامات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به دلیل نقض حقوق بشر در فهرست تحریم‌ها قرار دادند. در بیانیه وزارت خارجه بریتانیا آمده که این اقدام هماهنگ و منسجم برای پاسخ به این رژیم بوده و در ادامه تحریم‌هایی است که در ماه‌های اخیر علیه مقامات و نهادهای حکومتی در ایران اعمال شده‌اند.

این تازه‌ترین تحریم‌های بریتانیا علیه چهار فرمانده سپاه پاسداران است که با فرماندهی آنها نیروهای سپاه به سوی معترضان غیرمسلح تیراندازی کرده‌اند که منجر به کشته شدن تعداد زیادی از معترضان از جمله کودکان شده است. آنها همچنین معترضان را خودسرانه بازداشت و شکنجه کرده‌اند. جیمز کلورلی وزیر خارجه بریتانیا می‌گوید: «رژیم ایران مسئول سرکوب وحشیانه مردم ایران و صدور خونریزی به سراسر جهان است. به همین دلیل است که ما بیش از ۳۰۰ تحریم علیه رژیم ایران، از جمله بر کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اعمال کرده‌ایم.»

وی همچنین تأکید کرد: «بریتانیا و شرکای بین‌المللی ما

مالکان به دنبال کسب درآمد بیشتر از اجاره ملک خود هستند و به نظر نمی‌رسد راه اندازی چنین اپلیکیشنی راه حل تثبیت نرخ در بازار اجاره مسکن باشد. پیشتر نیز چند طرح با تصمیم و دستور دولت‌ها در خصوص کنترل و نظارت بیشتر در بازار اجاره مسکن طراحی و اجرایی شد، اما متأسفانه علاوه بر اینکه مشکلی را در این بازار حل نکرد بلکه مسیر را برای عده‌ای سودجو فراهم کرده است.»

سعید لطفی افزوده که «چنین طرح‌هایی که بدون پشتوانه و کارشناسی نشده در خصوص آن تصمیم گرفته می‌شود و در نهایت به مرحله اجرا می‌رسانند، قطعاً موازی کاری است و تا زمانی که اقدامات بدون مبنای درست تعیین

بریتانیا، ایالات متحده و اتحادیه اروپا چهار نفر از فرماندهان ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به دلیل نقض حقوق بشر در فهرست تحریم‌ها قرار دادند.

سردار پاسدار محمدنظر عظیمی فرمانده قرارگاه «نجف اشرف» به دلیل مسئولیت در سرکوب خشونت آمیز اعتراضات در استان کرمانشاه، با استفاده از مسلسل توسط نیروهای سپاهی تحریم شد.

در بیانیه وزارت خارجه بریتانیا آمده سردار پاسدار حبیب شهبوساری فرمانده سپاه استان آذربایجان غربی، مسئول سرکوب معترضان در مهاباد و پیرانشهر با استفاده سلاح‌های سنگین و همینطور قتل معترضان در پی شکنجه در بازداشتگاه‌ها است.

همچنین سردار محسن کریمی فرمانده سپاه استان مرکزی به عنوان مسئول سرکوب خشونت آمیز اعتراضات، از جمله مهرشاد شهیدی و دستگیری زنان به دلیل پوشش شناخته شده است.

طبق این بیانیه سردار سرتیپ احمد خادم سیدالشهداء فرمانده قرارگاه عملیاتی «کربلا»، مسئول سرکوب اعتراضات در شهر ایذه استان خوزستان است که طی آن یک کودک ۱۰ ساله مورد اصابت گلوله قرار گرفت و کشته شد. نیروهای سپاه به فرماندهی خادم در استان کهگیلویه و

قرارداد اجاره قصد مدیریت بازار اجاره‌بها را دارد! «آدرس غلط» دادن دولت برای افزایش اجاره‌بها که متأثر از تورم بخش مسکن، و تورم عمومی اقتصاد است، با واکنش فعالان صنفی روبرو شده است.

سعید لطفی عضو هیئت مدیره اتحادیه مشاوران املاک تهران درباره اثرگذار بودن اپلیکیشن راه‌اندازی شده از سوی وزارت راه و شهرسازی گفته که تا زمانی که عرضه و تقاضا در بازار به تعادل نرسد ثبت قرارداد کمکی به کاهش قیمت اجاره در بازار مسکن نمی‌کند.

عضو هیئت مدیره اتحادیه مشاوران املاک تهران معتقد است که «با توجه به گستردگی سایه تورم بر اقتصاد کشور،

اشتغال در بخش کشاورزی ایران منفی شد؛ هر دو دقیقه یک روستایی کشاورزی را رها می‌کند



همزمان مرکز آمار ایران در گزارش دیگری پیش‌بینی کرده که سطح کاشت محصولات سالانه در سال زراعی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ نسبت به سال قبل ۴/۶ درصد کاهش یابد.

مرکز آمار ایران با بیان اینکه ۵۶ درصد از زمین‌های زراعی ایران به کشت گندم اختصاص یافته، افزوده که سطح کاشت گندم در سال زراعی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ به ۶/۶ میلیون هکتار با مقدار تولید ۱۰/۴ میلیون تن رسیده و پیش‌بینی می‌شود در سال زراعی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ سطح کاشت گندم به ۶/۵ میلیون هکتار برسد، یعنی ۱۰۰ هزار هکتار کمتر از پارسال!

نگاهی به شیوه حمایت دولت از گندمکاران داخلی با توجه به اینکه این محصول قوت غالب و کالای غذایی استراتژیک به شمار می‌رود، نشان می‌دهد جمهوری اسلامی در کنار نداشتن چشم‌انداز توسعه، حتی در حمایت کوتاه‌مدت از کشاورزان نیز ناتوان است.

برای نمونه با وجود کاهش سطح زیر کشت گندم طی سال‌های گذشته، دولت قیمت خرید تضمینی گندم را برای هر کیلو ۱۵ هزار تومان اعلام کرده در حالیکه قیمت گندم وارداتی برای هر کیلوگرم دستکم ۳۰ هزار تومان هزینه دارد! علی‌بهداری جهری سخنگوی دولت درباره قیمت خرید تضمینی گندم گفته که «دولت علاوه بر مبلغ ۱۱ هزار و پانصد تومان قیمت گندم، هزار و پانصد تومان برای بخشی از هزینه‌های کود و بذر و ۲ هزار تومان نیز جایزه تحویل گندم برای کشاورزان عزیز تصویب کرد.»

در چنین شرایطی مدیریت ناکارآمد و عدم چشم‌انداز بلند مدت مسئولان نسبت به تأمین امنیت غذایی و افزایش ذخائر استراتژیک کشور می‌تواند مردم ایران را با یک بحران جدی برای دسترسی آسان به غذا روبرو کند.

وضعیت اشتغال در دیگر بخش‌های کشور نیز نشان از بیکاری گسترده جمعیت در سن کار، به ویژه جوانان ←

آمارها نشان می‌دهد سهم بخش کشاورزی از بازار کار طی پنج سال اخیر حدود ۳ درصد کاهش یافته و کشاورزان به بخش‌های صنعتی و خدماتی روی آورده‌اند. بررسی روند وضعیت اشتغال در بخش کشاورزی طی زمستان پنج سال اخیر نشان می‌دهد، سهم اشتغال بخش کشاورزی از بازار کار از ۱۶ درصد در زمستان ۱۳۹۷ به حدود ۱۳ درصد در زمستان ۱۴۰۱ رسیده است. این سهم در ۱۸ سال پیش ۲۰/۸ درصد بود.

تحلیلگران معتقدند مواردی چون نبود تکنولوژی و تجهیزات پیشرفته، بحران آب، سیاست‌های نادرست جمهوری اسلامی در قیمتگذاری دستوری محصولات کشاورزی و مصوبات یک شبه درباره صادرات و واردات محصولات، و همچنین رکود توری از جمله دلایل وضعیت موجود در بخش کشاورزی بوده است.

آمارهای ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران از ریزش ۱۰ برابری نیروی کار کشاورز بخش روستایی در برابر بخش شهری حکایت دارد. بر این اساس، طی پنج سال اخیر بطور میانگین سالانه ۱۲۳ هزار کشاورز روستایی، کشاورزی را رها کرده‌اند و تعداد شاغلان کشاورز روستایی از ۲ میلیون و ۸۱۸ هزار نفر در زمستان ۱۳۹۷ به ۲ میلیون و ۲۰۲ هزار نفر در زمستان ۱۴۰۱ رسیده است.

کیهان لندن تیرماه ۱۴۰۱ در گزارشی به رشد منفی در بخش کشاورزی ایران پرداخته از تهدید جدی امنیت غذایی ایران خبر داده بود. آمارهای رسمی اقتصادی نشان می‌داد رشد اقتصادی بخش کشاورزی در سال ۱۴۰۰ به منفی ۳/۷ درصد رسیده بود؛ در حالی که رشد اقتصادی بخش کشاورزی در سال ۹۹ رشد مثبت ۳/۵ درصدی داشته است. مقایسه این دو رقم نشان می‌دهد که رشد اقتصادی بخش کشاورزی طی یک سال پیش از هفت درصد سقوط کرده است.

● طی یکسال اخیر بطور متوسط روزانه حدود ۶۵۹ نفر از کشاورزان روستایی، کار کشاورزی را رها کرده‌اند. به بیان دیگر، تقریباً هر دو دقیقه یک کشاورز روستایی، از این بخش خارج شده است.

● بنا بر آمار رسمی، رشد اقتصادی بخش کشاورزی در سال ۱۴۰۰ به منفی ۳/۷ درصد رسید؛ در حالی که رشد اقتصادی بخش کشاورزی در سال ۹۹ رشد مثبت ۳/۵ درصدی داشته است.

● شیوه حمایت دولت از گندمکاران داخلی با توجه به اینکه این محصول قوت غالب و کالای غذایی استراتژیک به شمار می‌رود، نشان می‌دهد جمهوری اسلامی در کنار نداشتن چشم‌انداز توسعه، حتی در حمایت کوتاه‌مدت از کشاورزان نیز ناتوان است.

گزارش مرکز آمار ایران نشان از اشتغالزایی خالص ۲۶۲ هزار و ۷۱۶ نفر در زمستان گذشته می‌دهد؛ در همین حال شمار زیادی از شاغلان نیز به دلیل مشکلات بنگاه‌های اقتصادی اخراج و بیکار شده‌اند. در این میان بخش کشاورزی با وضعیتی هشدارآمیز روبرو شده بطوریکه در هر دو دقیقه یک روستایی کشاورزی را رها می‌کند.

سهم بخش کشاورزی از اشتغال کشور به عنوان یکی از بخش‌های مهم در رشد اقتصادی همواره کوچکتر شده اما آخرین گزارش‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که اشتغال در بخش کشاورزی اساساً دچار رکود شده و خروج نیروهای متخصص از بخش کشاورزی ایران به مزه هشداری رسیده است. بر اساس آمارهای طی یکسال اخیر بطور متوسط روزانه حدود ۶۵۹ نفر از کشاورزان روستایی، کار کشاورزی را رها کرده‌اند. به بیان دیگر، تقریباً هر دو دقیقه یک کشاورز روستایی از این بخش خارج شده است.

➔ دانش آموخته، دارد.

گزارش مرکز آمار ایران خبر از اشتغالزایی خالص ۲۶۲ هزار و ۷۱۶ نفر در زمستان گذشته می‌دهد. این در حالیست که ابراهیم رئیسی وعده ایجاد سالانه یک میلیون فرصت شغلی را داده بود و اکنون آمار رسمی اشتغالزایی نشان می‌دهد حدود یک چهارم وعده دولت تحقق یافته است. در آنسو بخش زیادی از نیروی شاغل نیز به دلیل مشکلات اقتصادی در واحدهای تولیدی، صنعتی، کشاورزی و خدماتی اخراج و بیکار شده‌اند.

آن عده از جمعیت کشور که از سوی مرکز آمار ایران جزو جمعیت شاغل شمارش شده‌اند نیز اشتغال تمام‌وقت و دائمی نداشته‌اند. بر اساس گزارش مرکز آمار ایران ۹/۵ درصد از جمعیت ۱۵ سال به بالا دارای اشتغال ناقص بوده و کمتر از ۴۴ ساعت در هفته کار کرده‌اند. این امر دلایل اقتصادی مختلفی داشته است؛ مانند فصل غیر کاری، رکود کاری و پیدا نکردن کاری با ساعت بیشتر.

همچنین ۳۵/۶ درصد از شاغلان ۱۵ ساله و بیشتر، ۴۹ ساعت و بیشتر در هفته کار کرده‌اند. همچنین بر اساس این گزارش نسبت جمعیت شاغل به جمعیت در سن کار در زمستان ۱۴۰۱ نسبت به زمستان ۱۴۰۰ تغییری نکرده و ۳۶/۶ درصد باقی مانده است.

نسبت جمعیت شاغل به جمعیت در سن کار در زمستان ۱۴۰۱ و ۱۴۰۰ تغییری نکرده و همچنان ۳۶/۶ درصد باقی مانده است. در واقع همزمان با افزایش جمعیت در سن کار، اشتغال نیز ۲۶۲ هزار نفر افزایش یافته و آمار شاغلان از حدود ۲۳ میلیون و ۱۷۴ هزار نفر به حدود ۲۳ میلیون و ۴۳۶ هزار نفر رسیده است.

آمار بیکاران در زمستان ۱۴۰۱ به ۲ میلیون و ۵۲۶ هزار نفر رسیده که در مدت مشابه در سال ۱۴۰۰ حدود ۲ میلیون و ۴۰۹ هزار نفر بوده است. بر این اساس آمار بیکاران ۱۱۷ هزار نفر افزایش یافته است. نرخ بیکاری نیز از ۹/۴ درصد در زمستان ۱۴۰۰ به ۹/۷ درصد در زمستان ۱۴۰۱ رسیده است. داده‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد نرخ مشارکت اقتصادی در زمستان سال قبل برابر با ۴۰/۵ درصد بوده که کمترین سطح را در سال گذشته داشته و بیانگر شیب نزولی در سال گذشته بوده است.

یکی از مهمترین دلایل کاهش نرخ مشارکت اقتصادی ناامید شدن افراد جویای کار از پیدا کردن شغل است. از سوی دیگر به دلیل درآمد‌های ناچیز و کاهش شدید ارزش واقعی درآمد‌ها در پی کاهش ارزش پول ملی و تورم، بسیاری از شاغلان در رسته‌های مختلف شغلی به دنبال مهاجرت کاری به دیگر کشورها هستند.

تقاضای بالا برای مهاجرت کاری به دیگر کشورها سبب داغ شدن بازار دلالی به اسم مشاوره و خدمات کاربایی در دیگر کشورها تبدیل شده است. «استخدام کارگر با جای خواب در ترکیه و عراق»، «شرایط مهاجرت کشاورزان به کانادا»، «استخدام آرایشگر و صندوق‌دار در امارات»... اینها بخشی از آگهی‌های شغلی است که در کانال‌های تلگرامی، صفحات اینستاگرامی و حتی تراکت‌های کاغذی به وفور به چشم می‌آیند. در شرایطی که سال‌ها پیش مهاجرت بیشتر اقبال نخبه را در بر می‌گرفت اما حالا موج گسترده‌ای از تقاضای مهاجرت در میان پزشکان، پرستاران، ورزشکاران، هنرمندان، نویسندگان، استادان، معلمان، مهندسان، کارگران، نقاشان و استادکاران ساختمان، نانوایان و حتی کشاورزان به وجود آمده است.

بهرام صلواتی مدیر «رصدخانه مهاجرت ایران» معتقد است که «این فراز مهاجرتی بی‌سابقه است و در چند دهه گذشته، حتی بعد از انقلاب بی‌سابقه بوده» و «ایران وارد مرحله مهاجرت «توده‌وار» شده است.»

پرسپولیس برنده صدمین دربی تهران؛ شعار تماشاگران علیه سپاه پاسداران و تشویق علی کریمی و وریا غفوری



شادی عیسی آل‌کثیر مهاجم پرسپولیس بعد از به ثمر رساندن گل پیروزی تیمش مقابل «استقلال»

وضعیت روی سکوی ورزشگاه متشنج بود. تماشاگران دو تیم پیش از آغاز مسابقه و همچنین در طول بازی بارها علی کریمی و وریا غفوری دو بازیکن سابق این تیم‌ها را که در مقابل حکومت از مردم حمایت می‌کنند تشویق کردند.

پیش از شروع این مسابقه مسئولان برگزاری، از تصاویر قاسم سلیمانی فرمانده پیشین «سپاه قدس» و روح‌الله عجمیان بسیجی که در جریان اعتراضات کشته شد به عنوان «شهادی ورزشکار» روغایی کردند.

تماشاگران در چند نوبت علیه مهدی ترابی بازیکن حکومتی تیم پرسپولیس شعار دادند. همچنین شعارهایی علیه سپاه پاسداران و بسیجی‌ها سر داده شد. در پایان مسابقه نیز هواداران هنگام خروج از استادیوم علی کریمی را تشویق کردند. از جمله مسائلی که در حاشیه این مسابقه جلب توجه کرد فرسودگی جایگاه تماشاگران و سقف سکوی استادیوم بود. این استادیوم در سال ۱۳۵۰ در دوران پادشاهی محمدرضا پهلوی ساخته و افتتاح شد اما پس از روی آمدن جمهوری اسلامی نه از آن مطابق استانداردهای لازم نگهداری می‌شود و نه در طول ۴۴ سال پس از انقلاب اسلامی، ورزشگاه دیگری با این قد و قواره در ایران ساخته شد!

گفته می‌شود تعمیرات بخش‌هایی از این ورزشگاه از حدود پنج ماه قبل آغاز شده اما هنوز به پایان نرسیده است. با اینهمه مسابقات در آن برگزار می‌شود و هزاران شهروند در وضعیت نایمن آن حضور پیدا می‌کنند تا مسابقات تیم‌های مورد علاقه خود را دنبال کنند. ریکاردو سایننتو سرمربی تیم «استقلال» (تاج) پس از پایان مسابقه روز یکشنبه گفت «رسیدن به قهرمانی سخت شد اما تا پایان می‌جنگیم.»

یحیی گل‌محمدی سرمربی تیم پرسپولیس نیز که به خاطر حمایت از مردم در خیزش ضدحکومتی به شدت از سوی نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی تحت فشار است پس از پایان مسابقه گفت: «از بازیکنانم تشکر می‌کنم چون تحت فشار زیادی بودند. آنها حق‌شان را گرفتند. به تک تک هوادارانم تبریک می‌گویم. در لیگ به تنها چیزی که فکر می‌کنیم، پیروزی در سه مسابقه آینده است. تمرکزمان روی سه بازی است. فقط باید کار خودمان را انجام بدهیم و امیدوار باشیم سپاهان امتیاز از دست بدهد.»

● تک گل این مسابقه را در دقیقه ۵۰ عیسی آل‌کثیر به ثمر رساند. با این نتیجه پرسپولیس به با ۵۷ امتیاز به صدر جدول مسابقات رسید. در حالی که سه هفته به پایان رقابت‌ها باقیست، ماندن پرسپولیس در صدر جدول به نتیجه مسابقه تیم‌های سپاهان اصفهان و ملوان بندر انزلی (پهلوی) بستگی دارد.

● نیروی انتظامی از ورود زنان به استادیوم جلوگیری کرد. وضعیت روی سکوی ورزشگاه متشنج بود. تماشاگران دو تیم پیش از آغاز مسابقه و همچنین در طول بازی بارها علی کریمی و وریا غفوری دو بازیکن سابق این تیم‌ها را که در مقابل حکومت از مردم حمایت می‌کنند تشویق کردند. ● پیش از شروع این مسابقه مسئولان برگزاری، از تصاویر قاسم سلیمانی فرمانده پیشین «سپاه قدس» و روح‌الله عجمیان بسیجی که در جریان اعتراضات کشته شد به عنوان «شهادی ورزشکار» روغایی کردند.

● تماشاگران در چند نوبت علیه مهدی ترابی بازیکن حکومتی تیم پرسپولیس شعار دادند. همچنین شعارهایی علیه سپاه پاسداران و بسیجی‌ها سر داده شد.

مسابقه دو تیم فوتبال پرسپولیس و «استقلال» (تاج) از هفته بیست و هفتم رقابت‌های لیگ برتر فوتبال ایران که در استادیوم «آزادی» (آریامهر) برگزار شد با یک گل به سود قرمزپوشان پایتخت پایان یافت. این صدمین دربی تهران میان دو تیم پرسپولیس و «استقلال» بود.

تک گل این مسابقه را در دقیقه ۵۰ عیسی آل‌کثیر به ثمر رساند. با این نتیجه پرسپولیس به با ۵۷ امتیاز به صدر جدول مسابقات رسید. در حالی که سه هفته به پایان رقابت‌ها باقیست، ماندن پرسپولیس در صدر جدول به نتیجه مسابقه تیم‌های سپاهان اصفهان و ملوان بندر انزلی (پهلوی) بستگی دارد. سپاهان با یک بازی کمتر با با ۵۵ امتیاز در رده دوم و پس از آن تیم «استقلال» با ۵۵ امتیاز در رده سوم جدول قرار دارد. این مسابقه در شرایطی برگزار شد که بار دیگر اجازه ورود زنان به استادیوم داده نشد. شماری از زنان طرفداران دو تیم به امید اینکه بتوانند مسابقه را از نزدیک تماشا کنند به استادیوم رفتند اما نیروی انتظامی مانند همیشه با برخوردی زشت آنها را راند و پراکنده کرد.



عکس هفته | انقلاب ملی زن زندگی آزادی
منبع: رسانه‌های اجتماعی